بسم الله الرحمن الرحیم

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

**دوفصلنامه علمی _ ترویجی**

سال سوم، شماره اول، پیاپی۷، بهار و تابستان۱۳۹۶

**صاحب امتیاز:** مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

**مدیر مسؤول:** دکتر محمدجواد زارعان

**سردبیر:** دکتر محمدرضا احمدی

**جانشین سردبیر:** حسین رضائیان بیلندی

**مدیر اجرایی:** هادی ارشادحسینی

پست الکترونیکی: ipr@ueae.ir

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

پایگاه اینترنتی: ipr.ueae.ir

صندوق پستی: ۳۷۱۳۷۱۵۵۴۵

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

کدپستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

**اعضای هیأت تحریریه** (به ترتیب الفبا)

| | |
|---|---|
| **دکتر هادی بهرامی‌احسان** | دانشگاه تهران |
| **حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدجواد زارعان** | مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت |
| **آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد** | پژوهشگاه حوزه و دانشگاه |
| **دکتر علی فتحی‌آشتیانی** | دانشگاه بقیةالله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف |
| **حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی** | پژوهشگاه حوزه و دانشگاه |
| **حجت الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی** | مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره |
| **حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری** | پژوهشگاه حوزه و دانشگاه |

براساس مصوبهٔ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای عملی و در طی نامهٔ شمارهٔ ۲۰۲ به‌تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ درجهٔ علمی فصل‌نامه از علمی–تخصصی به علمی–ترویجی ارتقا یافت.

این فصل‌نامه در پایگاه اطلاع‌رسانی Noormags، SID و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

# راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقالات

**مقدمه**

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارایه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و ... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسایل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشند. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

**نوع مقالات مورد پذیرش**

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

**ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد**

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی و ایمیل پژوهشگر/ پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- مقدمه: بیان مسأله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند.
- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آن‌ها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع شده است. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

- کتاب: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی). عنوان کتاب، شماره جلد، نام و نام‌خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.
- مقاله: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، سال/ دوره، شماره، صفحات.
- پایان‌نامه: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان پایان‌نامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.
- گزارش: نام سازمان (سال انتشار). «نام گزارش».
- اینترنت: نام‌خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمایم (در صورت لزوم)

**نکات قابل توجه در ارائه مقالات**

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Word Microsoft ، قلم Mitra ، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و به‌وسیله پایگاه اینترنتی و پست الکترونیکی، برای فصلنامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

**ملاحظات**

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.
- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

# فهرست مطالب

**نقش تعدیل‌کنندهٔ دین و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی: رویکردی فراتحلیلی** / سارا محمدی ..... **۷**

**مفهوم شوخ‌طبعی: دیدگاه‌ها و ملاحظات** / محمد سلیمانی نجف‌آبادی / محمدصادق شجاعی / مهدی عباسی ..... **۲۹**

**رابطهٔ پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده** / سیدجواد موسوی / نجیب‌الله نوری / جعفر جدیری ..... **۴۷**

**بررسی رابطهٔ بین شخصیت با رضایت از زندگی و امید به آینده** / محمد زارعی توپخانه / حدیث چراغیان / سیده‌خدیجه مرادیانی / علی زهیری هاشم‌آبادی ..... **۶۷**

**رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی** / سیده‌فاطمه رسولی / سیده‌لیلا حسینی طبقدهی / عین‌الله مظلومی زیدی ..... **۸۳**

**نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر: نقش کمال‌گرایی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه** / فرشته صفاری‌زاده / حسین رضائیان بیلُندی ..... **۱۰۳**

**ملخّص المقالات** ..... **۱۱۹**

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره اول، پیاپی۷، بهار و تابستان۱۳۹۶، ص ۲۸-۷

# نقش تعدیل‌کنندهٔ دین و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی: رویکردی فراتحلیلی

# The Moderating Role of Religion and Demographic Characteristics of Subjects on the Relationship between Strain and Organizational Citizenship Behavior: A Meta-analysis Approach

✍ **سارا محمدی** / استادیار مدیریت رفتار سازمانی، گروه مدیریت دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

**Sara Muhammadi** / Assistant Professor in Organizational Behavior Management, Faculty of Economic & Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

## چکیده

در دنیای پر رقابت کنونی، سازمان‌ها پیوسته در جست‌وجوی شیوه‌های جدیدی برای حداکثر رساندن عملکرد و تلاش کارکنان خود هستند. ازآنجاکه جامعهٔ ما یک جامعهٔ اسلامی مبتنی بر دین مبین اسلام است، بررسی تأثیر دین بر ابعاد مختلف زندگی و نیز مقایسه با سایر ادیان، امری ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش، بررسی فراتحلیلی رابطهٔ بین تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی و توجه به نقش تعدیل‌کنندگی دین و مشخصات فردی در این رابطه است. رویکرد فراتحلیلی این پژوهش، دین و مشخصات فردی را به‌عنوان یک عامل مؤثر بر رابطهٔ تنیدگی و رفتارهای شهروندی سازمانی را مورد شناسایی و بررسی قرار می‌دهد. جامعهٔ آماری، کلیهٔ مطالعات منتشر شده در مجلات معتبر داخلی و بین‌المللی است که رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی را بررسی نموده‌اند. در مجموع، بیش از ۷۵۰ اندازه اثر در

## ABSTRACT

In today's highly competitive world, organizations are constantly looking for new ways to maximize the performance and endeavors of their employees. Since our society is an Islamic society based on Islam, it seems necessary to study the impact of religion on different dimensions of life and compare it with other religions. The main goal of this study is meta-analytical investigation of the relationship between strain and organizational citizenship behavior and the moderating role of religion and individual characteristics in this regard. The meta-analytical approach of this research identifies religion as an effective factor in the relationship between strain and organizational citizenship behaviors. The statistical population of this study is all studies published in reputable domestic and international journals that examine the relation between strain and citizenship behavior. Overall, more than 750 effects were identified and analyzed in 153 researches and the

۱۵۳ پژوهش مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفت و اثر تعدیل‌کنندگی ادیان اسلام، مسیحیت، یهود و سایر ادیان مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که بین تنیدگی و رفتار شهروندی رابطهٔ معکوس و معنادار وجود دارد و نوع دین آزمودنی‌ها بر این رابطه، اثر تعدیل‌کنندگی دارد. بدین‌ترتیب، در ادیان اسلام و مسیحیت تأثیر منفی تنیدگی بر رفتار شهروندی ضعیف‌تر نشان داده شده است. درحالی‌که در دین یهود و سایر ادیان این تأثیر قوی‌تر بوده است. همچنین، از سایر عوامل تعدیل‌گر مربوط به ویژگی‌های آزمودنی‌ها جنسیت و تجربه نیز رابطه تنیدگی و رفتار شهروندی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تنیدگی، دین، رفتار شهروندی سازمانی، فراتحلیل، متغیر تعدیل‌گر.

moderating effect of the religions of Islam, Christianity, Judaism and other religions was examined and tested. The results show that there is a significant negative relationship between strain and citizenship behavior and the type of religion of the subjects has a significant moderating effect on this relationship. Thus, in the religions of Islam and Christianity, the negative impact of the stress on the citizenship behavior was weaker, while in the Judaism and other religions, this effect was more powerful. Similarly, among other moderator factors related to the characteristics of the subjects, gender and experience have also affected the relationship between strain and citizenship behavior.

**KEY WORDS:** strain, religion, organizational citizenship behavior, meta-analysis, moderating variable.

## مقدمه

«تنیدگی»، به‌عنوان یکی از عوامل مهم کاهندهٔ اثربخشی سازمان، همواره مورد توجه بسیاری از مدیران و برنامه‌ریزان بوده است. از سوی دیگر، امروزه رفتارهای شهروندی سازمانی به‌عنوان یکی از مباحث نسبتاً جدید رفتار سازمانی، اهمیت فراوانی یافته است. بنابراین، تدوین برنامه‌ها و تصمیماتی برای افزایش رضایتمندی کارکنان و بروز رفتارهای شهروندی سازمانی تا حد زیادی توانسته در کاهش تنیدگی مؤثر باشد (کوپمن، ۲۰۰۱). محققان، بررسی رابطهٔ تنیدگی با رفتارهای شهروندی یک امر مهم برای افزایش اثربخشی و عملکرد می‌دانند (کوییک، ۱۹۹۹؛ بیر، جکس، استیسی و مورای، ۲۰۰۰). چانگ، جانسون و یانگ (۲۰۰۷)، معتقدند مدیران سازمان‌ها تا زمانی‌که شواهد محکمی مبنی بر وجود تنیدگی و تأثیر آن بر کاهش اثربخشی تأیید نشود، با سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مربوط به مدیریت تنیدگی مخالفت می‌کنند. درحالی‌که شواهد نشان می‌دهد، تنیدگی همواره پدیدهٔ تلخ و ناخوشایندی برای کارکنان و سازمان‌های آنان بوده و هزینه‌های سنگینی را برای آنها به بار آورده است. گزارش غیبت‌ها، مرخصی‌های استعلاجی و خسارت‌های مادی و شخصی، نشان‌دهندهٔ بار سنگین هزینهٔ آنها در جوامع صنعتی است. هزینه‌ای که حدود سه درصد از بودجهٔ کلی کشورها را به خود اختصاص داده است (مارتینو، ۲۰۰۳).

هـدف ایـن پژوهـش، فراتحلیلی بر مطالعـات تجربی انجام شـده در مـورد رابطهٔ بیـن تنیدگی و رفتارهای شـهروندی و بررسی عوامل مؤثر بر این رابطه می‌باشد. البته در این زمینه نتایج تحقیقات مختلف با اندازه اثرهای متفاوت، نشان‌دهندهٔ رابطهٔ منفی بین تنیدگی و رفتارهای شهروندی است، اما به نظر می‌رسـد، تفـاوت معناداری در نتایج تحقیقـات مختلف در این رابطه وجـود دارد که باید توجیه و تبیین گردد. به عبارت دیگر، در حوزهٔ ارتباط بین تنیدگی و رفتارهای شـهروندی سـازمانی، نتایج تحقیقات به اندازهٔ کافی واضح و قانع‌کننده نیسـت؛ زیرا تفاوت‌ها و گاه تناقض‌هایی در نتایج پژوهش‌ها مشاهده می‌شود که دلیل آن، توجیه و تبیین نشده است.

تـلاش برای حل این مسـئله، موجب شـد از رویکرد نسـبتاً جدید فراتحلیـل در پژوهش‌های علوم رفتاری اسـتفاده شـود. صاحب‌نظران، مطالعه مروری و تحلیلی پژوهش‌های گذشـته را تنها رویکرد موجود برای تبیین دلایل تفاوت نتایج مطالعات گذشته دانسته‌اند (برینجالفسون و یانگ[۱]، ۱۹۹۶؛ روزنتـال و دیماتئو[۲]، ۲۰۰۱؛ شـاون، فیتزجرالد و رامریـل[۳]، ۲۰۰۳). در واقع برای اجرای فراتحلیل باید حوزه‌ای انتخاب شود که نتایج پژوهش‌های انجام شده در آن حوزه متفاوت، دوپهلو یا مشتبه‌کننده باشد (دلاور، ۱۳۹۶).

فراتحلیـل نتایج مطالعات را با هـم ترکیب نموده تا الگوهایی از روابط علّـی بین متغیرها و عوامل مؤثر بر آنها را شناسـایی و آشـکار کند. فراتحلیل از پژوهشـگر می‌خواهد کـه یافته‌ها و نتایج مختلف کمّـی را ادغام کند تا در عمل، متدهای آماری را به طـور قدرتمندتر به‌کار گیرد (میلر و یانگ، ۲۰۰۷). این رویکرد کمّی از اعداد و تکنیک‌های آماری برای سـازماندهی و استنتاج اطلاعات ارزشمند و مفید استفاده می‌کند و تقریباً از سایر روش‌ها جامع‌تر است.

در این پژوهش سعی شده است ابتدا شدت تأثیر تنیدگی بر رفتار شهروندی، تعیین و سپس مشخص گردد چه عواملی موجب تفاوت در نتایج مطالعات گذشته در این رابطه شده‌اند. به‌طورکلی آنچه مورد بررسی است، نقش ویژگی‌های اعضای جامعه آماری (با تأکید بر دین) بر این رابطه است.

## مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌های پژوهش

مفهوم رفتار شـهروندی سازمانی (OCB)[۴] اولین بار به‌طور رسـمی توسط بیت‌من و ارگان[۵] در سال ۱۹۸۳ به کار برده شـد (هادوی‌نژاد و مقبل باعرض، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳)، اما قبل از آن بارنارد (۱۹۳۸) در تئـوری تمایـل به همکاری، این مفهوم را با عنوان رفتارهای فراتر از نقش بررسـی کرد. بعدها کتز و کان (۱۹۶۴، ۱۹۶۶) در مطالعـات خـود، رفتارهـای خودجوش و عملکرد فرانقش را تشـریح نموده

۱. Brynjolfsson & Yang
۲. Rosenthal & Dimatteo
۳. Shawn, Fitzgerald & Rumrill
۴. Organizational Citizenship Behavior
۵. Bateman & Organ

که موجب بهبود اثربخشی سازمان می‌شود. رفتارهایی که به روان‌سازی ماشین اجتماعی سازمان کمک می‌کند (اسمیت، اورگان و نیر، ۱۹۸۳). این رفتارها با عناوین مختلفی همچون سندروم سرباز خوب، رفتارهای فرااجتماعی، رفتارهای افزون بر نقش، عملکرد زمینه‌ای، رفتارهای خودجوش و یا رفتار شهروندی سازمانی مطرح می‌باشد (محمدی، فانی، آذر و فتحی، ۱۳۹۲).

رفتار شهروندی رفتاری آگاهانه و داوطلبانه است که نظام پاداش‌دهی، قابلیت سازمان‌دهی و شناسایی آن را به‌طور مستقیم یا ضمنی ندارد و با اینکه انجام آنها از سوی سازمان اجباری نیست، اما در مجموع عملکرد مؤثر سازمان را افزایش می‌دهد (ففه و یان، ۲۰۰۹؛ پنگ و چیو، ۲۰۱۰). البته این رفتارها به‌طور غیررسمی مورد تشویق و پاداش قرار می‌گیرند و انجام ندادن آنها تنبیه خاصی را به دنبال ندارد (بولینو، ترنلی، گیلستراپ و سوازو[۱]، ۲۰۱۰).

در پژوهش‌های مختلف، شاخص‌های متعددی برای رفتار شهروندی مطرح شده که یکی از معروف‌ترین آنها، رفتارهای شهروندی سازمانی معطوف به افراد[۲] (OCB-I) و رفتارهای شهروندی سازمانی معطوف به سازمان[۳] (OCB-O) است (ویلیامز و اندرسون، ۱۹۹۱؛ لی و آلن، ۲۰۰۲). براین‌اساس، شاخص‌های رفتار شهروندی در جدول ۱ آمده‌اند.

**جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های رفتار شهروندی**

| ابعاد رفتار شهروندی | شاخص‌ها |
|---|---|
| رفتار شهروندی سازمانی معطوف به سازمان (OCB-O) | وظیفه‌شناسی، حضور فعال و وقت‌شناسی، فرمانبرداری سازمانی، مشارکت، تعهد، حمایت و وفاداری سازمانی، فداکاری شغلی، کمک به همکاران، همکاری و هماهنگی و ... |
| رفتار شهروندی سازمانی معطوف به فرد (OCB-I) | نوع‌دوستی، وجدان، ادب و احترام، مهربانی و محبت، رفتار مدنی، رشد و توسعه شخصی، همدلی، ایثار، گذشت و فداکاری و ... |

منبع: (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲)

## تنیدگی

منظور از تنیدگی، واکنش‌ها، عواقب و پیامدهای منفی ناشی از استرس است که در بسیاری از مطالعات، این پیامدها را با عنوان «دیسترس»[۴] یا «استرس بد» نامگذاری نموده‌اند. «تنیدگی»، حالتی است ناشی از مجموعه‌ای از تقاضاها که دستیابی به آنها فراتر از امکانات و منابع موجود است. در واقع، تنیدگی نشان‌دهندهٔ واکنش‌ها و پاسخ‌های منفی و ناسازگار به تقاضاهای محیطی یا عوامل تنش‌زا است. تنیدگی پاسخ فیزیولوژیکی، روانی و رفتاری شخص جهت مطابقت و تعدیل فشارهای داخلی و خارجی می‌باشد. واکنش بدن، به تقاضاهای محیطی که بر آن تحمیل می‌شود.

۱. Bolino, Turnley, Gilstrap & Suazo
۲. OCB towards Individuals
۳. OCB towards Organization
۴. Distress

ایـن واکنش می‌تواند شـغلی، عاطفی و یا فیزیکی باشـد (لو، سـو و کوپر، ۲۰۰۵؛ چانـگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ لوسیر، ۲۰۱۱؛ گایتر و همکاران، ۲۰۰۸).

در این پژوهش، دو نوع تنیدگی شـغلی و هیجانی مورد بررسـی قرار گرفته اسـت. منظور از تنیدگی شغلی، واکنش‌های کاری منفی به عوامل تنش‌زا مانند نارضایتی، کاهش تعهد، انگیزش و عملکرد، افزایش ترک شغل، غیبت و ... است. منظور از تنیدگی هیجانی، احساسات منفی و عکس‌العمل‌های عاطفی و هیجانی است که به‌وسیلهٔ عوامل تنش‌زا ایجاد می‌شوند مانند عصبانیت یا خشم، ناکامی، اضطراب، فرسودگی یا خستگی عاطفی، افسردگی، ... .

## رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی

لپین، پودسـاکف و لپین (۲۰۰۵)، تأثیر تنیدگی بر رفتارهای شـهروندی را بررسـی کرده‌اند، اما این پژوهش فقط بُعد خاصی از تنیدگی (شـغلی) و تعداد محدودی از رفتارهای شـهروندی را مورد توجه قرار داده اسـت. بنابراین، نتایج آن جزئی و محدود اسـت و قابل تعمیم به انواع رفتار شـهروندی یا تنیدگی نیست. عوامل مؤثر بر این رابطه نیز مورد توجه قرار نگرفته است.

چانگ و همکاران (۲۰۰۷)، تنیدگی و رفتارهای شهروندی را بررسی کردند. در این پژوهش، صرفاً تنیدگـی عاطفی مورد توجه اسـت و در بررسـی عوامل مؤثر بـر این رابطه تنها به چنـد عامل محدود اشاره نموده‌اند. در این مطالعه، عواملی همچون دولتی یا خصوصی بودن سازمان و شرایط استخدام کارکنان (تمام‌وقت یا پاره‌وقت بودن) به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده بررسـی شده است. بنابراین، این پژوهش کامل و جامع نبوده و نتایج آن قابل تعمیم در هر شرایط نیست.

جامعیـت و جهانـی بودن نتایج حاصل از این پژوهش که به شـرایط یک جامعه آماری خاص مانند ایران وابسـتگی ندارد، آن را از سـایر پژوهش‌ها متمایز ساخته اسـت. برخلاف بسیاری از تحقیقات که به مطالعهٔ میدانی در شـرایط خاص می‌پردازند، این پژوهش در شـرایط متفاوت و جوامع آماری متنوع می‌تواند نتایج فراگیرتر و الگوی جامعی از دلایل تضاد و تفاوت در نتایج تحقیقات مختلف ارائه نماید.

## نقش تعدیل‌گر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

در این پژوهش، متغیرهای مستقل زمینه‌ای مربوط به ویژگی‌های آزمودنی‌های پژوهش به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده که رابطهٔ تنیدگی و رفتار شـهروندی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، مورد بررسـی قرار می‌گیرند. این ویژگی‌ها شامل دین، تحصیلات، جنسیت، سن و تجربه، درآمد، وضعیت تأهل و تعداد فرزند و نژاد آزمودنی‌ها می‌باشند.

به دلیل وجود حساسیت‌های خاص، مسائلی همچون دین و مذهب، قومیت و نژاد، پژوهش‌هایی که به طور مستقیم به بررسی تأثیر این عوامل بر تنیدگی و یا رفتار شهروندی بپردازند، صورت نگرفته

است و پژوهشگران ترجیحاً به این عوامل نپرداخته‌اند. اما به عقیدهٔ اندیشمندان، متغیرهای برون‌سازمانی مانند قومیت، دین و مذهب، عضویت در گروه‌های خاص می‌تواند در بروز یا عدم بروز و یا شدت و ضعف رفتار شهروندی کارکنان مؤثر باشد (کوهن، ۲۰۰۶).

اما تأثیر سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی در مطالعات مختلف تا حدودی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از جمله پژوهش پیرسی، لین و کراوانس (۲۰۰۲)، متکاف و دیک (۲۰۰۲)، گارج و راستوگی[۱] (۲۰۰۶)، وگ، ون‌دیک، فیشر، وکینگ و مولزن[۲] (۲۰۰۶)، وانکسیان و ویوو[۳] (۲۰۰۷) و قلی‌پور، بلاغی اینالو، قاسمی و روحی خلیلی (۱۳۸۶) نشان دادند، کارکنان زن نسبت به کارکنان مرد و کارکنان مسن‌تر نسبت به کارکنان جوان، رفتار شهروندی بیشتری دارند. نتایج یک پژوهش در چین نشان داد، کارکنان با تجربهٔ بیشتر، رفتار شهروندی بیشتری دارند و هرچه منصب کاری بالاتر باشد، رفتار شهروندی بیشتر است. این پژوهش‌ها نشان دادند که زنان در رفتارهایی همچون ادب و احترام، مهربانی، روابط بین‌فردی، وجدان و تواضع رتبهٔ بالاتری از مردان داشتند. ولی بین زن و مرد در میزان تعهد و رفتارهای کمک‌کننده تفاوت معناداری مشاهده نشد (مرسدن و کالبرگ، ۱۹۹۳).

اگرچه در مورد سطح تحصیلات و رفتار شهروندی رابطهٔ معناداری گزارش نشده است، برخی در مطالعات خود بین این دو رابطه معکوس معنادار تأیید نمودند. به عبارت دیگر، در سطوح بالاتر تحصیلات میزان بروز رفتارهای شهروندی کمتر بوده است (امریک، جواهر و استون[۴]، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، نتایج مطالعات کاراتپ و الشینلوی (۲۰۰۹)، بولینو و ترنلی (۲۰۰۵)، وگ و همکاران (۲۰۰۶) وجود رابطهٔ منفی بین تنیدگی و سطح تحصیلات، سن، جنس و تجربه را نشان می‌دهند. بنابراین، با توجه به چارچوب نظری فوق، مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ نشان داده می‌شود.




**شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش**

۱. Garg & Rastogi
۲. Wegge, VanDick, Fisher, Wecking & Moltzen
۳. Wanxian & Weiwu
۴. Emmerik, Jawahar & Stone

## فرضیه‌های پژوهش

بر اساس الگوی مفهومی فوق، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل بررسی و آزمون شده است:

۱. بین تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی رابطهٔ معکوس معنادار وجود دارد.

۲. متغیرهای مربوط به ویژگی‌های آزمودنی‌های پژوهش، رابطهٔ معکوس تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی را تعدیل می‌کند.

## روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر روش گردآوری و تحلیل داده‌ها، تحلیلی- همبستگی محسوب می‌شود. رویکرد این پژوهش، برای ارزیابی رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی و عوامل مؤثر بر این رابطه رویکرد فراتحلیل یا مرور کمی ادبیات است. بنابراین، در این رویکرد، جامعهٔ آماری کلیه مطالعات گذشته در مورد رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی می‌باشند. بدین‌منظور، تمام مطالعات منتشر شدهٔ در دسترس از سال ۱۹۸۵ تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی جمع‌آوری شده و لذا هیچ نمونه‌گیری صورت نگرفته است.

برای گردآوری مطالعات، از مراجع و پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی از قبیل سایت جهاد دانشگاهی (Sid.ir) Ebsco, Sage, Proquest, ScienceDirect, Emerald, Elsevier, با کلیدواژه‌های اصلی و یا مترادف و هم معنا با واژه‌های اصلی پژوهش (تنیدگی، استرس، تنش، تنیدگی روحی و روانی، تنیدگی شغلی، استرس کاری، رفتار شهروندی سازمانی، رفتار شهروندی فردی، همکاری و مشارکت، نوع‌دوستی، کمک به همکار، جوانمردی و گذشت، ادب و مهربانی، فداکاری، وجدان کاری، فضیلت مدنی) جست‌وجو شد و یا مطالعات مورد ارجاع در فهرست منابع مقالات و نیز تماس با نویسندگان مقالات و درخواست ارسال از آنها استفاده شد که در مجموع، بیش از ۱۵۰ مقاله شناسایی و تحلیل شد.

همان‌طورکه بیان شد، فراتحلیل نتایج کمّی مطالعات گذشته را ترکیب نموده، تناقض‌ها را توضیح داده و متغیرهای تعدیل‌کننده را شناسایی می‌کند. فراتحلیل، تحلیل آماری مجموعه بزرگی از نتایج مطالعات گذشته است که برای تفسیر بهتر و معتبرتر یافته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (دلاور، ۱۳۹۶). فرایند اجرای فراتحلیل به ترتیب ذیل (هانتر و اشمیت، ۲۰۱۴؛ میلر و یانگ، ۲۰۰۷) انجام شده است:

**الف. تعریف متغیرهای مستقل و وابسته مورد پژوهش:** در این پژوهش، تنیدگی به‌عنوان متغیر مستقل و رفتار شهروندی به‌عنوان متغیر وابسته است. معیارها و شاخص‌های اندازه‌گیری تنیدگی و رفتار شهروندی در قسمت ادبیات و مبانی نظری استخراج و بیان شد. همان‌طورکه اشاره شد، رفتار شهروندی در دو گروه فردی و سازمانی (OCB-O و OCB-I) و منظور از تنیدگی، تنیدگی شغلی و هیجانی می‌باشد.

**ب. جمع‌آوری و جست‌وجوی ادبیات یا گزارش مطالعات گذشته:** با توجه به رویکرد فراتحلیل، باید مقالاتی گردآوری شوند که به بررسی رابطهٔ این دو متغیر یا شاخص‌های آنها پرداخته باشند. مطالعات حتماً باید متغیر مستقل و وابستهٔ این پژوهش را بررسی کرده باشند و اطلاعات لازم برای استخراج یا محاسبهٔ اندازه اثر در آنها ارائه شده باشد.

**ج. گزینش مطالعات مفید، استخراج و کدگذاری اطلاعات آنها:** پس از گردآوری مطالعات گذشته از منابع و پایگاه‌های مذکور و با پالایش مقالات و حذف موارد نامناسب، در نهایت ۱۵۳ مقاله، با ۷۸۴ اندازه اثر تنیدگی بر رفتار شهروندی مورد استفاده قرار گرفت.

**د. محاسبهٔ اندازه اثر مطالعات گذشته و اندازه‌اثر مشترک:** اندازه اثر یا قوت رابطهٔ همان ضریب همبستگی r است. در مقالاتی که از سایر روش‌های تحلیل داده‌ها استفاده کرده‌اند، آمارهٔ آزمون پژوهش‌های انجام شده (T, Z, F, R ۲)، برای هر مطالعه میدانی استخراج شده و تبدیل به اندازه اثر (r) می‌گردد (فتحی، خداداد حسینی و الهی، ۱۳۸۶).

پس از محاسبهٔ اندازه‌اثر، به ارزیابی همگنی یا ناهمگنی اندازه‌های اثر پرداخته و اندازه‌اثر مشترک حاصل از مطالعات محاسبه خواهد شد. اندازه‌اثر مشترک با روش میانگین ساده یا غیروزنی حاصل از کلیهٔ مطالعات و یا میانگین وزنی بر اساس تعداد نمونه در هر مطالعه محاسبه می‌شود (همان).

**هـ. آزمون فرضیه‌های پژوهش:** برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های مختلفی همچون آزمون کای‌دو، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی و مقایسه میانگین دو جامعه استفاده شده است.

**و. تفسیر نتایج و ترسیم مدل نهایی پژوهش:** پس از آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی و نتایج حاصله درباره پذیرش یا عدم پذیرش آنها بحث خواهد شد.

## یافته‌های پژوهش

### تحلیل توصیفی داده‌ها

توصیف آماری اندازه‌اثر: اندازه‌اثر میزانی است که حضور پدیدهٔ مورد نظر در جامعه را نشان می‌دهد. ازاین‌رو، هرچه اندازه‌اثر بزرگتر باشد، درجهٔ حضور پدیده هم بیشتر است. به بیان ساده‌تر، اندازه‌اثر معیار استانداردی است که از طریق آن میزان و شدت ارتباط بین دو متغیر در هر پژوهش اندازه‌گیری و مشخص می‌شود (روزنتال و دیماتئو، ۲۰۰۱). در این پژوهش نیز از ۱۵۳ مطالعه، مجموعاً ۷۸۴ اندازه‌اثر استخراج، محاسبه و شناسایی شد.

میانگین غیروزنی اندازه‌اثر محاسبه شده برای مطالعات مختلف در این پژوهش برابر با ۰/۲۲۵۸- و انحراف معیار آن برابر ۰/۲۱۷۳ می‌باشد. کوچکترین اندازه‌اثر محاسبه شده در مطالعات برابر ۰/۷۹- و بزرگترین اندازه‌اثر، ۰/۷۸ می‌باشد. میانگین وزنی اندازه‌اثر برای تمامی مطالعات نیز که

براساس تعداد نمونه هر مطالعه وزن می‌گیرد، برابر ۰/۲۴۹۱- می‌باشد. جدول ۲، تعداد اندازه‌اثرهای منفی و مثبت و جدول ۳ مقدار و توزیع فراوانی آنها را نشان می‌دهد.

**جدول ۲. فراوانی اندازه اثرهای مثبت و منفی**

| اندازه اثر | تعداد | اندازه اثر | تعداد |
|---|---|---|---|
| منفی | ۶۷۹ | غیرمعنادار | ۱۹۲ |
| مثبت | ۱۰۳ | مثبت معنادار (کلی) | ۵۴ (۶/۹٪کل) |
| صفر | ۲ | منفی معنادار (کلی) | ۵۳۲ (۶۸٪کل) |

**جدول ۳. توزیع فراوانی اندازه اثرهای محاسبه شده**

| ردیف | (مقدار) طبقه اندازه اثر | تعداد | درصد | ردیف | (مقدار) طبقه اندازه اثر | تعداد | درصد |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۱- تا قبل از ۰/۷۵- | ۱ | ۰/۲۴ | ۵ | ۰ تا قبل از ۰/۲۵ | ۷۹ | ۹/۶ |
| ۲ | ۰/۷۵- تا قبل از ۰/۵- | ۹۵ | ۹/۲ | ۶ | ۰/۲۵ تا قبل از ۰/۵ | ۱۸ | ۳/۲ |
| ۳ | ۰/۵- تا قبل از ۰/۲۵- | ۲۸۳ | ۳۲/۳ | ۷ | ۰/۵ تا قبل از ۰/۷۵ | ۶ | ۱/۲ |
| ۴ | ۰/۲۵- تا قبل از ۰ | ۳۰۲ | ۴۴ | ۸ | ۰/۷۵ تا قبل از ۱ | ۰ | ۰/۲۴ |
| | جمع کل | | | | از ۱- تا ۱ | ۷۸۴ | ۱۰۰ |

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقادیر اندازه‌اثرها متفاوت و گاهاً متناقض است. بنابراین، شناسایی دلایل این تفاوت‌ها ضروری است. برخی از عوامل تفاوت در نتایج مطالعات، همان متغیرهای تعدیل‌گر ارائه شده در الگوی مفهومی پژوهش هستند.

توصیف آماری متغیر مستقل و وابسته: در مطالعات مورد بررسی، از کل ۷۸۴ اندازه‌اثر، ۳۱۱ مورد تنیدگی شغلی، ۳۹۹ مورد تنیدگی عاطفی یا هیجانی و بقیه موارد، تنیدگی را به صورت کلی گزارش نموده‌اند. همچنین در ۳۴۴ مورد، رفتار شهروندی سازمانی (OCB-O)، ۳۳۷ مورد رفتار شهروندی فردی (OCB-I) و مابقی رفتار شهروندی کلی گزارش شده است.

## تحلیل و آزمون فرضیه‌ها

### الف. آزمون فرضیه اصلی اول

فرضیه اول بیان‌کنندهٔ وجود رابطهٔ منفی معنادار بین تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی است.

بر اساس رویکرد فراتحلیل، برای آزمون این فرضیه باید اندازه‌اثر مشترک همهٔ مطالعات، محاسبه گردد. ازاین‌رو، اندازه‌اثر تلفیقی یا مشترک از طریق میانگین وزنی و غیروزنی مطالعات محاسبه گردید

کـه میانگین سـاده اندازه‌اثرهـا برابر بـا ۰/۲۲۵۸- و میانگین وزنی برابر با ۰/۲۶۱۹- می‌باشـد. برای جلوگیـری از انحـراف اندازه‌اثر، با حذف گزارش‌هایی که نمونه بالاتر از ۱۰۰۰ داشـتند، مقدار میانگین غیروزنی به ۰/۲۱۰۷- و میانگین وزنی تعدیل‌شده به ۰/۲۳۴۵- تغییر یافت.

برای آزمون معنادار بودن اندازه‌اثر تعدیل شده، به دلایل زیر توجه می‌شود:

۱. تعـداد اندازه‌اثرهـای منفـی معنـادار در مطالعـات، برابـر بـا ۵۳۲ مـورد (۶۸٪ کل اندازه‌اثرها) می‌باشـد، این تعداد بیش از نصف و حدود دوسـوم کل جامعهٔ آماری را پوشـش می‌دهد. درحالی‌که تعداد اندازه‌اثرهای مثبت فقط ۵۴ مورد (۶/۹٪ کل اندازه‌اثرها) است.

۲. هانتر و اشمیت (۲۰۱۴)، ضرایب همبستگی کمتر از ۰/۱ را به‌عنوان ضرایب کوچک، ضرایب بین ۰/۱ تا ۰/۳ را به‌عنوان ضرایب متوسط و ضرایب همبستگی بالاتر از ۰/۳ را به‌عنوان ضرایب بزرگ مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین، اندازه اثر به‌دست‌آمده در طبقهٔ متوسط قرار گرفته است.

براین‌اسـاس، نتیجـه گرفتـه می‌شـود بیـن تنیدگی و رفتار شـهروندی سـازمانی رابطـهٔ معکوس معناداری وجود دارد (ρ=-۰/۲۳).

## ب. آزمون فرضیه اصلی دوم

فرضیـهٔ دوم بیانگر نقش تعدیل‌کنندگی متغیرهای زمینه‌ای از جمله دین در رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی است. اما قبل از آن، وجود تفاوت معنادار نتایج مطالعات گذشته را در این باره باید آزمود.

بـرای آزمون معنـاداری تفاوت نتایـج مطالعات، باید به تشـخیص همگنی یا ناهمگنـی اندازه‌اثرها پرداخت. رویکرد فراتحلیل در این راستا راهکارهای زیر را توصیه نموده است (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳)

- بررسی نموداری اندازه‌اثرها و مشاهده عینی همگنی یا ناهمگنی اندازه‌اثرهای مطالعات؛
- مقایسهٔ مقادیر حداقل و حداکثر اندازه‌اثرهای محاسبه شده؛
- استفاده از آزمون همگنی کای‌دو.

اولاً، در بررسـی عینی و نموداری اندازه‌اثرها مشاهده شـد که اندازه‌اثر مطالعات با یکدیگر متفاوت بوده و این پراکندگی، اجتماع اندازه‌اثرها را حول یک میزان مشخص، دشوار نموده است.

ثانیاً، در ارزیابی مقادیر حداقل و حداکثر اندازه‌اثر، ازآنجاکه دامنهٔ تغییرات ۱/۵۷ (۰/۷۹- و ۰/۷۸+)، برای این مطالعات بالاست، این نشان‌دهندهٔ ناهمگنی اندازه‌اثرهای محاسبه شده می‌باشد.

ثالثاً، در محاسـبهٔ آزمون همگنی، مقدار آمارهٔ کای‌دو برابر با ۶۷۹/۵۴۷ و درجهٔ معناداری آن صفر حاصل گردید که نشـان‌دهندهٔ تأیید فرض ناهمگنی و تفاوت معنادار اندازه‌اثرها می‌باشد. بدین‌معنا که نتایج مطالعات گذشته دربارهٔ اثر تنیدگی بر رفتار شهروندی، به طور معنادار متفاوت است.

بنابراین، باید عواملی که باعث این تفاوت و ناهمگنی شده‌اند، شناسایی و بررسی شوند.

فرضیـهٔ دوم، در قالـب نـه فرضیهٔ فرعـی آزمون می‌شـود و اثر دیـن به‌عنوان یکـی از ویژگی‌های

آزمودنی‌هـای پژوهـش بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شـهروندی مورد بررسـی و آزمون قـرار می‌گیرد. برای تحلیل فرضیه‌های فرعی از آزمون‌های آماری مطابق جدول ۴ استفاده شده است.

**جدول ۴. روش تحلیل داده‌ها در متغیرهای تعدیل‌گر**

| ردیف | متغیر تعدیل‌گر | مقیاس متغیر | روش تحلیل داده‌ها |
|---|---|---|---|
| ۱ | دین | اسمی بیش از دو مقدار | تحلیل واریانس |
| ۲ | جنسیت آزمودنی‌ها | اسمی دو مقداری | تفاوت میانگین‌ها |
| ۳ | سطح تحصیلات آزمودنی‌ها | پیوسته | ضریب همبستگی |
| ۴ | سن، آزمودنی‌ها | پیوسته | ضریب همبستگی |
| ۶ | سابقه خدمت (تجربه) آزمودنی‌ها | پیوسته | ضریب همبستگی |
| ۷ | میزان درآمد آزمودنی‌ها | پیوسته | ضریب همبستگی |
| ۸ | وضعیت تأهل، داشتن فرزند | اسمی دو مقداری | تفاوت میانگین‌ها |
| ۹ | نژاد | اسمی دو مقداری | تفاوت میانگین‌ها |

## فرضیهٔ فرعی اول

در این فرضیه تأثیر ادیان مسـیحیت ($\mu 1$)، یهود ($\mu 2$)، اسلام ($\mu 3$)، و سایر ادیان ($\mu 4$) به‌عنوان متغیر اسمی چندمقداری مورد آزمون قرار گرفت. فرضیهٔ آماری به شرح زیر تدوین شد:

$H0: \mu 1 = \mu 2 = \mu 3 = \mu 4$

حداقل یک جفت از میانگین‌ها با هم تفاوت دارند: H1

**جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای فرضیه نوع دین**

| | مجموع توان دوم | درجهٔ آزادی | میانگین توان دوم | F | درجهٔ معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| بین‌گروهی | ۰/۵۹۹ | ۳ | ۰/۱۴۸ | ۲/۹۱۶ | ۰/۰۱۸ |
| درون‌گروهی | ۳۶/۱۰۸ | ۶۷۵ | ۰/۰۵۲ | | |
| کل | ۳۷/۴۱۳ | ۶۷۲ | | | |

ازآنجاکه میانگیـن اندازه‌اثر گروه‌های چهارگانه ادیان با هم متفاوت بوده، از طریق آزمون تحلیل واریانس به بررسـی معناداری این تفاوت‌ها پرداخته شـد ($\mu 1 - \mu 2 = 0/40$، $\mu 1 - \mu 3 = 0/20$، $\mu 1 - \mu 4 = 0/15$، $\mu 2 - \mu 3 = 0/19$). درجـهٔ معنـاداری ۰/۰۱۸ بیانگر تأیید H1 اسـت؛ یعنی بین میانگیـن اندازه‌اثر حداقل دو گـروه از آزمودنی‌ها، تفاوت معنادار وجود دارد. مقایسـهٔ زوجی گروه‌ها با روش LSD و آزمون Post

Hoc نشـان داد که کمترین اندازه‌اثرها متعلق به دین اسـلام و مسـیحیت است؛ یعنی در این دو، اثر منفی تنیدگی بر رفتار شهروندی ضعیف‌تر است. بیشترین اثرها نیز مربوط به دین یهود و سایر ادیان می‌باشـد؛ یعنـی در این مذاهب اثـر معکوس تنیدگی بر OCB قوی‌تر اسـت. بنابرایـن، تأیید فرضیه به‌معنای اثر تعدیل‌کنندگی نوع دین پذیرفته می‌شود.

## فرضیهٔ فرعی دوم

در بررسـی تأثیـر سـطح تحصیـلات بر رابطـهٔ تنیدگـی و رفتـار شـهروندی، درصد کارکنـان دارای تحصیلات کارشناسـی و بالاتر مبنـای تحلیل آماری قرار گرفته‌اند. بنابرایـن، فرضیه ازطریق ضریب همبستگی آزمون می‌شود. نتایج آزمون فرضیه با استفاده از نرم‌افزار SPSS در جدول ۶ آمده است.

**جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه سطح تحصیلات آزمودنی‌ها**

| | | اندازه اثر | درصد تحصیل کرده |
|---|---|---|---|
| اندازه اثر | ضریب همبستگی پیرسون | ۱ | ۰/۰۳۸ |
| | درجهٔ معناداری دو دنباله | | ۰/۵۹ |
| | تعداد | ۷۸۴ | ۲۷۵ |
| درصد تحصیل‌کرده | ضریب همبستگی پیرسون | ۰/۰۳۸ | ۱ |
| | درجهٔ معناداری دو دنباله | ۰/۵۹ | |
| | تعداد | ۲۷۵ | ۲۷۵ |

با مشاهدهٔ درجهٔ معناداری بیش از ۰/۰۵ می‌توان گفت: فرض صفر تأیید می‌شود؛ یعنی بین مقادیر اندازه‌اثر و سـطح تحصیـلات آزمودنی‌ها ارتباط معنـادار وجود ندارد. بنابراین، نتایج نشـان می‌دهد سطح تحصیلات آزمودنی‌ها بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی تأثیر ندارد.

## فرضیهٔ فرعی سوم

آزمون فرضیه نقش جنسـیت آزمودنی‌ها، بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شـهروندی به دو روش قابل انجام است: ابتدا به‌عنوان متغیری اسمی و دومقداری رابطهٔ جنسیت (زن و مرد) و میانگین اندازه‌اثرها با روش مقایسهٔ میانگین دو جامعه بررسی خواهد شد که در این صورت، شکل آماری فرضیه عبارت است از:

$$H0: \mu 1 = \mu 2$$

$$H1: \mu 1 \neq \mu 2$$

بـر اسـاس آزمون لونز، مقـدار F برابر ۱/۴۳۳ و درجـهٔ معناداری آن، ۰/۳۶۲ بـوده، بنابراین فرض برابری واریانس‌های دو گروه پذیرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه در جدول ۷ آمده است.

**جدول ۷. نتایج آزمون مقایسهٔ میانگین دو جامعه برای فرضیه جنسیت آزمودنی‌ها**

| آزمون **t** برای مقایسهٔ میانگین‌ها | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| فاصلهٔ اطمینان ۹۵٪ | | فاصله خطای انحراف‌معیار | تفاوت میانگین‌ها | درجهٔ معناداری (دودنباله) | درجهٔ آزادی | مقدار آماره **t** | برابری واریانس‌ها مفروض است. |
| حداکثر | حداقل | | | | | | |
| -۰/۰۶۰۵ | -۰/۲۸۹۷ | ۰/۰۶۱۲ | -۰/۱۸۶۱ | ۰/۰۰۳ | ۸۹ | -۳/۲۸۶ | |

با توجه به درجهٔ معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ و فاصلهٔ اطمینان که دربرگیرندهٔ صفر نیست، می‌توان گفـت: فرض صفر رد می‌شـود؛ یعنـی بین میانگیـن اندازه‌اثر مطالعات انجام شـده بـر روی زنان با مـردان، تفاوت معنـادار وجود دارد. به عبـارت دیگر، اثر منفـی تنیدگی بر رفتار شـهروندی در زنان بیشتر و قوی‌تر از مردان است.

## فرضیهٔ فرعی چهارم

این فرضیه بیانگر تأثیر سن آزمودنی‌ها بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی است. این متغیر، ماهیتی کمّی و پیوسته دارد و برای آزمون آن از ضریب همبستگی استفاده می‌شود. نتایج آزمون این فرضیه با توجه به درجهٔ معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ نشان‌دهندهٔ عدم تأیید فرضیه است؛ یعنی سن آزمودنی‌های پژوهش بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی تأثیر ندارد.

همچنین، این متغیر در شش گروه سنی و به‌عنوان متغیری اسمی و چندمقداری نیز با روش تحلیل واریانس آزمون شد. نتایج حاکی از عدم تفاوت معنادار اندازه‌اثرها در گروه‌های سنی مختلف بود.

## فرضیهٔ فرعی پنجم

در این فرضیه، اثر تجربه بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی بررسی می‌شود. این متغیر در پنج گروه تقسـیم‌بندی و به‌عنوان متغیر اسـمی چندمقداری با روش تحلیل واریانس آزمون شده است. شکل آماری فرضیه:

$$H0: \mu1 = \mu2 = \mu3 = \mu4 = \mu5$$

حداقل یک جفت از میانگین‌ها با هم تفاوت دارند: H1

نتایج آزمون تحلیل واریانس این فرضیه در جدول ۸ مشاهده می‌شود.

**جدول ۸. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای فرضیه تجربه**

| | مجموع توان دوم | درجهٔ آزادی | میانگین توان دوم | F | درجهٔ معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| بین‌گروهی | ۰/۵۸۹ | ۴ | ۰/۱۵۹ | ۳/۱۷۱ | ۰/۰۱۷ |
| درون‌گروهی | ۲۹/۹۸۹ | ۵۶۹ | ۰/۰۶ | | |
| کل | ۳۰/۱۱۵ | ۵۷۳ | | | |

با توجه به درجهٔ معناداری کمتر از ۰/۰۵، می‌توان گفت: بین میانگین اندازه‌اثر در حداقل دو گروه از کارکنان، تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج مقایسهٔ زوجی گروه‌ها با استفاده از روش LSD نشان‌دهندهٔ تفاوت معنادار گروه‌های مختلف از نظر تجربه بود. بیشترین اندازه‌اثر مربوط به تجربه ۱۰ تا ۱۵ سال می‌باشد؛ یعنی در این گروه، اثر معکوس تنیدگی بر رفتار شهروندی بیشتر و قوی‌تر است. کمترین اثر در افراد با تجربه ۲۰ سال و بالاتر رخ داده است. بنابراین، فرضیه تأیید می‌شود؛ یعنی تجربه بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی تأثیر دارد.

## فرضیهٔ فرعی ششم

این فرضیه، تأثیر تعدیل‌کنندگی میزان درآمد آزمودنی‌ها را بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی مورد تحلیل قرار می‌دهد. متغیر کمّی درآمد با ضریب همبستگی آزمون می‌شود. نتایج آزمون در جدول ۹ مشاهده می‌شود:

**جدول ۹. نتایج آزمون فرضیه میزان درآمد آزمودنی‌ها**

| | | اندازه اثر | درآمد |
|---|---|---|---|
| اندازه اثر | ضریب همبستگی پیرسون | ۱ | ۰/۴۰۱ |
| | درجهٔ معناداری دو دنباله | | ۰/۰۱۵ |
| | تعداد | ۷۸۴ | ۳۶ |
| درآمد | ضریب همبستگی پیرسون | ۰/۴۰۱ | ۱ |
| | درجهٔ معناداری دو دنباله | ۰/۰۱۵ | |
| | تعداد | ۳۶ | ۳۶ |

همان‌طورکه در جدول ۹ آمده است، درجهٔ معناداری کمتر از ۰/۰۵ نشان‌دهندهٔ تأیید فرضیه است؛ یعنی بین اندازه‌اثر مطالعات و درآمد آزمودنی‌ها رابطهٔ مستقیم معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش درآمد، تنیدگی کمتر و در نتیجه رفتار شهروندی افزایش خواهد یافت و یا بعکس. بنابراین، متغیر درآمد آزمودنی‌ها موجب تعدیل رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی شده است.

### فرضیهٔ فرعی هفتم

در این فرضیه، تأثیر وضعیت تأهل آزمودنی‌ها، بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی بررسی می‌شود. بـه دلیـل بیان درصدی ایـن متغیر، به‌عنـوان متغیری کمّی با ضریب همبسـتگی آزمـون گردید که درجـهٔ معناداری بزرگتـر از ۰/۰۵ در نتایج آزمون نشـان داد، فرضیه رد می‌شـود؛ یعنی وضعیت تأهل کارکنان نقش معناداری در رابطهٔ تنیدگی و رفتار شـهروندی ندارد. اما در ارزیابی شـاخص‌های جزئی فرضیه، مشخص شد بین درصد کارکنان متأهل و میانگین اندازه‌اثر تنیدگی بر رفتار شهروندی فردی (OCB–I) رابطهٔ معنادار وجود دارد (جدول ۱۰).

**جدول ۱۰. نتایج آزمون فرضیه وضعیت تأهل**

| | | اندازه اثر | درصد کارکنان متأهل |
|---|---|---|---|
| اندازه اثر | ضریب همبستگی پیرسون | ۱ | -۰/۲۶۵ |
| | درجهٔ معناداری دودنباله | | ۰/۰۱۶ |
| | تعداد | ۲۲۸ | ۱۰۲ |
| درصد کارکنان متأهل | ضریب همبستگی پیرسون | -۰/۲۶۵ | ۱ |
| | درجهٔ معناداری دودنباله | ۰/۰۱۶ | |
| | تعداد | ۱۰۲ | ۳۳۷ |

همان‌طورکه مشـاهده می‌شـود، درجهٔ معناداری کمتر از ۰/۰۵ نشان می‌دهد در کارکنان متأهل اثر معکوس تنیدگی بر رفتار شـهروندی فردی ضعیف‌تر و کمتر اسـت؛ یعنی در کارکنان متأهل، تنیدگی کمتر موجب افزایش رفتار شهروندی فردی (OCB–I) می‌شود نه رفتار شهروندی سازمانی.

### فرضیهٔ فرعی هشتم

وجود فرزند، اثر تنیدگی بر رفتار شـهروندی را تعدیل می‌کند. این فرضیه به‌عنوان متغیری اسـمی و دومقداری با روش مقایسـهٔ میانگین دو جامعه بررسـی شد. نتایج آزمون تأییدکنندهٔ فرض صفر بود (درجهٔ معناداری ۰/۲۵ و فاصلهٔ اطمینان که دربرگیرندهٔ صفر). بنابراین، فرضیه هفتم به‌طور کلی رد می‌شـود؛ یعنی داشتن یا نداشتن فرزند، اثری بر رابطهٔ بین تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی ندارد. اما با بررسـی شـاخص‌های جزئی‌تر فرضیه، مشخص شـد این متغیر در رابطهٔ تنیدگی عاطفی و رفتار شهروندی سازمانی مؤثر بوده و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جدول ۱۱).

**جدول ۱۱. نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه برای فرضیه فرزند**

| آزمون **t** برای مقایسهٔ میانگین‌ها | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| فاصلهٔ اطمینان ۹۵٪ | | فاصله خطای انحراف معیار | تفاوت میانگین‌ها | درجهٔ‌معناداری (دودنباله) | درجهٔ آزادی | مقدار آماره **t** | برابری واریانس‌ها |
| حداکثر | حداقل | | | | | | |
| -۰/۰۱۹۸ | -۰/۳۷۲۰ | ۰/۰۷۸۵ | -۰/۱۹۸۸ | ۰/۰۲۹ | ۶۱ | -۲/۶۸۵ | مفروض است |

درجـهٔ معنـاداری کمتـر از ۰/۰۵ و فاصلهٔ اطمینان که دربرگیرندهٔ صفر نیسـت، بلکه نشـان‌دهندهٔ نقش تعدیل‌کنندهٔ وجود فرزند در رابطهٔ تنیدگی عاطفی و رفتار شـهروندی سازمانی است. بدین‌معنا که کارکنان دارای فرزند، تنیدگی عاطفی کمتری تجربه می‌کنند و در نتیجه، رفتار شهروندی بالاتری خواهند داشت.

## فرضیهٔ فرعی نهم

این فرضیه اثر نژاد آزمودنی‌ها (سفید، سیاه، زرد، سرخ و غیره) را بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی سـازمانی بررسـی می‌کند. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین اندازه‌اثر مطالعات و انواع نژاد مشـارکت‌کنندگان در پژوهش تفاوت معنادار وجود ندارد؛ یعنی رابطهٔ تنیدگی و رفتار شـهروندی سازمانی، تحت تأثیر نژاد آزمودنی‌ها قرار نگرفته است.

در این پژوهش، با رویکرد فراتحلیل رابطهٔ تنیدگی و رفتار شـهروندی سـازمانی مورد آزمون و تأیید قـرار گرفـت. همچنین، نقـش تعدیل‌کنندهٔ ویژگی‌های مربـوط به آزمودنی‌ها که ایـن رابطه را متأثر ساخته و موجب تفاوت در نتایج مطالعات گذشته شده بودند، ارزیابی شد. این متغیرها شامل دین، جنسیت، سن، تجربه، تحصیلات، درآمد، وضعیت تأهل و وجود فرزند و نژاد آزمودنی‌ها می‌باشند که پس از آزمون مشخص شد، دین، جنسیت، میزان تجربه و درآمد در رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی مؤثـر اسـت. البته برخـی فرضیه‌های جزئی‌تـر از جمله تأثیر تأهل بـر رابطهٔ تنیدگـی و OCB-I، و اثر وجود فرزند بر رابطهٔ تنیدگی عاطفی و رفتار شهروندی پذیرفته شدند. جدول ۱۲ خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها و درجهٔ معناداری آنها را نشان می‌دهد.

**جدول ۱۲. خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی**

| ردیف | فرضیهٔ اصلی | فرضیهٔ فرعی | درجهٔ معناداری | نتیجه آزمون |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | رابطهٔ تنیدگی و رفتارشهروندی | – | – | تأیید |
| ۲ | اثر تعدیل‌کننده ویژگی‌های آزمودنی‌ها بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی | دین | ۰/۰۱۸ | تأیید |
| | | تحصیلات | ۰/۵۹ | عدم تأیید |
| | | جنسیت | ۰/۰۰۳ | تأیید |
| | | سن | ۰/۲۸ | عدم تأیید |
| | | میزان تجربه | ۰/۰۱۷ | تأیید |
| | | میزان درآمد | ۰/۰۱۵ | تأیید |
| | | وضعیت تأهل | ۰/۴۹۴ | عدم تأیید |
| | | * اثر وضعیت تأهل بر رابطهٔ تنیدگی و OCB-I | ۰/۰۱۶ | تأیید |
| | | وجود فرزند | ۰/۲۵ | عدم تأیید |
| | | * اثر وجود فرزند بر رابطهٔ تنیدگی عاطفی و OCB | ۰/۰۲۹ | تأیید |
| | | نژاد | ۰/۳۵۵ | عدم تأیید |

## بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها نشان داد که ادیان مختلف به طور معناداری دارای اندازه اثر متفاوت هستند. بدین‌معنا که اثر معکوس تنیدگی بر OCB در ادیان اسلام و سپس مسیحیت کمتر و ضعیف‌تر و در مذاهب یهود و سایر ادیان، قوی‌تر و شدیدتر مشاهده شد. این نتیجه نشان می‌دهد که مسلمانان و سپس مسیحیان، به دلیل وجود اعتقادات، باورها و ارزش‌های عمیق و قوی دینی مبتنی بر صلح و آرامش و دعوت به دوستی و تعاون، تنیدگی کمتری را تجربه می‌کنند و این منجر به افزایش بروز رفتارهای شهروندی در آنها می‌شود. همچنین، این نتیجه بیانگر آن است که حتی اگر مصائب و مشکلات فراوان موجب تنیدگی در مسلمانان شود، این تنیدگی موجب کاهش رفتار شهروندی در آنها نخواهد شد. اندیشه‌های عمیق ارزشی و اخلاقیات کاری که در دین اسلام توصیه شده در افراد موجب می‌شود که همچنان بدون چشمداشت به کارهای خیرخواهانه ادامه دهند. به عبارت دیگر، آنها اعمال نیک خود را مشروط به مصائب و مشکلات کاری و اجتماعی و... نمی‌کنند.

جنسیت آزمودنی‌ها یکی از عوامل تعدیل‌گر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی است. نتایج این مطالعه نشان داد اثر منفی تنیدگی بر رفتار شهروندی در زنان بسیار بیشتر و قوی‌تر از مردان است.

ایـن نتیجه با پژوهش‌های وگ و همکاران (۲۰۰۶)، گارج و راسـتوگی (۲۰۰۶)، و مرسـدن و کالبرگ (۱۹۹۳) سازگار است. زنان از نظر روحی و عاطفی حساس‌تر بوده و چنانچه در محیط اجتماعی کسب و کار به طور مسـتقیم با عوامل تنش‌زا مواجه شـوند، میزان رفتارهای شهروندی آنها تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش می‌یابد. اما مردان، به دلیل روحیهٔ سـخت و خشـن در مقابل تنیدگی مقاوم‌تر بوده و کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

همچنیـن، نتایـج این پژوهش نشـان داد که تجربهٔ کاری بـالا، موجب افزایش مهـارت و خبرگی کارکنـان شـده و این‌گونه افراد در محیط کاری کمتر دچار تنیدگی می‌شـوند. ازایـن‌رو، انتظار می‌رود علاوه بر انجام وظایف خود، بسـتر مناسـب برای بروز رفتارهای شهروندی بیشتر در آنها فراهم باشد. بعکـس، در کارکنـان تـازه‌وارد معمولاً تنیدگی و اضطراب قابل مشـاهده اسـت که منجـر به کاهش رفتارهای شهروندی می‌شود. البته رفتارهای شهروندی بیشتر نیز از آنها دور از انتظار نیست و این امر ممکن است به عاملی برای حفظ موقعیت کاری فرد تبدیل شود.

نتایج تحلیل داده‌ها نشان‌دهندهٔ ارتباط مستقیم معناداری بین میانگین مقادیر اندازه‌اثر مطالعات و میـزان درآمد آزمودنی‌ها (برابر با ۰/۴۰ ) بود؛ یعنی بـا افزایش درآمد، رابطهٔ معکوس تنیدگی و رفتار شـهروندی نیز قوی‌تر خواهد شـد، و بعکس کاهش درآمد و ضعف مالی، ارتباط میان تنیدگی و رفتار شهروندی را نیز ضعیف‌تر خواهد کرد.

در بررسـی دو فرضیهٔ وضعیت تأهل و وجود فرزند، اگر چه نتیجهٔ کلی در آزمون این دو فرضیه، اثر تعدیل‌کنندگی آنها را بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شـهروندی تأیید نکرد، اما در بررسـی جزئی‌تر و دقیق‌تر فرضیه، مشـخص شـد اثر معکوس تنیدگی بر رفتار شـهروندی فردی در کارکنـان متأهل ضعیف‌تر و کمتر اسـت. بـا توجه به اینکه متأهل شـدن افراد، حس مسـئولیت‌پذیری آنها را نسـبت به خانواده و جامعـه بیشـتر می‌کند، بنابراین به نظر می‌رسـد بروز رفتارهای شـهروندی فـردی (ادب و نزاکت، مهربانی، نوع‌دوستی، کمک به دیگران) در آنها منطقی باشد.

همچنین، در بررسـی نقش فرزند نتایج نشـان داد اثر منفی تنیدگی عاطفی بر رفتار شـهروندی در کارکنـان دارای فرزند، بیشـتر از کارکنـان بدون فرزند اسـت. بدین‌معنا که افراد دارای فرزند، بیشـتر تحت تأثیر تنیدگی روحی و عاطفی قرار دارند و چنانچه رفتارهای شهروندی در آنها کاهش یابد تحت تأثیـر تنیدگی روحی این اتفاق رخ می‌دهد نه تنیدگی شـغلی. به نظر می‌رسـد این اسـتدلال منطقی است که افراد دارای فرزند دارای حس تعلق و تعصب روحی و روانی بیشتر به خانواده و فرزندان خود هسـتند و به همین دلیل از این مجرا بیشتر تحت آسیب احتمالی هستند. از سوی دیگر، این افراد به خاطر وجود فرزند و تأمین رفاه حال و آیندهٔ آنها حتی کارها و مسئولیت‌های سنگین و مشاغل سخت را هم تقبل می‌کنند، بنابراین از مجرای شغلی کمتر دچار تنیدگی خواهند شد.

**پیشنهادهای پژوهش:**

با توجه به ضریب همبستگی کلی تنیدگی و رفتار شهروندی که در حد متوسط و معنادار بوده، و از سوی دیگر ناهمگنی اندازه‌اثرهای مختلف، باید دلیل ناهمگنی آشکار و مشخص شود. البته اندازه‌اثر به هر میزان کم یا زیاد، کاربرد خاص خود را دارد. مثلاً، از پایین بودن اندازه‌اثر می‌توان برای بهبود عملکرد و ایجاد شرایط انگیزشی و رقابتی در جهت تحقق اهداف بهره جست. چه‌بسا شناسایی شرایطی که منجر به تأثیر کم تنیدگی بر رفتار شهروندی شده، از این طریق به برنامه‌های توسعه و پیشرفت کمک کند.

با توجه به پژوهش‌های گذشته و آزمون فرضیه‌ها مشخص شد، برخی ویژگی‌های آزمودنی‌ها موجب تعدیل اثر معکوس تنیدگی بر رفتار شهروندی شده است. بنابراین، توصیه می‌شود ضمن توجه به شرایط اختصاصی موجود در هر مطالعه، توجه به این عوامل تعدیل‌گر در پژوهش‌های آتی منجر به تفاوت در برنامه‌های توسعه و نیز توجیه اقدامات تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان شده و برنامه‌ها و تصمیمات اتخاذ شده نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود.

به پژوهشگران و برنامه‌ریزان توصیه می‌شود، ضمن توجه به دین، وضعیت تأهل و داشتن فرزند در آزمودنی‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی، با حفظ ابعاد ارزشی و عقیدتی در انواع ادیان و حتی مذاهب و با رعایت نظام دینی مربوطه در این زمینه راهکارها و تصمیمات لازم انجام شود. چون نتایج مطالعات حاکی از تأثیر این متغیرها بر عملکرد فرانقشی کارکنان است. در اکثر پژوهش‌ها انتخاب گروه خاصی از کارکنان یا کنترل این متغیرها به‌عنوان یک راهکار مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین، توصیه می‌شود با توجه به تفاوت نتایج در نوع جنسیت، تا حد امکان از طرق مختلف از این تفاوت و واگرایی نتایج دوری شود تا نتایج برای کارکنان از هر جنسیتی کاربردی بوده و راه‌گشای مشکلات باشد. در این راستا کنترل متغیر یا انجام پژوهش تنها بر روی یک جنسیت خاص یکی از راهکارها است.

پیشنهاد دیگر، توجه پژوهشگران به میزان تجربه و درآمد کارکنان است، چه‌بسا ارزش قائل شدن برای تجارب کاری و طراحی سیستم عادلانه و تشویقی پرداخت حقوق و مزایا بتواند از طریق کاهش تنیدگی، کمک شایانی به بهبود رفتارهای شهروندی و افزایش اثربخشی سازمان کند.

همچنین، پیشنهاد می‌شود محققان در پژوهش‌های آتی خود به دنبال دلایل تفاوت نتایج مطالعات بر اساس نوع دین، جنسیت، تجربه کاری، میزان درآمد، وضعیت تأهل و وجود فرزند بوده و نتایج مطالعات خود را در شرایط متفاوت مقایسه نموده و دلایل واقعی تفاوت را بررسی و کنکاش کنند.

**محدودیت‌های پژوهش:**

- یکی از محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر در رویکرد فراتحلیل، میزان دسترسی به پژوهش‌های انجام شده در گذشته است که به طور کامل امکان‌پذیر نیست.

- محدودیت دیگر مربوط به تفاوت‌های قابل توجه بین مطالعات انجام شده از نظر کیفیت است.
- عدم توجه به ضریب اهمیت سوابق پژوهشگر مطالعات گذشته و یا ضریب اهمیت نشریه‌ای است که مطالعه در آن منتشر شده است. در نتیجه، برخی در مورد عملی بودن فراتحلیل جهت ادغام و ترکیب مناسب نتایج مطالعات انتقاد کرده‌اند (میلر و یانگ، ۲۰۰۷).

## منابع


دلاور، علی (۱۳۹۶)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چ هفدهم، تهران: رشد.

فتحی، سعید؛ خداداد حسینی، سیدحمید و الهی، شعبان (۱۳۸۶)، «ارائه الگوی رابطه فناوری اطلاعات و عملکرد شرکت‌های تجاری: فراتحلیلی بر عوامل اندازه‌گیری در معمای بهره‌وری»، پژوهش‌های بازرگانی، ش ۴۲، ص ۲۶۳-۲۹۹.

قلی‌پور، آرین؛ بلاغی اینالو، امین؛ قاسمی، میثم و روحی خلیلی، مهدی (۱۳۸۶)، «بررسی صحت و سقم کلیشه‌های منفی زنان در سازمان‌ها»، پژوهش زنان، دورهٔ پنجم، ش ۳، ص ۱۴۱-۱۶۸.

محمدی، جیران (۱۳۹۰)، بررسی و تبیین الگوی عوامل مؤثر بر رابطهٔ بین تنیدگی و رفتارهای شهروندی سازمانی: رویکردی فراتحلیل، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

محمدی، جیران؛ فانی، علی‌اصغر؛ آذر، عادل و فتحی، سعید (۱۳۹۲)، «بررسی اثر ویژگی‌های آزمودنی‌های پژوهش بر رابطهٔ تنیدگی و رفتار شهروندی سازمانی»، مدیریت دولتی، دورهٔ پنجم، ش ۲، ص ۹۷-۱۲۴.

هادوی‌نژاد، مصطفی و مقبل باعرض، عباس (۱۳۹۰)، «رابطهٔ ادراک سیاست سازمانی و رفتار شهروندی»، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دورهٔ پانزدهم، ش ۲، ص ۱۸۱-۲۰۳.

Beehr, T.A, Jex, S.M, Stacy, B.A, & Murray, M.A, (2000), Work stressors and coworker support as predictors of individual strain & job performance, Journal of Organizational Behavior. 21(4), p. 391–405.

Bolino, M.C, & Turnley, W.H, (2005), The personal costs of CB: the relationship between individual initiative & role overload, job stress, & work–family conflict, Journal of Applied Psychology, 90(4), p .740–748.

Bolino, M.C, turnley, H, Gilstrap, B, & Suazo, M, (2010), Citizenship under pressure: What's a 'good soldier' to do? Journal of Organizational Behavior, 31(6), p. 835–855.

Brynjolfson, E., Yang, S., (1996), Information Technology and Productivity: a Review of the Literature, Advances in computers, 43, p. 179–214.

Chang, C.H, Johnson, E, & Yang, L.Q, (2007), Emotional strain and organizational citizenship behaviors: A meta–analysis and review, Work & Stress, 21(4), p. 312–332.

Cohen. A, (2006), The relationship between multiple commitments & OCB in Arab & Jewish

culture, Journal of Vocational Behavior, 69 (1), p. 105–118.

Emmerik, V, Jawahar, M, & Stone, H, (2005), Associations among altruism, burnout dimensions, & OCB. Work & Stress, 19 (1), p. 93–100.

Felfe, J, & Yan, Hm (2009), The impact of workgroup commitment on OCB, absenteeism Asia Pacific Business Review, 15 (3), p. 433–450.

Gaither, C, Cahaleh, A, Doucette, W, Mott, D, Pederson, C, & Schommer, J, (2008), A modified model of pharmacists' job stress: The role of organizational, extra–role, & individual factors on, Research in Social & Administrative Pharmacy, 4 (3), p. 231–243.

Garg, P, & Rastogi, R, (2006), Climate profile and OCBs of teachers in public and private schools of India, International Journal of Educational Management, 20 (7), p. 529–541.

Hunter, J, & Schmidt, F, (2014), Method of meta–analysis: correcting error & bias in research findings (Third Ed), Thousand Oaks. CA: Sage.

Karatepe, O. M, & Aleshinloye, K. D, (2009), Emotional dissonance and emotional exhaustion among hotel employees in Nigeria, International Journal of Hospitality Management, 28 (3), p. 349–358.

Koopman, R., (2001), the Relationship Perceived Organizational Justice and OCB: a Review Literature, Applied Psychology, Ms Advised by Dr, Richard Tafall, 1–10.

Lee, K, & Allen, J, (2002), OCB & workplace deviance: The role of affect & cognitions, Journal of Applied Psychology, 87 (1), p. 131–142.

LePine, J, Podsakoff, P, & LePine, M, (2005), meta–analytic test of the challenge stressor–hindrance stressor framework: an explanation for inconsistent relationships among stressors & performance, Academy of Management Journal, 48 (5), p. 764–775.

Lu, C, Siu, O, & Cooper, C.L, (2005), Managers' occupational stress in China: the role of self–efficacy, Personality and Individual Differences, 38 (3), p. 569–578.

Lussier, R.N, (2011), Management Fundamental: Concepts, Applications, skill Development. South–Western Collage Publishing, 6th edition.

Marsden, P. V, & Kalleberg, A. L, (1993), Gender Differences in Organizational Commitment, Work and Occupation, 20 (3), p. 368–390.

Martino, V.D, (2003), Relationship between work stress and workplace violence in the health sector. ILO/ICN/WHO/PSI. International Labour Office, International Council of Nurses, World Health Organization.

Metcalfe, B, & Dick, G, (2002), Is the Force Still with Her? Gender and Commitment in the Police, 17 (8), p. 392–403.

Miller,G, & Yang, K, (2007), Handbook of Research Methods in Public Administration. Second Edition, Meta-analysis. (Chapter 36), 705-720. Originally published: New York: M. Dekker.

Peng, J, & Chiu, S, (2010), An Integrative Model Linking Feedback Environment & OCB, Journal of Social Psychology, 150(6), p. 582-607.

Piercy, F, Lane, N, & Cravans, W, (2002), A Gender Perspective on Salesperson OCB, Sales Manager Control Strategy and Sales Unit Effectiveness, Women in Management Review, 17(8), p. 373-391.

Quick, J. C, (1999), Occupational health psychology: historical roots and future directions, Health Psychology, 18(1), p. 82-88.

Rosenthal R, & Dimatteo, M.R, (2001), Meta-Analysis: Recent Developments in Quantitative Methods for Literature Review, Annual Review Psychology, n. 52, p. 59-82.

Shawn, M, Fitzgerald, D, & Rumrill R, (2003), Meta-Analysis as a Tool for Understanding Existing research literature, Work, 21(1), p. 97-103.

Smith, C. A, Organ, D. W, & Near, J. P, (1983), OCB: Its nature & antecedents, Journal of Applied Psychology, n. 68, p. 653-663.

Wanxian, L, & Weiwu, W, (2007), Demographic Study on Citizenship Behavior as in Role Orientation, Personality and Individual Differences, 42(2), p. 225-234.

Wegge, J, VanDick, R, Fisher, G.K, Wecking, C, & Moltzen, K, (2006), Work motivation, organizational identification, and well-being in call centre work, Work & Stress, 20(1), p. 60-83.

Williams, L. J, & Anderson, S. E, (1991), Job satisfaction and organizational commitment as predictors of organizational citizenship and in-role behaviors, Journal of Management, 17(3), p. 601-617.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره اول، پیاپی۷، بهار و تابستان۱۳۹۶، ص۴۶-۲۹

# مفهوم شوخ‌طبعی: دیدگاه‌ها و ملاحظات

## The Concept of Wittiness: Views and Considerations

✍ **محمد سلیمانی نجف‌آبادی** / کارشناس ارشد روان‌شناسی اسلامی، مؤسسه اخلاق و تربیت، Mohammad.solimani@yahoo.com
**محمدصادق شجاعی** / استادیار روان‌شناسی جامعة المصطفی العالمیة، s_shojaei@yahoo.com
**مهدی عباسی** / عضو هیئت علمی پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی ـ گروه روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث، ym.abbasi@gmail.com

**Muhammad Suleymani Najaf Abadi** / MA of Islamic Psychology
**Muhammad Sadeq Shuja'i** / Assistant Professor in al-Mustafa International University
**Mahdi Abbasi** / Assistant Professor in University of Hadith Sciences

**چکیده**

هدف این پژوهش، بررسی نظریات مفهوم شوخ‌طبعی است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از منابع موجود، پنج نظریهٔ عمده در ماهیت شوخ‌طبعی؛ یعنی برتری‌جویی، عدم تجانس، تسکین، معکوس و نظریه روان‌شناسی مثبت بررسی شد. نظریهٔ برتری‌جویی، منشأ شوخ‌طبعی را فخر ناگهانی از مقایسه خود با دیگران و درک نقصی در افراد دیگر و تحسین خود به خاطر عدم وجود آن نقص می‌داند. نظریهٔ عدم تجانس، مشخصهٔ ادراک‌پذیر شوخ‌طبعی را لذت از تجربه و تفکر نامتجانس معرفی می‌کند. نظریهٔ تسکین، در واقع تبیین‌های فیزیولوژیکی را به نظریه عدم تجانس اضافه نمود و نتوانست اشکالات نظریهٔ عدم تجانس را رفع کند. نظریهٔ معکوس، تجربه شوخ‌طبعی را بر اساس نظریه گسترده‌تری تبیین نمود که اشکالات آن بررسی شد. در روان‌شناسی

**ABSTRACT**

The present study aims at investigating views on the concept of wittiness. The research method was descriptive-analytical and was done using the available sources to investigate five major theories on the nature of wittiness as follows: superiority, non-homogeneity, alleviation, reverse theory and positive psychological theory were investigated. The superiority theory considers the origin of wittiness to be sudden pride out of comparing oneself with others and admiring oneself due to lacking that deficiency. The theory of non-homogeneity introduces the perceptible feature of wittiness to be pleasure from non-homogenous experience and thought. The alleviation theory added physiological explanations to the non-homogeneity theory and could not resolve the drawbacks of non-homogeneity theory. The reverse theory explains the experience of wittiness on the basis of a broader theory whose drawbacks were investigated. In positive psychology,

مثبت نیز تعریفی از شوخ‌طبعی ارائه شده است که به رغم برطرف شدن اشکالات نظریات دیگر، نقش فرهنگ جوامع مختلف را در تبیین شوخ‌طبعی لحاظ نکرده بود. اندیشمندان مسلمان نیز با دارا بودن نگاه هنجاری به شوخ‌طبعی، اساساً ورودی جامع و کامل به تعریف شوخ‌طبعی نداشتند. در نهایت، اینکه هرچند الگوی اسلامی شادکامی، درصدد تعیین جایگاه شوخ‌طبعی در منظومه معارف اسلامی برآمده است، اما به نظر می‌رسد نتیجه روشنی درباره تعیین حد و مرز آن و تبیین تفاوت‌ها و اشتراک‌های آن با مفاهیم دیگر ارائه نکرده است.

**کلیدواژه‌ها:** ماهیت شوخ‌طبعی، برتری‌جویی، عدم تجانس، روان‌شناسی مثبت، نظریه معکوس.

there is a definition of wittiness which, despite resolving the drawbacks of other theories, has not considered the role of the culture of different societies in explaining wittiness. Muslim thinkers, despite having a normative look at wittiness, have not comprehensively defined and discussed it. Finally, although the Islamic model of happiness has attempted to define the status of wittiness in Islamic teachings, it does not seem to present a vivid result on determining it demarcations and explaining its differences and common points with other concepts.

**KEY WORDS:** nature of wittiness, seeking superiority, non-homogeneity, positive psychology, reverse theory.

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های متمایزکننده افراد از یکدیگر، شوخ‌طبعی است. توجه به شوخ‌طبعی در فرهنگ اقوام و ملل مختلف، از قدمتی طولانی برخوردار است. اما می‌توان خاستگاه توجه به شوخ‌طبعی را در آثار فلاسفه جست‌وجو کرد. اغلب فیلسوفان دربارهٔ شوخ‌طبعی مطالب زیادی ننگاشته‌اند و اظهارنظر آنان در این باره غالباً خود را در مکتوبات سایر موضوعات نشان داده است. با جدا شدن روان‌شناسی از فلسفه و مطرح شدن روان‌شناسی به‌عنوان یک رشته علمی، شوخ‌طبعی مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفت. در روان‌شناسی، شوخ‌طبعی، ترجمهٔ واژهٔ «Humor» می‌باشد. واژهٔ «Humo» یا «Humour» ابتدا به‌معنای مایع بدنی (مثل زلالیه و زجاجیه که مایعاتی در کره چشم هستند) و خصوصاً به‌معنای مزاج یا خلطِ (مزاج دمی[۱]، مزاج صفراوی[۲]، مزاج سودایی[۳] و مزاج بلغمی[۴]) مرتبط با سلامت و هیجانات انسان‌ها، استفاده می‌شد (ووتن[۵]، ۱۹۹۶). ارتباط مزاج با وضعیت روانی موجب شد که در قرن شانزدهم میلادی این واژه در معنای حالت ذهنی یا خلق‌وخو به کار رود و سرانجام در اواخر قرن شانزدهم میلادی

۱. Sanguine humor
۲. Choleric humor
۳. Melancholic humor
۴. Phlegmatic humor
۵. Wooten, P

در معنای شـوخ‌طبعی به کار برده شـد (آکسـورد[۱]، ۲۰۱۶). مارتیـن[۲] (۲۰۰۱)، شـوخ‌طبعی را به صورت تفاوت‌های عادتی افراد در رفتارها، تجارب، عواطف، نگرش‌ها و توانایی در زمینه سرگرمی، خندیدن، اهل شـوخی بـودن و نظیر اینها تعریف می‌کند. روان‌شناسـان برجسـته‌ای مثل فرویـد (۱۳۸۸)، آپتر[۳] (۲۰۰۱) و سـلیگمن[۴] (۲۰۰۲) در ضمن نظریات خود، به بررسی شـوخ‌طبعی پرداخته‌اند. نظریه‌پردازان سعی کرده‌اند، شوخ‌طبعی را به‌عنوان یک رفتار انسانی بر اساس نظریه خود توصیف و تبیین کنند.

در منابع اسلامی نیز شوخ‌طبعی، یکی از ویژگی‌های برشمرده شده برای مؤمنان است. برای مثال، پیامبـر اسـلام ﷺ می‌فرمایند: «هیچ مؤمنی نیسـت مگر اینکه در وی شـوخ‌طبعی باشـد»[۵] (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۳). همین‌طور منابع اسـلامی امام جعفر صادق † که الگوی یک انسـان کامل اسـت را «کسـی که زیاد شـوخ‌طبعی می‌کند»[۶]، معرفی می‌کنند (مجلسـی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص۳۳). اندیشمندان مسلمان نیز در لابه‌لای کتاب‌های خود مباحثی را در مورد شوخ‌طبعی مطرح کرده‌اند. در مجموع، از دیرباز تاکنون در مورد مفهوم شوخ‌طبعی، نظریه‌های متعددی ارائه شده است که هدف این مقاله نقل و بررسی این نظریه‌ها می‌باشد.

## روش پژوهش

در ایـن پژوهـش، با توجه بـه اینکه اطلاعات از قبل بـه صورت متن‌های مکتوب وجود داشـته و محقق به توصیف و بررسـی آنها پرداخته اسـت؛ از روش تحلیل محتوا اسـتفاده شـده است. تحلیل محتوا، روشـی اسـت که برای بررسـی محتوای آشـکار پیام‌هـای موجود در یک متـن می‌توان از آن اسـتفاده کرد (سـرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۳ ص ۱۳۲). در این پژوهش، ابتدا منابع در دسـترس مرتبط با مفهوم شـوخ‌طبعی جمع‌آوری شد. سـپس، دیدگاه‌های مرتبط با مفهوم شوخ‌طبعی موجود در منابع، استخراج و دسته‌بندی شد. در انتها نظریات استخراج شده مورد بررسی قرار گرفت.

## یافته‌های پژوهش

در بـاب شـوخ‌طبعی پنج نظریه عمده وجود دارد: ۱. نظریـه برتری‌جویی؛ ۲. نظریه عدم تجانس؛ ۳. نظریه تسکین؛ ۴. نظریه معکوس؛ ۵. نظریه روان‌شناسی مثبت. این پژوهش می‌کوشد، این پنج نظریه که از دیرباز تاکنون در مورد مفهوم شـوخ‌طبعی در فلسـفه و روان‌شناسـی مطرح شده، بیان و مورد بررسی قرار دهد.

---

۱. Oxford Dictionary
۲. Martin, R.
۳. Apter, M
۴. Seligman, M

۵ . مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِيهِ دُعَابَةٌ.
۶ . قَالَ مُصْعَبُ بْنُ عَبْدِ اللهِ قَالَ مَالِكٌ وَ لَقَدْ كُنْتُ أَرَى جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ كَانَ كَثِيرَ الدُّعَابَةِ وَ التَّبَسُّمِ

## نظریهٔ برتری‌جویی

تاریخ سنتی نظریهٔ برتری‌جویی به فیلسوفان کلاسیک یونان برمی‌گردد (فرگوسن و فورد[۱]، ۲۰۰۸). افلاطون آنچه را ما امروزه شوخ‌طبعی می‌نامیم، با خنده درهم می‌آمیخت و خندهٔ تمسخر را یگانه نوع خنده به‌شمار می‌آورد. به‌زعم افلاطون، هدف اصلی خنده، نوعی نقص در دیگران است که خودشان نسبت به آن جهالت دارند (مورال[۲]، ۱۹۸۹). از نظر وی، ما تنها به افرادی می‌خندیم که خود را ثروتمندتر، جذاب‌تر با کمالات‌تر یا عاقل‌تر از آنچه دربارهٔ آنها می‌دانیم، جلوه می‌دهند. ارسطو در «اخلاقیات نیکوماخس»[۳] شوخ‌طبعی را بخشی از زندگی تکامل یافته بشر می‌داند، ولی معتقد است: بسیاری از افراد در آن راه به افراط می‌پویند و برای شوخی، هر چیزی را بر زبان می‌آورند، بدون آنکه به شأن افراد در تیرس شوخی، توجه کنند. به نظر ارسطو، شوخی نوعی استهزاست و چون قانون‌گذاران برخی از انواع استهزا را منع کرده‌اند، شاید بهتر باشد برخی شوخی‌ها را نیز ممنوع کنند (مورال، ۱۹۸۹). بنابراین، ارسطو و افلاطون معتقد بودند: افراد، شوخ‌طبعی را در ناتوانی‌ها، ضعف‌ها و عیب‌های دیگران می‌یابند و خنده، بیانگر تمسخر و بداندیشی ناشی از بدشانسیِ دیگران است (فرگوسن و فورد، ۲۰۰۸).

بیش از دو هزار سال بعد از ارسطو، هابز[۴] (۱۹۹۶) نسخه تکامل یافته‌ای از نظریه برتری‌جویی را ارائه داد. به‌زعم هابز، انسان‌ها موجوداتی هستند که در کشمکش دائم با یکدیگر به سر می‌برند. ازاین‌رو، دائماً موقعیت‌های نسبی یکدیگر را مقایسه می‌کنند. شوخ‌طبعی به وسیله «مقایسه نزولی هدف‌دار اجتماعی»[۵] باعث بالا رفتن «عزت نفس»، «خنده» و «سرگرمی» می‌شود. در این مقایسه، انسان زمانی می‌خندد که خود را برنده می‌بیند. در واقع، هابز معتقد است: «خنده در شوخ‌طبعی، اطوارهایی ناشی از «فخر ناگهانی» است و منشأ فخر ناگهانی، مقایسه خود با دیگران و درک نقصی در افراد دیگر و تحسین خود به خاطر عدم وجود آن نقص می‌باشد» (هابز، ۱۹۹۶). گرونر[۶] (۱۹۹۷)، یکی از مدافعان سرسخت فرضیه هابز، سرگرمی ناشی از شوخ‌طبعی را به لذت بردن از یک ورزش یا بازی تشبیه کرد. به‌زعم وی، سرگرمیِ[۷] ناشی از شوخ‌طبعی شامل دو چیز است: ۱. تضاد که تنش را بالا نگه می‌دارد؛ ۲. نتیجه‌گیری سریع که منجر به پیروزی برنده و شکست بازنده می‌شود. وی اظهار داشت، وقتی ما شوخ‌طبعی را در چیزی می‌یابیم، بر بداقبالی، حماقت، ناشی‌گری و نقص اخلاقی و فرهنگی که ناگهانی در دیگران آشکار شده، می‌خندیم. ازآنجاکه ما در آن لحظه، بداقبال،

---

۱. Ferguson, A. & Ford, E.
۲. Morreall, J.
۳. Nicomache Ethics
۴. Hobbes, T.
۵. Social Comparison With the Target
۶. Gruner, C.
۷. Amusement

احمق، ناشی، معیوب از نظر اخلاقی یا فرهنگی و... نیستیم، فوراً احساس برتری می‌کنیم. احساس برتری در این مسیر «احساس خوب بودن» و «گرفتن چیزی که می‌خواهی» است.

ولف[۱]، اسمیس[۲] و مورای[۳] (۱۹۳۴)، نظریه برتری‌جویی هابز در شوخ‌طبعی را، به وسیلهٔ مفهوم وابستگی گسترش دادند. «اشیا وابسته، بسط دهندهٔ تعمیم‌های روان‌شناختی شخص هستند». به زعم ولف و همکاران، یک فرد به‌محض درک کردن حقارت مردم یا گروهی که خود به آنها وابسته نیست، باید افزایش عزت‌نفس را تجربه کند. همچنین، مردم به محض مشاهده تحقیر افراد غیروابسته نسبت به افراد وابسته، باید بیشتر سرگرم شوند. پژوهش‌های میدلتون[۴] (۱۹۵۹)، پریست[۵] (۱۹۶۶) و پریست و جول[۶] (۱۹۷۰)، نظریهٔ بدیعِ برتری‌جویی هابز را بسط دادند. طبق این پژوهش‌ها، پیش‌بینی سرگرم شدن از طریق شوخ‌طبعی تحقیرکننده، فقط به سمت شخص، معطوف نیست. بلکه به گروه اجتماعی که فرد به آن تعلق دارد نیز، مربوط می‌شود. براین‌اساس، مردم باید از شوخ‌طبعی که گروه‌های اجتماعی دیگر را تحقیر می‌کند، بیشتر از شوخ‌طبعی که گروه‌های اجتماعی خودی را تحقیر می‌کند، لذت ببرند.

## نظریهٔ عدم تجانس

با آنکه پیش از قرن هجدهم، بسیاری از فلاسفه درصدد بودند که بین عدم تجانس و شوخ‌طبعی ارتباطی بیابند، اما نظریهٔ عدم تجانس تا زمان کانت و شوپنهاور به جدیت پیگری نشد (مورال، ۱۹۸۹). اولین فیلسوفی که از کلمهٔ «عدم تجانس» برای تجزیه‌وتحلیل شوخ‌طبعی استفاده کرد، جیمز بیتی، معاصر کانت بود (مورال، ۲۰۰۹، ص ۱۲). برخلاف نظریه برتری‌جویی که مشخصه شوخ‌طبعی را احساس برتری بر دیگری می‌دانست، نظریهٔ عدم تجانس، تنها مشخصه ادراک‌پذیر شوخ‌طبعی را «تجربه و تفکر نامتجانس» می‌داند. تجربه و تفکر نامتجانس، الگوهای مفهومی ما را بر هم زده و با چارچوب ذهنی که داریم، در تقابل است. طبق نظریه عدم تجانس، سرگرمی، تجربه لذت بردن از چیزی است که خارج از موقعیت خودش قرار گرفته؛ چیزی که با انگاره‌های مفهومی ما سر ناسازگاری دارد. البته می‌توان به‌جای سرگرمی، با نوعی تعجب یا ترس یا عصبانیت یا دیگر عواطف منفی، نسبت به رخدادهای نامتجانس، واکنش نشان دهیم. آنچه سرگرمی را از این واکنش‌ها نسبت به عدم تجانس بازمی‌شناسد، این است که در سرگرمی، ما از عدم تجانس «لذت» می‌بریم.

کانت از لفظ «عدم تجانس» استفاده نکرد (مورال، ۱۹۸۹)، ولی عدم تجانس چیزی بود که

۱. Wolff, H.
۲. Smith, C.
۳. Murray, H.
۴. Middleton, R.
۵. Priest, R.
۶. Priest, R & Joel, A.

مشـخصاً در نظریـه خنده وی تعریف شـده اسـت. کانـت معتقد بـود: «در هر چیزی کـه مایه خنده می‌شـود، بایـد چیزِ پوچی[۱] موج بزنـد» (کانت، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸). او خنده را انفعالی ناشـی از تبدیل ناگهانـی توقعـی شـدید به هیچ می‌دانسـت و معتقد بـود: «هر چند ایـن تغییرِ شـکل، از نظر ادراکی لذت‌بخش نیسـت، ولی به‌طور غیرمسـتقیم موجب لذتی فعال و لحظه‌ای می‌شود» (کانت، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸). کانت، لذت را ناشی از بازی آزاد احساسات (که مبتنی بر هیچ قصدی نباشند)، می‌داند و بازی آزاد احساسات را به سه قسم تقسیم می‌کند: بازی بخت (شرط‌بندی‌ها)، بازی صدا (موسیقی) و بازی اندیشـه (بذله‌گویی) (کانت، ۱۳۷۷، ص ۲۷۶). بازی اندیشـه، منحصراً از تغییر تصورات در قوه داوری ناشـی می‌شود و در اثر تغییراتشان «التذاذاتی سـرزنده»، ایجاد می‌شود. وی معتقد است: مطایبـه باید حاوی چیزی باشـد که برای لحظه‌ای قادر به فریب دادن باشـد. ازاین‌رو، وقتی توهم برطرف شـد، ذهن یکبار دیگـر برای آزمایش آن به عقب برمی‌گردد و بدین‌ترتیب، به‌واسـطهٔ تناوب سـریع و پیاپـی میـان ایـن تنش و رفع تنـش، گویی در یـک حالت نوسـان گرفتار می‌شـود که مثل کشیدگی ریسمانی که دفعتاً (نه تدریجاً) شُل شود، باید جنبشی ذهنی و یک جنبشِ جسمانیِ درونیِ هماهنـگ[۲] با آن ایجاد کند که بـه نحوی غیرارادی ادامه می‌یابد و موجب خسـتگی و درعین‌حال، مسرت (اثرات حاصل از حرکتی مفید برای سلامتی) می‌گردد.

## نظریهٔ تسکین

در قـرن هجدهم نظریهٔ تسـکین در کنار نظریه عدم تجانس برای مقابله بـا نظریه برتری‌طلبی به وجـود آمد و بیشـترین تمرکز خود را بر پدیـده فیزیکی خنده و ارتباط آن با دسـتگاه عصبی، چیزی که در دو نظریه دیگر غیرقابل توضیح و متروک مانده بود، مبذول داشت. در علم پزشکی قرن هجدهم، معلـوم شـده بود که اعصاب به مغـز، اندام‌های حسـی و ماهیچه‌ها متصل‌اند. اما تصور نمی‌شـد که رشته‌های عصبی، تکانه‌های الکتروشیمیایی را حمل کنند، بلکه تصور می‌شد گازها و مایعاتی را حمل می‌کنند که روح حیوانی نامیده می‌شد. براساس این تصور، در اولین نسخه از نظریهٔ تسکین که توسط لورد شافتسبوری[۳] در کتاب «آزادی شوخ‌طبعی و طنز»[۴] ارائه شد، سیستم عصبی به‌عنوان شبکه‌ای از لوله‌ها در نظر گرفته شـد که در آن ارواح حیوانی که به دنبال آزادی هسـتند، برخی اوقات فشار ایجاد می‌کنند. شبکه لوله‌ها (دستگاه عصبی) مانند دیگ‌های بخاری هستند که بخار اضافی در آنها تولید شده است و برای خروج بخار اضافی، این دیگ‌های بخار به سوپاپ اطمینان مجهز می‌شوند. خنده در دستگاه عصبی، عملکرد مشابه سوپاپ اطمینان را داراست (مورال، ۲۰۰۹، ص ۱۶).

---

۱. Absurd
۲. Inner Bodily Movement Harmonising
۳. Lord Shaftesbury
۴. Freedom Of Wit And Humour

بیش از دو قرن بعد، متفکرانی نظیر هربرت اسپنسر و زیگموند فروید[۱] نظریهٔ بدیع تسکین را مورد تجدیدنظر قرار دادند. اسپنسر[۲] معتقد بود: انرژی عصبی، همیشه تمایل دارد، حرکت ماهیچه‌ای ایجاد کند و هنگامی‌که شدت خاصی افزایش یابد، همیشه حرکت ماهیچه‌ای را ایجاد خواهد کرد (اسپنسر، ۱۹۱۱، ص ۲۹۹). وقتی از کسی عصبانی می‌شویم، حرکات تهاجمی کوچکی نظیر مشت کردن دستمان را انجام می‌دهیم و اگر انرژی عصبی حاصل از عصبانیت ما به یک سطح معین برسد، حمله خواهیم کرد. حمله کردن، نوعی حرکت ماهیچه‌ای است، مانند سوپاپ اطمینان دیگ‌های بخار عمل می‌کند. بنابراین، وقتی ما حمله کنیم، فشار بالای ناشی از انرژی دستگاه عصبی ما، تخلیه می‌شود. خنده نیز عملکرد مشابهی برای دستگاه عصبی دارد. ادبیات نسخه ارائه شده از نظریهٔ تسکین توسط اسپنسر برای توصیف جنبهٔ ذهنی این فرایند وام‌دار ادبیات نظریهٔ عدم تجانس است. وی معتقد است: خنده به طور طبیعی، تنها زمانی نتیجه می‌دهد که هوشیاری، ناگهان از شی بزرگ به شی کوچک منتقل شود ـ تنها زمانی که آنچه ما آن را عدم تجانس نزولی می‌نامیم، وجود دارد (همان، ص ۳۰۵).

بهترین نسخه از نظریهٔ تسکین، توسط فروید ارائه شد. فروید سه موقعیت خنده‌آورِ جُک گفتن، کمدی و شوخ‌طبعی را به لحاظ منشأ انرژی از یکدیگر متمایز کرد، درحالی‌که، منشأ انرژی هر سه موقعیت مذکور را، انرژی فراخوانده شده برای یک فعالیت روانی می‌داند که بعداً، انجام آن فعالیت، غیرضروری شده است (فروید، ۱۳۸۸، ص ۲۴۰). نکته‌ای که در اغلب نقل‌های انجام شده از نسخه فروید از نظریهٔ تسکین، مغفول مانده و مورال به آن اشاره نموده است، این است که در نظریه فروید منشأ انرژی سه موقعیت مذکور دو انرژی است: ۱. انرژیِ روانیِ احساسات سرکوب‌شده؛ ۲. انرژی روانی که این احساسات را سرکوب می‌کند (مورال، ۲۰۰۹، ص ۱۸).

بر اساس نظر فروید، زمانی که من از سه طرف متفاوت متخاصم یعنی «بُن»[۳]، «فرامن»[۴] و دنیای بیرون محاصره می‌شود، مضطرب می‌گردد و مجبور است برای دفاع از خودش در برابر این اضطراب، از «فرایندهای دفاعی» استفاده کند. «جابجایی» و «واپس‌زنی» (سرکوبی) ازجمله فرایندهای دفاعی است. در فرایند دفاعی جابجایی، من به شکل ناخودآگاه، انرژی بن را به موضوع دیگری که اغلب کم‌خطر یا کم‌اهمیت‌تر است، سوق می‌دهد تا هم انرژی بن تخلیه گردد و هم به خواسته‌های فرامن توجه شود. در واپس‌زنی، من به شکل ناخودآگاه، انرژی بن را به‌جای هدایت به موضوع خارجی به ناخودآگاه می‌فرستد و آن را سانسور می‌کند. اما آنچه واپس زده می‌شود، همواره درصدد است که به خودآگاه بازگردد. محتوای واپس‌زدهٔ ذهن برای آنکه به آگاهی وارد شود و بیان شود، ناچار است

۱. Sigmund Freud
۲. Spencer, H.
۳. ID
۴. Super Ego

از سـد سانسـور خودآگاهی بگذرد و برای این کار باید تغییر شـکل پیدا کند و به شـکلی تحریف‌شـده بیان شـود. این شکلِ تحریف‌شده از بیان امر واپس‌زده، خود را به شکل‌های مختلف نشان می‌دهد که می‌توان رؤیاها، لغزش زبان (لغزش فرویدی)، جک‌ها و شـوخ‌طبعی‌ها را نمونه‌های آن دانسـت. به‌این‌ترتیـب، افکار و تکانه‌های ناپذیرفتنی و واپس‌زده شـده لیبیدویی[۱] و پرخاشـگرانه امکان بروز پیدا می‌کنند، اما چنان تغییر شـکل پیدا کرده‌اند و تحریف شـده‌اند که می‌توانند از سد سانسور ذهن بگذرنـد و بدون ایجاد احسـاس ناراحتی و شـرم و گناه بیان شـوند. در واقع، بسـیاری از مواقع افراد ترجیـح می‌دهنـد لغزش‌های زبانی خود را تنها یک اشـتباه تصادفی و بی‌معنـا ببینند؛ رؤیای خود را مجموعه‌ای از تصاویر بی‌ربط و بی‌اهمیت تلقی کنند.

در ایـن بین شـوخ‌طبعی از منظر فروید، مانند یـک فرایند دفاعی عمل می‌کنـد. البته فرایند روانی انجـام شـده در ایجادکننده شـوخ‌طبعی متمایز از فرایند روانی شـنونده شـوخ‌طبعی اسـت. عملکرد شـوخ‌طبعی در شـخصی که شـوخ‌طبعی را ایجاد می‌کند، همانند عملکرد فرایند دفاعی «واپس‌زنی» اسـت. منِ ایجادکننده شـوخ‌طبعی به شـکل ناخودآگاه، انرژی بن را که ابتدا به سـمت احساسـات غـم، درد، رنـج، عصبانیت و غیره سـوق پیدا کرده، سـرکوب می‌کند، آنها را به نیمه‌هشـیار می‌راند. این انرژی سرکوب‌شـده برای تخلیه شدن تغییر شکل می‌دهد و به شکل خنده بروز می‌کند. کشانده شـدن انرژی آن احساسات به سـوی خنده به خاطر تمایل فرامن به بزرگ‌منشی است. همین فرایند زمانی که یک فرد بزرگسـال به احساسات ناخوشـایند کودکی‌اش فکر می‌کند، اتفاق می‌افتد و فرد به آن احساسـات می‌خندد؛ زیرا آن احسـاس ناخوشایند کودکی را کوچک می‌شمرد. وقتی فردی، شاهد یا شنونده شوخ‌طبعی باشد، فرایندی شبیه فرایند «جابجایی» همراه با فرایند «واپس‌زنی» در وی رخ می‌دهد. از منظر فروید (۱۳۸۸)، «جابجایی شوخ‌طبعانه» که در شنونده شوخ‌طبعی رخ می‌دهد، باید «خودکار» انجام شود و ممکن نیست تحت نظارت «توجه خودآگاه» انجام گردد. ابتدا بن فرد شاهد یا شـنونده شـوخ‌طبعی با ایجادکننده شـوخ‌طبعی هم دردی می‌کند و خود را به‌جای فرد شـوخ‌طبع قـرار می‌دهـد. این تقلید، موجب می‌شـود، بن وی به همان احساسـی تمایل پیـدا کند که برای بن فرد ایجادکننده شـوخ‌طبعی به وجود آمده اسـت. اما منِ وی، انرژی بن را سـرکوب و برای تخلیه به خنده تبدیل می‌کند؛ زیرا ایجادکنندهٔ شـوخ‌طبعی که به ماجرا نزدیک‌تر است، احساس منفی ندارد و می‌خندد. فروید فرایندهای مذکور را که نوعی فرایند دفاعی است، شوخ‌طبعی می‌داند.

## نظریهٔ معکوس

همان‌طـور که ملاحظه شـد، هیچ‌کـدام از نظریه‌های قبل به ماهیت «بازی‌گوشـانه» شـوخ‌طبعی اشاره‌ای نکردند، درحالی‌که برخی نظریه‌پردازان ماهیت بازی‌گوشانه شوخ‌طبعی را مورد توجه قرار داده

۱. Libidinal

اند. مکس استومن[۱] (۱۹۳۶) معتقد بود: شوخ‌طبعی بازی است. بنابراین، هیچ تعریفی از شوخ‌طبعی، هیچ نظریه‌ای از بذله‌گویی و هیچ تبیینی از خنده کمیک[۲] که مبتنی بر تفاوت بین بازیگوشی و جدیت نباشد، قادر به ایستادن نخواهد بود (به نقل از: مارتین، ۲۰۰۷، ص ۷۵). همچنین، برلاین[۳] (۱۹۶۹) به رابطه نزدیک بین شوخ‌طبعی و بازی اشاره کرده است (به نقل از: مارتین، ۲۰۰۷) و گرونر[۴] (۱۹۹۷) بر ماهیت بازیگوشانهٔ پرخاشگریِ شوخ‌طبعانه تأکید کرده است (همان). ویلیام فرای[۵] (۱۹۶۳)، شوخ‌طبعی را به‌عنوان یک شکل اساسی بازی دانسته است (همان). اما ایده شوخ‌طبعی به‌عنوان بازی به شکل صریح در نظریه شوخ‌طبعی ارائه شده توسط میشل آپتر[۶] (۱۹۷۶) بیان شد. نظریه شوخ‌طبعی آپتر از یک نظریه گسترده‌تر به نام «نظریهٔ معکوس» گرفته شده است.

نظریهٔ معکوس، انگیزش را زمینه داخلیِ مداوم برای ادراکات، افکار و فعالیت‌های افراد می‌داند و آن را اساس تجربه معرفی می‌کند (آپتر، ۲۰۰۱، ص ۵). نظریهٔ معکوس، چهار حوزه برای تجربه ذکر می‌کند که از بررسی تجربه ذهنی به دست می‌آید: ۱. معانی و اهداف؛ ۲. قوانین؛ ۳. تراکنش‌ها؛ ۴. ارتباطات. بر اساس نظریهٔ معکوس، هر یک از این چهار حوزه به وسیلهٔ دو روش متضاد تجربه می‌شوند که به آنها «حالت فراانگیزش» گفته می‌شود (همان، ص ۷). حالت فراانگیزشی، موقعیتی است که ما در آن یک دید ویژه به دنیا را کسب می‌کنیم. هر حوزه شامل دو حالت متضاد است که در مجموع هشت حالت فراانگیزشی وجود دارد: حالت‌های فراانگیزشی «فعالیت‌مدار» و «هدف‌مدار» مربوط به حوزهٔ معانی و اهداف. حالت‌های فراانگیزشی «نفی‌کننده» و «پیرو» مربوط به حوزهٔ قوانین. حالت‌های فراانگیزشی «همدردی‌کننده» و «سلطه‌گر» مربوط به حوزهٔ تراکنش‌ها و حالت‌های فراانگیزشی «دگرمدار» و «خودمدار» مربوط به حوزهٔ ارتباطات.

## تجربه شوخ‌طبعی

بر اساس نظریهٔ معکوس، انسان زمانی می‌تواند شوخ‌طبعی را تجربه کند که در حالت فراانگیزشیِ فعالیت‌مدار باشد. در این حالت، ذهن در یک موقعیت بازی‌گونه قرار دارد. حالت بازی، موجب می‌شود ذهن به وسیله یک چارچوب محافظ، یک منطقه امن روانی برای جدا شدن از نگرانی‌های جدی دنیای واقعی، ایجاد کند. آپتر (۱۹۹۱) معتقد است: ما یک جهان کوچک و خصوصیِ قابل کنترل، خلق می‌کنیم که ممکن است آن را با دیگران به اشتراک بگذاریم و این جهان، جهانی است که حداقل به طور موقتی در آن هیچ‌چیز خارجی اهمیت ندارد و مشکلات واقعی جهان خارجی

۱. Max Eastman
۲. Comic Laughter
۳. Berlyne
۴. Gruner
۵. William Fry
۶. Apter, M.

نمی‌تواننـد بـه آن تجاوز کنند (به نقل از: مارتین، ۲۰۰۷، ص ۷۶). اگر جهان واقعی وارد برخی راه‌ها شود، در فرایندهایی تبدیل و استریل می‌شود به‌طوری‌که حقیقتاً خودش نباشد و نتواند آسیبی بزند.

حالت فراانگیزشـی فعالیت‌مدار در مقابل حالت هدف‌مدار اسـت. در حالت هدف‌مدار، نگرانی اصلی رسیدن به اهداف است. درحالی‌که در حالت فعالیت‌مدار، اهداف شخص از اهمیت ثانویه برخوردارند و فعالیت‌های در حال انجام به‌خودی‌خود لذت‌بخش هستند. در نظریهٔ معکوس بر اساس این دو حالت، تبیین جدیدی از تجربهٔ انگیختگی ارائه شـده اسـت: در حالت هدف‌مدار، انگیختگی بالا ناخوشـایند (اضطراب) است و انگیختگی پایین (آرامش) ترجیح داده شده است. درحالی‌که در حالت فعالیت‌مدار انگیختگی پایین (خستگی) ناخوشایند است و انگیختگی بالا (شور و شوق) لذت‌بخش است (مارتین، ۲۰۰۷، ص ۷۶). شوخ‌طبعی به‌عنوان یک تجربه، فعالیت‌مدار، شامل لذت بردن از انگیختگی می‌شود. بر اسـاس گزارش آپتر (۱۹۸۲)، عناصر انگیختگی هیجانی که ممکن اسـت در شوخ‌طبعی حاضر شوند مانند زمینه‌های جنسی و پرخاشگرانه ابزارهایی برای افزایش این احساس لذت از انگیختگی هستند و در نتیجه شوخ‌طبعی را بامزه‌تر می‌کنند (به نقل از: مارتین، ۲۰۰۷، ص ۷۶).

نظریهٔ معکوس، جنبهٔ شناختی شوخ‌طبعی را نیز تبیین می‌کند. بر اساس این نظریه، در شوخ‌طبعی هم‌افزایـی نامتجانس همراه با خفیف کـردن یا کاهش ارزش، وجود دارد. مفهـوم هم‌افزایی، برای توصیف فرایند شـناختی که در آن دو مفهوم یا ایده متضاد در مورد یک موضوع واحد و در یک زمان واحـد در ذهن فرد جا گرفته اسـت، به کار می‌رود (آپتر، ۱۹۸۲، به نقـل از: مارتین، ۲۰۰۷، ص ۷۶). آپتر معتقد اسـت: شـوخ‌طبعی به‌جای «حذف» یا «حل» یک عدم تجانس، شـامل شناخت همزمان دیدگاه‌های نامتجانس یا متناقض می‌شـود. در واقع، آنچه مـا را می‌خنداند هم‌افزایی در درک عدم تجانس است نه حل یا حذف آن (همان). عدم تجانس موجود در شوخ‌طبعی موجب می‌شود که ما یک شخص، شی، فعالیت یا موقعیت را نسبت به آنچه در ابتدا به نظر می‌رسید دارای اهمیت کمتر، وقـار کمتر جدیت کمتـر ارزش کمتر احترام کمتـر و غیره ببینیم. در واقع، بـدون خفیف کردن، عدم تجانـس یا هم‌افزایی خنده‌دار نیسـت. مفهوم خفیف کردن با مفاهیمی نظیر تحقیر یا پرخاشـگری کـه در نظریهٔ برتری‌جویی عنوان می‌شـد، متفاوت اسـت. خفیف کردن همیشـه به‌معنای تحقیر یا پرخاشـگری نیسـت، بلکه ادراک اهمیت کمتر نسـبت به آنچه اول بود برای چیـزی، خفیف کردن اسـت (همان). آپتر (۱۹۸۲)، بر اهمیت در نظر گرفتن بافت اجتماعی در شـوخ‌طبعی تأکید کرد. وی معتقد بود: شـوخ‌طبعی در درجهٔ اول یک شـکل از ارتباط اجتماعی[۱] اسـت (همان). به طور خلاصه، نظریـهٔ معکوس عنوان می‌کند که شـوخ‌طبعی وقتی تجربه می‌شـود که ذهـن در حالت فعالیت‌مدار باشد و شامل ادراک هم‌افزایی شناختی می‌شود (دو تفسیر همزمان اما متناقض از یک شی واحد) که در آن تفسیر دوم از موضوع مستلزم تخفیف نسبت به تفسیر اول است.

۱. Social Communication

## شوخ‌طبعی در روان‌شناسی مثبت

روان‌شناسی مثبت یکی از جدیدترین شاخه‌های علم روان‌شناسی است که هدف آن درک[۱]، آزمایش، کشف و ارتقاءِ عواملی است که به شخص و اجتماع، اجازهٔ بالندگی[۲] می‌دهند (شلدون[۳] و همکاران، به نقل از: هفرون[۴] و بونیول[۵]، ۲۰۱۱، ص ۲). موضوع روان‌شناسی مثبت، تجربه‌های مثبت در طول زمان‌های مختلف و در سطوح مختلف است.

سلیگمن[۶] (۲۰۰۲) یکی از راه‌های دستیابی به شادکامی اصیل[۷] را کسب فضایل اخلاقی می‌داند. او با مطالعه ادیان و فلسفه‌های اخلاقی شش فضیلت جهان‌شمول را مطرح می‌کند: شجاعت، خرد، انسانیت، عدالت، خویشتن‌داری و تعالی. وی برای هر فضیلت چهار توانمندی منشی و در مجموع ۲۴ توانمندی منشی مطرح می‌کند. شوخ‌طبعی در این نظام به‌عنوان یک توانمندی منشی و زیرمجموعه فضیلتِ تعالی[۸] (کار، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴)، به مجموعه‌ای نسبتاً گسترده از پدیده‌های مرتبط با ایجاد و ادراک فکرها، شرایط یا رویدادهای سرگرم‌کننده، خنده‌دار یا بازی گوشی ناهماهنگ و لذت بردن از آنها اشاره دارد (شِین[۹]، ۲۰۰۹).

## شوخ‌طبعی در آثار اندیشمندان مسلمان

با نگاه به آثار اندیشمندان مسلمان می‌توان، پژوهش‌های علمی انجام شده در زمینه شوخ‌طبعی را به دو دسته تقسیم کرد: نخست، محدثان و گردآورندگان معجم‌های روایایی هستند که در کتب خود، به جمع‌آوری روایات در باب شوخ‌طبعی پرداخته‌اند. برای مثال، کلینی و مجلسی، در کتب خود، بابی را با عنوان «شوخ‌طبعی و خنده» آورده‌اند و در آن ۲۰ روایت مرتبط با شوخ‌طبعی و خنده را ذکر کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۶۳-۶۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۶۷-۵۷۰). همچنین، مجلسی در کتاب خود، در باب شوخی و مزاح و خنده، ۱۸ روایت ذکر کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۸-۶۱). همچنین، طبرسی در کتاب خود، در باب بیان اخلاق پیامبر ﷺ روایاتی که مربوط به خنده و شوخی آن حضرت می‌باشد را جمع‌وری کرده است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱). اکثر محدثان فقط به گردآوری احادیث در رابطه با مفهوم شوخ‌طبعی پرداخته‌اند و بحثی از مفهوم شوخ‌طبعی، نکرده‌اند.

دوم، علمای اخلاق هستند که به جهت اینکه شوخ‌طبعی به‌عنوان یک صفت اخلاقی و ویژگی فردی

۱. Understand
۲. Thrive
۳. Sheldon
۴. Hefferon, K.
۵. Boniwell, I.
۶. Seligman, M.
۷. Authentic Happiness
۸. The Virtue Of Transcendence
۹. Shan, J.

در میان مسلمانان شیوع و رواج خاصی داشته است، آن را مورد بحث قرار داده‌اند. ابن‌مسکویه، دربارهٔ مزاح بحث دقیقی کرده است و معتقد است: «مزاح اگر معتدل باشد پسندیده است» (ابن‌مسکویه، ۱۹۶۱ق، ص ۱۷۴-۱۷۵). محمدبن‌حبان، بر این باور است که مزاح چون از حق دور می‌شود، مزاح نامیدند (محمدبن‌حبان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۸). همچنین غزالی (۱۳۸۳)، مزاح را یکی از آفت‌های زبان می‌داند و اسباب خشم می‌داند. همچنین عبدوس، به جمع‌آوری شوخ‌طبعی‌های منقول پیامبر ﷺ و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام پرداخته و روایات مربوط به شوخ‌طبعی را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱. روایاتی که از شوخی نهی کرده‌اند؛ ۲. روایاتی که از شوخی زیاد نهی کرده‌اند؛ ۳. روایاتی که شوخی را تمجید کرده‌اند. وی معتقد است: این روایات هیچ‌گونه منافاتی با هم ندارند؛ زیرا روایات دستهٔ اول و دوم، از شوخی زیاد و شوخی‌ایی که موجب کینه و دشمنی می‌شود، نهی کرده‌اند، ولی روایات دستهٔ سوم، شوخی را در حد اعتدال و متوسط که غالباً موجب سرور و خوشحالی است، ستوده و آن را از شاخه‌های خوش‌خلقی دانسته است (عبدوس، ۱۳۷۷، ص ۳۵۳). بنابراین، شوخی در حد اعتدال، مشروط بر اینکه موجب کدورت و تحقیر و اهانت مؤمنان نشود، کار شایسته و نیک است.

## شوخ‌طبعی در الگوی شادکامی اسلامی

پسندیده (۱۳۹۵)، یک الگوی شادکامی، مبتنی بر منابع اسلامی ارائه کرده است. وی برای شادکامی به‌عنوان یک واقعیت هستی‌شناختی دو رکن اساسی در نظر می‌گیرد: ۱. خیر، ۲. سرور. همچنین، «احساس شادکامی» به‌عنوان یک امر روان‌شناختی را ترکیبی از «رضامندی» و «نشاط» در نظر می‌گیرد. وی معتقد است: ارتباط بین این دو (ماهیت و احساس) بدین‌شکل است که خیر و سرور، عواملی برای تحقق رضامندی و نشاط هستند. اساس احساس رضامندی، بر خیر و اساس احساس نشاط، بر لذت و شادی استوار است. پسندیده معتقد است: چون انسان موجود دو بُعدی است و مرکب از بُعد مادی و معنوی است، دو نوع لذت وجود دارد: ۱. مادی، ۲. معنوی (پسندیده، ۱۳۹۵، ص ۶۱۰). وی ده مورد را جزو لذت‌های مادی می‌شمرد: «تحرک و ورزش، لامسه، بینایی، خوردن و آشامیدن، جنسی، پاکیزگی، ارتباط، بوی خوش، شوخی و خنده» و در ادامه برای این ده لذت چهار ویژگی اساسی ذکر می‌کند: ۱. فراگیر بودن؛ ۲. توازن؛ ۳. فقدان پیامد منفی؛ ۴. جهت‌گیری الهی و معنوی (همان، ص ۶۱۱-۶۲۰). شوخ‌طبعی در الگوی اسلامی شادکامی به‌عنوان یکی از ده لذت مادی محسوب می‌شود که موجب نشاط روحی و آسایش روانی می‌گردد و فشارهای روانی را کاهش می‌دهد و غم و اندوه را از بین می‌برد (همان، ص ۶۱۹).

## بحث و نتیجه‌گیری

پنج نظریهٔ برتری‌جویی، عدم تجانس، تسکین، معکوس و روان‌شناسی مثبت در زمینهٔ شوخ‌طبعی بیان شد. همچنین، آثار اندیشمندان مسلمان در زمینهٔ شوخ‌طبعی مرور شد. با تأمل در نظریات مطرح شده، روشن است که هر کدام از این نظریات دچار اشکالاتی هستند.

در نظریهٔ برتری‌جویی، یک قرن پس از لویاتان[۱] اثر هابز، فرانسیس هاتچسون[۲] نقد این کتاب را با نام «تأملاتی در باب خنده» ارائه کرد. هاتچسون، بر این باور بود، درصورتی‌که نظر هابز مبنی بر رابطه‌ای ضروری میان خنده و فخر ناگهانی، صحیح باشد، دو پیامد حاصل می‌آید: ۱. زمانی که انسان خود را با دیگری یا با شرایط سابق خود مقایسه نکند، عمل خنده نیز اتفاق نمی‌افتد؛ ۲. زمانی که انسان با فخر ناگهانی مواجه شود، می‌خندد. ولی هیچ‌یک از این دو پیامد درست نیست؛ چراکه اولاً، موارد زیادی در دست است که انسان می‌خندد، بدون اینکه خود را ارزیابی و مقایسه کند. در این مورد، هاتچسون نمونه‌های ادبی ارائه می‌دهد که در آن بذله‌هایی که سرگرمی انسان را سبب می‌شوند، ناشی از احساس برتری وی نسبت به دیگری نیست (مورال، ۱۹۸۹). آنچه در این نمونه‌ها، سرگرم‌کننده است، نه مرتبه پایین‌دستی نویسنده یا فرد دیگر، بلکه ذکاوت او در کاربرد واژه‌ها است. انسان در مواردی نیز به نبوغ و استعداد دیگری می‌خندد. در واقع، حتی انسان در شرایطی که حیوانات با انجام کارهایی، با هوش‌تر از معمول به نظر می‌رسند، نیز بر آنان می‌خندد (همان). هاتچسون نشان می‌دهد که پیامد دوم که اشاره شد، نیز درست نیست؛ چراکه در شرایطی که انسان نظاره‌گر درد و غم دیگری باشد، ولی خود در شرایط مسرت به سر برد، بیشتر می‌گرید تا بخندد. برای نمونه، چرا انسان با دیدن گدای بیچاره‌ای، در خیابان و وقوف به این امر که نسبت به گدا برتری دارد، از فرط خنده روده‌بر نمی‌شود؟! و اینکه چرا انسان سالم برای سرگرمی و خنده بعدازظهر خود، به دیدار بیماران در بیمارستان نمی‌رود؟ به گفتهٔ هاتچستون، بزرگ‌ترین اشکال نظریه برتری‌جویی، طرفداری این نظریه از عدم تمایز میان دو واژهٔ «خنده» و «تمسخر» است؛ درحالی‌که تمسخر نوعِ خاصی از خنده محسوب می‌شود (مورال، ۱۹۸۹). مهم آن است که دو نوع خنده را از یکدیگر بازشناسیم: یکی، خندهٔ حاصل از تمسخر و برتر بودن؛ دوم، خندهٔ از روی سرگرمی. اگر تمام آنچه در خنده رخ می‌دهد، مبین احساس برتری فرد باشد، آنگاه پای هیچ‌گونه شوخ‌طبعی در میان نخواهد بود (همان).

نسخه‌های قدیم‌تر از نظریه عدم تجانس به شکل صریح یا ضمنی قائل بودند که صرف ادراک عدم تجانس برای شوخ‌طبعی کافی است. اشکال جدی که می‌توان به آنها وارد کرد این است که ادراک عدم تجانس همچنین می‌تواند سردرگمی یا ناباوری یا احساس هیجانات منفی مانند ترس و

۱. Leviathan

۲. Francis Hutcheson

نفرت و خشم ایجاد کند؛ بدون اینکه شوخ‌طبعی وجود داشته باشد. این اشکال موجب شد که مارکل کلارک[۱] (به نقل از: مورال، ۲۰۰۹) برای شوخ‌طبعی سه ویژگی ذکر کند: ۱. ادراکات (تصورات و افکار) یک شخص از یک شی به‌عنوان یک موجود نامتجانس؛ ۲. لذت بردن فرد از درک (تصور و فکر) شی نامتجانس؛ ۳. شخص به‌جای اینکه صرفاً از برخی دلایل نهان لذت ببرد، از شی نامتجانس درک شده (فکر شده، تصور شده) حداقل تا حدی برای خودش لذت ببرد. سخن کلارک هرچند توانست با ضمیمه کردن مفهوم لذت بردن به ادراک عدم تجانس بهبود نظریه عدم تجانس را به همراه داشته باشد، اما هنوز این نظریه دچار اشکال است. از یک سو، لذت‌هایی از ادراک عدم تجانس وجود دارد که شوخ‌طبعی بر آنها صدق نمی‌کند. مورال (۲۰۰۹)، مواردی نظیر گورتسک[۲]، مکابر[۳] را ذکر می‌کند که لذت از عدم تجانس در آنها وجود دارد، ولی شوخ‌طبع نیستند[۴]. از سوی دیگر، بنا بر این نظریه، نوعی خردگریزی و بی‌عقلی گریبان‌گیر آدمی می‌گردد؛ زیرا انسان به وسیله شوخ‌طبعی خود را درگیر فعالیتی می‌کند که نتیجهٔ آن، برهم زدن الگوهای ادراکی و پریشان کردن فهم خود است. ازاین‌رو، افرادی که از عدم تجانس لذت می‌برند، به مسافرانی می‌مانند که مسیر را اشتباه طی می‌کنند، اما همچنان سرخوش‌اند (مورال، ۱۹۸۹). سانتایانا[۵] پا را فراتر از این گذاشته و معتقد است: اساساً لذت از عدم تجانس از محالات است! وی معتقد است: آدمی از عرف و واقعیت روزمره، پیش‌زمینه‌ای پیش‌پاافتاده دارد؛ حال، ایده‌ای غیرمترقبه به ناگاه در برابر این پیش‌زمینه سر برمی‌آورد. اما این‌همه، فریبی بیش نیست (به نقل از: مورال، ۱۹۹۸). حادثه کمیک در برابر دیدگان انسان، طبیعت را دستکاری کرده، قیاسی اشتباه را به ذهن متبادر می‌کند. یعنی چیزی را القا می‌کند که رخ ندادنی است. در یک‌کلام، انسان به حضور نوعی بلاهت و معنا باختگی شرفیاب شده‌ایم و بشر یعنی حیوان خردورز، همان‌قدر خواهان معنا باختگی است که خواهان گرسنگی و سرما. اگر بخواهیم به شکل خلاصه بیان کنیم، نظریه عدم تجانس نیز نتوانست تعریفی از شوخ‌طبعی ارائه دهد که جامع افراد و مانع اغیار بوده و با مبانی انسان‌شناختی مقبول، سازگار باشد.

در تبیین نظریه تسکین دو نسخه اسپنسر و فروید که معروف‌ترین نسخه‌های نظریه تسکین است، بیان شد. همان‌طور که گذشت، نظریه تسکین، در واقع مکمل نظریه عدم تجانس و برای مقابله با نظریه برتری‌طلبی به وجود آمد و تبیین‌های فیزیولوژیکی شوخ‌طبعی را به آن اضافه کرد. ازاین‌رو، همان اشکالاتی که به نظریه عدم تجانس در تبیین ماهیت شوخ‌طبعی، گرفته شد، در نظریه تسکین همچنان وجود دارد و از آنها پاسخی داده نشده است. نسخه فروید از نظریه

۱. Michael Clarke

۲. Grotesque

۳. Macabre

۴. مکابر یک نوع طنز یا کمدی است که با (مرگ) آمیخته شده است! یا به نوعی تأثیر تلخ و هراس‌انگیز مرگ را به وسیلهٔ طنز و عامل کمیک از بین می‌برد و خنثی می‌کند.

۵. Santayana

تسکین، علی‌رغم تبیین بدیع روان‌شناختی فرایند شوخ‌طبعی، در تبیین ماهیت شوخ‌طبعی، وامدارِ نظریه عدم تجانس است. ازاین‌رو، همانند نسخه اسپنسر، دارای اشکالات نظریه عدم تجانس است. علاوه‌براین، همان‌طور که ملاحظه شد، در نسخه فروید، فرایند روانی شوخ‌طبعی در منظومه نظریه شخصیت وی تبیین می‌شود این امر باعث می‌شود اشکالات مبنایی دچار این نظریه گردد. بدبینی به انسان، مجبور دانستن انسان ازجمله اشکالاتی است که به مبانی انسان‌شناختی نظریه شخصیت فروید گرفته می‌شود و در تبیین فرایند شوخ‌طبعی فروید نیز به وضوح ملاحظه می‌گردد. از سوی دیگر، بر اساس نسخه فروید، شوخ‌طبعی باید در افراد با احساسات منفی مانند غم و عصبانیت و غیره بیشتر از افرادی که این احساسات را ندارند، یافت شود درحالی‌که برعکس است. بنابراین، نظریه تسکین، در هر دو نسخه آن، نمی‌توان ماهیت شوخ‌طبعی را به شکل صحیح بیان کند و دچار اشکال است.

گزارش نظریهٔ معکوس از شوخ‌طبعی در واقع ایده‌های نظریه‌های دیگر را ادغام و تعدیل کرده است. این نظریه علی‌رغم ناشناخته بودن در میان محققان حوزهٔ شوخ‌طبعی، توانسته تبیین جدیدی را در چارچوب نظریهٔ گسترده معکوس، ارائه دهد که بسیاری از اشکال‌های نظریه‌های دیگر را نداشته باشد و به برخی جنبه‌های شوخ‌طبعی که در نظریه‌های دیگر مورد توجه قرار نگرفته است (مثل جنبه اجتماعی و انگیزشی شوخ‌طبعی)، توجه کند.

با این همه، و با فرض پذیرش نظریهٔ گسترده معکوس در تبیین شوخ‌طبعی بر اساس این نظریه، ضعف‌هایی وجود دارد. از یک سو، تجربهٔ شوخ‌طبعی مختص به حالت فعالیت‌مدار نیست، بلکه ممکن است در حالت هدف‌مدار نیز شوخ‌طبعی تجربه شود. برای مثال، ممکن است شوخی‌هایی در آرامش و متانت (از ویژگی‌های حالت هدف‌مدار) و بدون اضطراب و تحرک و ماجراجویی (از ویژگی‌های حالت فعالیت‌مدار) انجام گیرد. از سوی دیگر، علی‌رغم اینکه تجربه شوخ‌طبعی همواره با نوعی عدم تجانس همراه است، اما لزوماً این عدم تجانس همراه با خفیف کردن نیست. بلکه آنچه باعث تجربه شوخ‌طبعی می‌شود صرفاً نوعی ناهماهنگی میان آنچه رخ داده و الگوی ذهنی است.

تعریف ارائه شده از شوخ‌طبعی در روان‌شناسی مثبت یک چتر برای همه پدیده‌های خنده‌دار، ازجمله توانایی‌های درک، تفسیر، لذت بردن، ایجاد و بازگو کردن ارتباط‌های نامتجانس، است (پترسون[۱] و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۵۸۵). همچنین در این تعریف، به جنبهٔ بازی‌گونه بودن و سرگرم‌کننده بودن شوخ‌طبعی اشاره شده است. توجه به ناهماهنگی موجود در برخی شوخ‌طبعی‌ها نیز از امتیازات این تعریف است. این اولین‌بار است که در تعریف شوخ‌طبعی، توانایی درک و تفسیر شوخ‌طبعی لحاظ شده است. به هر شکل تعریف ارائه شده از شوخ‌طبعی در روان‌شناسی مثبت

۱. Peterson

جامع‌ترین تعریفی است که از شوخ‌طبعی تاکنون ارائه شده است. با این همه، اما تأثیر فرهنگ بر شوخ‌طبعی در این تعریف لحاظ نشده است. درحالی‌که پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شوخ‌طبعی با جنبه‌های فرهنگی مرتبط است (کِرش[۱] و کوئیپر[۲]، ۲۰۰۳).

دانشمندان مسلمان، نگاه هنجاری به مفهوم شوخ‌طبعی دارند و درصدد تبیین نیکویی و مذمت آن برآمده‌اند. اما هیچ‌کدام از ایشان، مفهوم شوخ‌طبعی را مورد بررسی قرار نداده‌اند و ماهیت شوخ‌طبعی مشخص نیست. الگوی اسلامی شادکامی، گامی نو و شجاعانه در جهت استنطاق منابع دینی برای جواب به سؤالات و نیازهای روان‌شناختی آدمی است. جامعیت این الگو، بارزترین ویژگی آن است که اگر مورد توجه قرار گیرد، امکان استخراج یک نظریه جامع برای تبیین شخصیت، آسیب‌شناسی روانی و در نهایت درمان بیماری‌های روانی بر اساس منابع اسلامی را دارا خواهد بود. الگوی اسلامی شادکامی، درصدد تعیین جایگاه شوخ‌طبعی در منظومهٔ معارف اسلامی برآمده است، اما ورودی در باب تبیین ماهیت شوخ‌طبعی، تعیین حد و مرز آن و تبیین تفاوت‌ها و اشتراک‌های آن با مفاهیم دیگر نزدیک به این مفهوم نداشته است.

## منابع


ابن‌مسکویه (۱۹۶۱ق)، تهذیب‌الاخلاق، بیروت: مکتبه الحیاهٔ.

پسندیده، عباس (۱۳۹۵)، الگوی اسلامی شادکامی، قم: دارالحدیث.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشرآگاه.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق). مکارم الاخلاق. قم: انتشارات شریف رضی.

عبدوس، محمدتقی (۱۳۷۷)، بیست‌وپنج اصل از اصول اخلاقی امامان علیهم‌السلام، تألیف و تدوین: محمد محمدی اشتهاردی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

غزالی، محمدبن محمد (۱۳۸۳)، کیمیای سعادت، تهران: علمی و فرهنگی.

فروید، زیگموند (۱۳۸۸)، لطیفه و ارتباطش با ناخداگاه، ترجمهٔ آرش امینی، تهران: نسل فردا.

کار، آلن بی (۱۳۸۷)، روان‌شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان، ترجمهٔ حسن پاشاشریفی و همکاران، تهران: سخن.

کانت، ایمانوئل (۱۳۷۷)، نقد قوه حکم، ترجمهٔ عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.

کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، مرآةالعقول فی شرح اخبار آل‌الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محمدبن حبان (۱۳۷۴)، روضهٔ العقلاء ونزهةُ الفضلاء، تحقیق: عبدالحمید محمد محی‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة.


۱. Kirsh, G.
۲. Kuiper, N.

Apter, M J, (2001), Motivational Styles in Everyday Life: A Guide to Reversal Theory, .Washington, DC, US: American Psychological Association

Apter, M. J, 1976. Some data inconsistent with the optimal arousal theory of motivation, Perceptual .and Motor Skills, N. 43, P. 1209–1210

Ferguson, A, Mark & Ford E, (2008), Disparagement humor: A theoretical and empirical review of .psychoanalytic, superiority, and social identity theories, Humor 21–3 (2008), pp283–312

Gruner, C R, (1997), The Game of Humor: A Comprehensive Theory of Why We Laugh, New .Brunswick, NJ: Transaction Publishers

Hefferon, K, & Boniwell, I, (2011), Positive Psychology Theory, Research and Applications, .USA: Open University Press

.Hobbes, T, (1996), Levithan, New York, Oxford University Press

Kirsh, G. A, & Kuiper, N. A, (2003), Positive and negative aspects of senseof humor: Associations with the constructs of individualism andrelatedness, Humor: International Journal of Humor .Research, n. 16, p. 33–62

Martin, R. A, (2001), Humor, laughter, and physical health, Psychological Bulletin, n. 127, p. .504–519

Martin, A, (2007), The psychology of humor: an integrative approach, United States of America: .Elsevier Academic Press

.Middleton, R, (1959), Negro and white reactions to racial humor, Sociometry, n. 22, p. 175–183

Morreall, J, (2009), Comic Relief: A Comprehensive Philosophy of Humor, United Kingdom: .Wiley–Blackwell

Morreall, J, (1989), The Rejection of Humor in Western Thought, Philosophy East & West, v. 39, .n. 3, p. 243–265

.Oxford dictionary, Available from: http://www.oxforddictionaries.com, Accessed 2, 26, 216

Priest, R F, & Joel, A, (1970), Candidate preference and hostile humor in the 1968 elections, .Psychological Reports 26, p. 779–783

Priest, R. F, (1966), Election jokes: The effects of reference group membership, Psychological .Reports, n. 18, p. 600–602

Peterson, CH, Seligman, M .E. P. (2004).Character Strengths and Virtues: A Handbook and .Classification. Washington, DC: American Psychological Association

.Seligman, M, (2002), Authentic Happiness, New York, Free Press

.Shane. J. Lopez, (2009), The Encyclopedia of Positive Psychology, UK: Wiley–Blackwell

Spencer, H, (1911), On the Physiology of Laughter, in Essays on Education, Etc, London, .J. M. Dent

Wolff, H. A, Smith, C. E, & Murray, H. A, (1934), The psychology of humor, Journal of Abnormal .& Social Psychology, n. 28, p. 341–365

.Wooten, P, (1996), Humor: An antidote for stress, Holistic nursing practice, n. 10, p. 49–55

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره اول، پیاپی۷، بهار و تابستان۱۳۹۶، ص۶۶-۴۷

# رابطهٔ پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده

# The Relationship of Religious Commitment and Identity Styles with Family Efficiency

**سیدجوادموسوی /** کارشناس‌ارشدمشاوره‌وراهنمائی،مؤسسهٔ‌آموزش‌عالی‌اخلاق‌وتربیت،قم(نویسنده‌مسئول)،sjm4307@gmail.com
**نجیب‌الله نوری /** استادیار گروه روان‌شناسی، جامعة‌المصطفی العالمیة، قم، noori1351@gmail.com
**جعفر جدیری /** دکتری روان‌شناسی مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، jjafar138@gmail.com

**Sayyid Jawad Musawi** / MA of Consultation and Guidance / University of Ethics and Education, Qom
**Najibullah Nuri** / Assistant Professor of Psychology / al-Mustafa International University, Qom
**Ja'far Jodeyri** / PhD in Psychology / Imam Khomeini Educational and Research Institute

## چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطهٔ پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده است. این پژوهش، از نوع توصیفی است که با استفاده از روش همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه طلاب مرد و زن و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر قم می‌باشند. نمونهٔ پژوهش، ۳۸۸ نفر به صورت در دسترس، انتخاب شد. شرکت‌کنندگان ضمن ارائه برخی مشخصات جمعیت‌شناختی، به پرسش‌نامه‌های پایبندی‌مذهبی (JRAQ)، سبک‌های هویت (ISI-6G) و کارآمدی خانواده (SFEQI) پاسخ دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کارآمدی خانواده با پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری همبستگی مثبت و با ناپایبندی و دوسوگرایی مذهبی همبستگی منفی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که پایبندی مذهبی و دوسوگرایی مذهبی و همچنین

## ABSTRACT

The present study aims at investigating the relationship of religious commitment and identity styles with family efficiency. It was of descriptive type and was conducted through a correlational method. The statistical population was composed of all male and female seminary students and university students in Islamic Azad University in Qom. For the research sample, 388 subjects were selected. The participants presented some of the demographic specifications, and answered the following questions: JRAQ, ISI-6G, and SFEQI. The findings show that family efficiency is positively correlated with religious commitment and informational identity styles and is negatively correlated with religious non-commitment and dualism. The results of regression analysis showed that religious commitment and dualism as well as informational identity style is able to predict family efficiency.

سبک هویت اطلاعاتی، توان پیش‌بینی کارآمدی خانواده را دارند.

**کلیدواژه‌ها:** پایبندی مذهبی، دوسوگرایی مذهبی، سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، کارآمدی خانواده.

**KEY WORDS:** religious commitment, identity styles, family efficiency.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهندهٔ شخصیت آدمی، خانواده است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینهٔ خانواده، عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است (لاک[۱] و ویلیامسون[۲]، ۱۹۵۸، به نقل از: صادقی و همکاران، ۱۳۹۴). «کارآمدی خانواده»[۳] عبارت است از: ایفای مناسب نقش‌ها و وظایف خانواده در برابر اعضای خود و به عبارت دیگر، تحقق تکالیف که توسط اعضا و زیرمنظومه‌های آن صورت می‌گیرد (هی‌لی[۴]، ۱۳۷۵). خانواده‌ها از جهات گوناگون با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ از جمله می‌توان به تفاوت‌های موجود در حل‌مسئله، نحوهٔ ارتباطات، چگونگی ایفای نقش‌ها، شیوه و میزان پاسخگویی عاطفی، میزان آمیختگی عاطفی و الگوی کنترل رفتار (ریان[۵]، اپستین[۶]، کیتنر[۷]، میلر[۸] و بیشاپ[۹]، ۱۳۹۰) اشاره کرد. مشاهده این تفاوت‌ها در کارکرد خانواده منجر به ارائه مفاهیمی مانند خانواده سالم، بهنجار و خانواده کارآمد شد. وجه مشترک این مفاهیم عبارت است از: اینکه خانواده بتواند با فشارهای روانی، تعارضات و مشکلات مقابله کند و نقش‌ها، وظایف و کارکردهایش را تحقق بخشد (مینوچین[۱۰]، ۱۳۷۳).

«خانوادهٔ کارآمد»، از منظر آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. طبق این دیدگاه، خانوادهٔ کارآمد خانواده‌ای است که با پایبندی اعضای آن به باورهای دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینهٔ کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم می‌شود (صفورایی، ۱۳۹۲). براین‌اساس، مؤلفه‌های کارآمدی خانواده عبارت است از: میزان برخورداری از بینش‌های دینی، پایبندی به اخلاق و میزان پایبندی اعضاء به حقوق یکدیگر (حیدری، کریمیان و سالاری، ۱۳۹۴).

---

۱. Locke, H. J
۲. Williamson, R. C
۳. family efficiency
۴. Haley, J.
۵. Ryan, C.E.
۶. Epstein, N.B.
۷. Kietner, G.I.
۸. Miller, I.W.
۹. Bishop, D.S.
۱۰. Minochin, S

محققـان در چنـد دههٔ اخیر تلاش کرده‌اند که با تحلیل خانواده‌هـای موفق، عوامل مؤثر بر کارآمدی خانـواده را شناسـایی کنند (سـلطانی‌فر و بینـا، ۱۳۸۶). در ایـن پژوهش‌ها به عوامل گوناگونی اشـاره شـده اسـت از جمله: ارتباط متقابل، اعتماد، وفاداری، مدیریت مالی، خانواده و دوسـتان و ویژگی‌های شخصیتی (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸). از میان عوامل مختلفی که مورد مطالعه قرار گرفته است، برخی پژوهش‌ها رابطهٔ مذهب با کارآمدی خانواده را مورد بررسـی قـرار داده‌اند (ماهونی[۱]، پارگامنت[۲]، جول[۳] و همـکاران، ۱۹۹۹؛ کولدول[۴]، ۱۹۹۵؛ عبدالله‌پـور، مقیمی‌آذری، قلی‌زاده، سـیدمهدوی و زکی، ۱۳۸۸). زیربنای نظری آن عبارت اسـت از: اینکه مذهب، شـامل آموزه‌هایی برای زندگی و ارائه‌دهندهٔ نظامی از باورها و ارزش‌هاست که این ویژگی‌ها می‌تواند زندگی خانوادگی را متأثر سازند (هانلر[۵] و گنچوز[۶]، ۲۰۰۵).

در بررسـی رابطهٔ دینداری با حوزهٔ خانواده، بیشـتر تحقیقات بر رضایت زناشـویی متمرکز شده‌اند، از جمله: دادلی[۷] و کوسینسـکی[۸] (۱۹۹۰)، مـارش[۹] و دالاس[۱۰] (۲۰۰۱)، روحانی و معنوی‌پور (۱۳۸۷)، حاتمـی، حبـی و اکبری (۱۳۸۸) و پژوهش‌هـای اندکی، مؤلفه‌های کارآمدی خانـواده را مدنظر قرار داده‌انـد. در ایـن زمینـه، پژوهش کولدول (۱۹۹۵) نشـان داد که انجام فریضه‌هـای دینی منجر به افزایش سـطح کارکرد خانواده می‌شـود و بر بُعد انسـجام خانواده مؤثر اسـت. عبدالله‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، نشـان دادند که دخالت دادن دین در انتخاب‌هـا و تصمیم‌ها با همهٔ ابعاد کارکرد خانواده به جز ارتباط، همبستگی معناداری دارد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مذهبی بودن نمی‌تواند حل مسئله را در زوجین افزایش دهد (هانلر و گنچوز، ۲۰۰۵).

چگونگی اثرگذاری دین و مذهب بر کارکرد خانواده موجب شـده اسـت که پژوهشـگران از زوایای گوناگـون بـه تبیین این مسـئله بپردازند. برخـی به مذهب به‌عنـوان عاملی برای کنتـرل اجتماعی نگریسته‌اند، به این معنی که مذهب رفتارها و اعمال فردی و بین‌فردی غیرقابل قبول را منع می‌کند. برخـی دیگر، مذهب را مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و اعمـال اجتماعی می‌دانند که باعث تقویت هویت‌های نقش اصلی در خانواده شده و معنای خاصی برای هر یک از این نقش‌ها قائل می‌شود که منجـر به رضایت خاطر در افراد ایفاکننده این نقش‌ها می‌گردد. برخی به ویژگی مقابله‌گری مذهب با تنیدگی‌ها و حوادث و مشـکلات زندگی و خانوادگی پرداخته‌اند (خدایاری‌فرد و عابدینی، ۱۳۹۱). اما مذهب، جنبه‌های دیگری نیز دارد که در زندگی خانوادگی مؤثر است.

۱. Mahoney, A
۲. Pargament, K. I
۳. Jewel, T
۴. Coldwell, K. J,
۵. Hunler, O. S
۶. Genc, OZ, T.I
۷. Dudley, M. G
۸. Konsinski, F. A., Jr
۹. Marsh, R
۱۰. Dallos, R

بـه نظر می‌رسـد جنبـهٔ دیگری از مذهب که بـا کارآمدی خانـواده در ارتباط اسـت، نقش مذهب در هویت‌یابی افراد است (اسپیلکا[۱]، هود[۲]، هونسبرگر[۳] و گرساچ[۴]، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷). هویت عبارت است از: پاسخ‌های صریح و ضمنی به این سؤال که شما چه کسی هستید؟ (ویگنولز[۵]، شوارتز[۶] و لویکس[۷]، ۲۰۱۱). هویت، یک مفهوم سازمان‌یافته از خود است که از ارزش‌ها، باورها و اهدافی که فرد به آنها پایبند است، تشـکیل شـده است و کارکرد آن ایجاد تعادل میان خود و دیگران اسـت (اریکسون[۸]، ۱۹۶۴، به نقل از: هاشمی و جوکار، ۱۳۸۹). دین می‌تواند سهم مهمی در فرایند ایجاد هویت مطمئن داشته باشد، مثلاً با کمک کردن به تبیین مسائل وجودی، با ایجاد حس تعلق، و با فراهم آوردن فرصتی نهادینه برای افراد تا به نوعی جهان‌بینی (وفاداری) دینی ملتزم شوند (اسپیلکا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷).

میزان اثرپذیری کارآمدی خانواده از چگونگی هویت افراد، مسـئله‌ای است که نیاز به بررسی دارد. به لحاظ نظری تشکیل هویت می‌تواند کارآمدی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا از مشخصه‌های اصلی هویت، انتخاب ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی اسـت (بخشـایش و رضایی‌مقدم، ۱۳۹۰). کسـب هویـت امن باعث می‌شـود افـراد به جسـت‌وجوی روابـط صمیمـی و محبت‌آمیز برآینـد و در برقـراری روابـط بهتر عمل کنند. اریکسـون (۱۹۸۲)، صمیمیت بالیده و حقیقـی را تنها پس از تثبیت حـس معقولانـه هویت میسـر می‌داند؛ چرا که یکی از شـروط رابطـه نزدیک بین دو نفر این اسـت که باید نخسـت هویت هر یک شـکل گیرد (به نقل از: دانشورپور، تاجیک اسـماعیلی، شهرآرای، فرزاد و شـکری، ۱۳۸۶). پس از تثبیت احسـاس هویت و احسـاس تعهد نسـبت به ارزش‌ها و اهداف، افراد برای تعهدات میان‌فردی آماده می‌شـوند، همچنان‌که بر اسـاس تحقیقات، تشکیل هویت، درگیری در مشارکت متعهدانه در زندگی زناشویی را قویاً پیش‌بینی می‌کند (برک[۹]، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱). علی‌رغم نقش هویت به لحاظ نظری در کارآمدی خانواده، تحقیقات زیادی در این زمینه انجام نگرفته است.

افـراد در نحوهٔ تشـکیل هویت و دریافـت اطلاعات مربوط به خود روش‌هـای متفاوتی دارند، یکی از نظریات نسـبتاً جدید در این زمینه که توسـط برزونسـکی[۱۰] (۱۹۹۰، ۲۰۰۴) مطرح شده است، بیان می‌کنـد کـه این تفاوت‌هـا را می‌توان در قالب سـه نوع جهت‌گیـری پردازش شـناختی- اجتماعی یا «سبک هویت» مطرح کرد که عبارتند از: «سبک اطلاعاتی»[۱۱]، «سبک هنجاری»[۱۲]، «سبک مغشوش/

۱. Spilka, B.
۲. Hood, Jr, R W.
۳. Hunsberger, B.
۴. Gorsuch, R.
۵. Vignoles, V. L
۶. Schwartz, S. J
۷. Luyckx, K
۸. Erikson, E. H.
۹. Berk, L
۱۰. Berzonsky, M, D.
۱۱. informational style
۱۲. Formative style

اجتنابی»[۱]. دسته اول، همواره در جست‌وجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود هستند. دستهٔ دوم، با افراد مهم زندگیشان همنوایی می‌کنند، در مقابل تهدیدات بالقوه از پاسخ‌های قبلی استفاده می‌کنند و دست به تحریف شناختی می‌زنند و سعی در حفظ موجودیت قبلی خود دارند. دستهٔ سوم، بر اساس تقاضاهای موقعیت، واکنش نشان می‌دهند (امیدیان، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

شواهد تجربی نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی با سلامت روانی (نورمی[۲]، برزونسکی، تامی[۳] و کینی[۴]، ۱۹۹۷؛ برزونسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، رضایت زناشویی (معارف، خلیلی، حجازی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۳)؛ تعهد زناشویی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴) رابطهٔ مثبت و معناداری دارد. رویکرد شناختی- اجتماعی به هویت، در بررسی نقش آن در کارآمدی خانواده به این سؤال پاسخ می‌دهد: آیا افرادی که فعالانه در جست‌وجوی اطلاعات مربوط به خود بوده و سعی در شناخت خود دارند، در مقایسه با کسانی که از سبک هنجاری برخوردار بوده و با افراد مهم زندگی خود همنوایی می‌کنند، و افرادی که جهت‌گیری اجتنابی و سردرگم دارند، دارای خانواده کارآمدتری هستند؟

با توجه به آنچه بیان شد، این پژوهش درصدد است که رابطهٔ پایبندی به مذهب و نیز انواع سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده از منظر آموزه‌های اسلامی را به دست آورد و از این طریق این سؤالات مورد بررسی قرار گیرد که پایبندی افراد به مذهب چه تأثیری بر کارآمدی خانواده دارد؟ جهت‌گیری‌های گوناگون در ساخت هویت به چه میزان کارآمدی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ و اینکه هر یک از متغیرهای پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت به تنهایی، و نیز در مجموع، چه میزان از کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند؟

## روش پژوهش

جامعهٔ آماری این پژوهش را کلیه طلاب (تمام سطوح) مرد و زن حوزهٔ علمیه قم و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی (تمام مقاطع تحصیلی) متأهل شهر قم که در سال تحصیلی ۹۶- ۱۳۹۵ مشغول به تحصیل هستند، تشکیل می‌دهد. نمونهٔ مورد مطالعه نیز شامل ۳۸۸ نفر می‌باشد که از این میان، ۲۳۳ نفر دانشجو و ۱۵۵ نفر طلبه و تعداد ۱۳۳ نفر مرد و ۲۵۵ نفر زن بودند. نمونهٔ مورد پژوهش با توجه به محدودیت زمانی و مشکلات دسترسی به افراد متأهل (در جامعهٔ دانشجویان) با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند، به این صورت که با مراجعه به محل برگزاری دروس حوزوی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی پس از احراز رضایت جهت شرکت در آزمون و ارائه توضیحات لازم، نمونه‌گیری انجام شد. ابزارهای پژوهش عبارتند از:

۱. diffuse –avoidant style
۲. Nurmi, J. E
۳. Tammi, K
۴. Kinney, A

**مقیاس اسلامی کارآمدی خانواده (فرم تجدید نظر شده):** پرسش‌نامه «کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام، SFEQI»، یک ابزار ۶۰ سؤالی است که برای سنجش کارآمدی خانواده با استناد به آیات و روایات اسلامی ساخته شده است. فرم اولیه این پرسش‌نامه توسط صفورایی پاریزی (۱۳۸۸) تهیه و دارای ۷۹ سؤال بوده است. صفورایی پاریزی و همکاران (۱۳۹۴)، روایی و پایایی نسخه تجدیدنظرشده مقیاس اولیه کارآمدی خانواده را در نمونه‌ای ۵۹۰ نفری مورد سنجش قرار دادند. نتایج نشان داد که با حذف ۱۹ گویه، پایایی مقیاس (آلفای کرونباخ) به حداکثر خود خواهد رسید. بنابراین، در نسخهٔ تجدیدنظرشده، تعداد سؤالات از ۷۹ سؤال به ۶۰ سؤال کاهش یافته است. جهت بررسی پایایی (همسانی درونی) پرسش‌نامه ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۹۶ درصد محاسبه شده است که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای هشت عامل این مقیاس عبارتند از: رعایت حقوق (۸۷ درصد)، رضامندی و رشد (۹۲ درصد)، رابطه عاطفی و کلامی (۸۰ درصد)، اندیشه دینی (۸۵ درصد)، مسئولیت‌پذیری و مشارکت (۶۷ درصد)، رفتار دینی (۸۳ درصد)، اعتماد و بخشش (۷۴ درصد)، صداقت (۵۵ درصد).

**پرسش‌نامه پایبندی مذهبی:** این پرسش‌نامه، آزمونی است که برای سنجش رفتارهای انسانی و میزان پایبندی مذهبی افراد در جوامع اسلامی بر اساس گزاره‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه ساخته شده است و دارای سه خرده‌مقیاس است: پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی و دوسوگرایی. روش تحلیل عاملی نشان داد که پایایی کل آزمون معادل ۸۱ درصد است. پایایی هر یک از مقیاس‌های پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی به ترتیب ۸۷ درصد، ۶۸ درصد، ۷۲ درصد و میانگین پایایی همه خرده‌مقیاس‌ها ۷۶ درصد است. برای بررسی روایی محتوا، همه گویه‌هایی که میزان مربوط بودن آنها از نظر دو نفر از داوران تأیید نشده بود و یا نمره نهایی آن پس از محاسبه نظر داوران، کمتر از ۷۵ درصد بود، ابتدا حذف شد و پس از تقلیل متناوب گویه‌ها، فرم نهایی با ۶۰ سؤال مورد تجزیه‌وتحلیل عاملی قرار گرفت. برای روایی سازه، ابتدا با داده‌ها ۶۸۳ نفر مورد تجزیه‌وتحلیل اکتشافی قرار گرفت. میزان مناسب بودن یا کفایت گروه نمونه با آزمون کیسر[۱]، میر[۲] و الکین[۳] (KMO) بررسی شد و عدد ۸۹/۷ به دست آمد (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸).

**پرسش‌نامه سبک‌های هویت (ISI, 6G)[۴]:** پرسش‌نامه سبک هویت جهت ارزیابی جهت‌گیری هویت افراد توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این پرسش‌نامه دارای ۴۰ سؤال است که ۱۱ سؤال مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ سؤال مربوط به مقیاس هنجاری، ۱۰ سؤال مربوط به مقیاس سردرگم/ اجتنابی و ۱۰ سؤال مربوط به مقیاس تعهد است

۱. keiser
۲. meyer
۳. olkin
۴. Identity Styles Inventory, 6th Grade Reading Scales (ISI, 6G)

که جهت تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و خود یک سبک هویت مجزا محسوب نمی‌شود. وایت و همکاران (۱۹۹۸)، فرم تجدیدنظرشده‌ای از آن را ارائه کردند (ISI-6G) که در ایران توسط غضنفری (۱۳۸۳)، هنجاریابی شد. بدین‌منظور، پرسش‌نامه سبک هویت و مقیاس سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-۲۸) به‌طور همزمان در نمونه‌ای متشکل از ۱۸۳۲ آزمودنی، اجرا شد و یافته‌ها، بیانگر روایی پرسش‌نامه سبک هویت می‌باشد. برای ارزیابی و سنجش همسانی درونی پرسش‌نامه سبک هویت، ضریب آلفای کرونباخ بر روی داده‌های نمونه اصلی (N=۱۸۳۲) محاسبه شد، ضرایب همسانی پرسش‌نامه به این صورت به دست آمد: کل پرسش‌نامه، ۷۳ درصد؛ سبک هویت اطلاعاتی، ۶۷ درصد؛ سبک هویت هنجاری، ۵۲ درصد؛ سبک هویت سردرگم یا اجتنابی، ۶۲ درصد؛ مقیاس تعهد، ۵۷ درصد (غضنفری، ۱۳۸۳). در این پژوهش، از این مقیاس استفاده شده است.

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از روش آماری همبستگی پیرسون و برای بررسی توان پیش‌بینی، از رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد.

## یافته‌های پژوهش

برای تعیین همبستگی بین پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۱، نتایج بررسی رابطه پایبندی مذهبی با کارآمدی خانواده را نشان می‌دهد.

**جدول ۱. ماتریس همبستگی پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده (n=۳۸۸)**

| | رعایت حقوق | رضامندی و رشد | رابطه عاطفی و کلامی | اندیشه دینی | مسئولیت‌پذیری و مشارکت | رفتار دینی | اعتماد و بخشش | صداقت | کل کارآمدی خانواده |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| پایبندی مذهبی | ۰/۳۴۰** | ۰/۲۳۱** | ۰/۲۳۹** | ۰/۵۳۱** | ۰/۳۱۸** | ۰/۵۷۵** | ۰/۳۲۷** | ۰/۳۳۲** | ۰/۴۳۳** |
| دوسوگرایی مذهبی | -۰/۴۲۹** | -۰/۳۳۵** | -۰/۲۵۹** | -۰/۳۸۱** | -۰/۳۱۲** | -۰/۲۳۳** | -۰/۴۱۲** | -۰/۳۵۸** | -۰/۴۳۲** |
| ناپایبندی مذهبی | -۰/۲۸۶** | -۰/۰۲۶** | -۰/۲۰۲** | -۰/۴۰۴** | -۰/۲۷۱** | -۰/۴۵۷** | -۰/۳۴۹** | -۰/۳۱۹** | -۰/۳۹۳** |
| پایبندی کل | ۰/۴۴۲** | ۰/۳۴۹** | ۰/۲۹۲** | ۰/۵۳۴** | ۰/۳۷۲** | ۰/۵۰۱** | ۰/۴۵۵** | ۰/۴۱۸** | ۰/۵۲۱** |
| جهت‌گیری اطلاعاتی | ۰/۳۹۶** | ۰/۲۳۸** | ۰/۳۴۶** | ۰/۳۷۷** | ۰/۳۷۶** | ۰/۳۵۳** | ۰/۲۹۸** | ۰/۳۲۵** | ۰/۴۲۶** |
| جهت‌گیری هنجاری | ۰/۳۲۲** | ۰/۲۴۷** | ۰/۲۸۰** | ۰/۳۵۱** | ۰/۳۴۱** | ۰/۳۲۱** | ۰/۲۶۴** | ۰/۳۱۷** | ۰/۳۷۸** |
| جهت‌گیری اجتنابی | -۰/۰۲۴ | -۰/۰۴۸ | ۰/۰۲۲ | -۰/۰۶۶ | -۰/۰۲۱ | -۰/۰۵۱ | -۰/۰۷۱ | -۰/۰۸۷ | -۰/۰۵۸ |
| تعهد | ۰/۳۵۳** | ۰/۲۶۱** | ۰/۲۳۴** | ۰/۳۸۸** | ۰/۳۰۹** | ۰/۳۹۶** | ۰/۳۸۷** | ۰/۳۸۳** | ۰/۴۲۲** |

*P≤ ۰/۰۵ **P≤ ۰/۰۱

طبـق این نتایج، متغیر پایبندی مذهبی با کارآمدی خانواده (r=۰/۴۳۳) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطـهٔ مثبـت و معنـادار دارد. متغیـر دوسـوگرایی مذهبـی با کارآمـدی خانـواده (r=-۰/۴۳۲) و تمامـی زیرمقیاس‌های آن رابطهٔ منفی و معنادار دارد. متغیر ناپایبنـدی مذهبی با کارآمدی خانواده (r=-۰/۳۹۳) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطهٔ منفی و معنادار دارد.

متغیـر جهت‌گیـری اطلاعاتی با کارآمدی خانـواده (r=۰/۴۲۶) و تمامـی زیرمقیاس‌های آن رابطهٔ مثبـت و معنـادار دارد. متغیـر جهت‌گیـری هنجـاری بـا کارآمـدی خانـواده (r=۰/۳۷۸) و تمامـی زیرمقیاس‌های آن رابطهٔ مثبت و معنادار دارد. متغیر جهت‌گیری اجتنابی با کارآمدی خانواده رابطهٔ منفـی و غیرمعنـادار دارد و تمامـی زیرمقیاس‌های آن رابطـهٔ منفی و غیرمعنـادار دارد. متغیر تعهد با کارآمدی خانواده (r-۰/۴۲۲) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطهٔ مثبت و معنادار دارد.

برای پاسخ به این پرسش که پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت به چه میزان کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند، از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد، نتایج آن در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

**جدول ۲. ضرایب پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت (n=۳۸۸)**

| | ضریب غیراستاندارد | خطای پیش‌بینی | ضریب استاندارد | T | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| مقدار ثابت | ۱۳۳/۱۸۱ | ۱۲/۷۵۴ | | ۱۰/۴۴۲ | ۰/۰۰۰ |
| دوسوگرایی مذهبی | -۰/۵۷۹ | ۰/۱۳۰ | -۰/۲۶۰ | -۴/۴۵۷ | ۰/۰۰۰ |
| پایبندی مذهبی | ۰/۶۸۹ | ۰/۱۵۸ | ۰/۲۲۸ | ۴/۳۷۵ | ۰/۰۰۰ |
| جهت‌گیری اطلاعاتی | ۰/۷۵۱ | ۰/۱۸۸ | ۰/۲۱۱ | ۴/۰۰۵ | ۰/۰۰۰ |

متغیر ملاک: کارآمدی خانواده

همان‌طورکـه جدول ۲ نشـان می‌دهد، هنگامی‌که زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و سـبک‌های هویت در یک مدل برای پیش‌بینی کارآمدی خانواده قرار می‌گیرند، تنها پایبندی مذهبی (۰/۲۲۸)، دوسـوگرایی مذهبی (۰/۲۶۰-) و جهت‌گیری اطلاعاتی (۰/۲۱۱) می‌توانند کارآمدی خانواده را به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند.

**جدول ۳. ضریب پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس مجموع متغیرهای پیش بین**

| Model | R | R Square | Adjusted R Square |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۰/۵۹۷ | ۰/۳۵۷ | ۰/۳۴۵ |

همان‌طورکه جدول ۳ نشان می‌دهد، متغیرهای پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی، دوسوگرایی مذهبی و سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، سبک هویت سردرگم/ اجتنابی و تعهد در مجموع، ۳۴ درصد از کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند.

## بحث و نتیجه‌گیری

خانواده، کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال مبنا و اساس هر اجتماع بزرگتر است. ازاین‌رو، پرداختن به عوامل کارآمدی این نهاد ارزشمند، بسیار حائز اهمیت است. در این میان، پایبندی به مذهب و برخورداری از هویت، نقش مهمی در ارتقاء کارآمدی خانواده دارد.

این پژوهش، به بررسی رابطهٔ پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده و پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت، پرداخته و درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر بوده است.

- آیا پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده رابطه معناداری دارد؟
- پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت به چه میزان کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطهٔ مثبت و معناداری با کارآمدی خانواده دارد، ولی با سبک هویت سردرگم/ اجتنابی همبستگی منفی دارد گرچه این همبستگی معنادار نیست. همسو با این نتایج، ثناگویی، جان‌بزرگی و مهدویان (۱۳۹۰) با بررسی رابطه پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین نشان دادند که پایبندی مذهبی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطهٔ مثبت (۰/۲۲) دارد، و این نشان می‌دهد که هرچه پایبندی مذهبی بیشتر باشد، احتمال اینکه الگوی ارتباطی بین زوجین، ارتباط سازنده متقابل باشد، بیشتر است. این نتیجه در راستای پژوهش شمسایی، نیکخواه و جدیدی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که میزان هویت در مردان و زنانی که دارای خانواده کارآمدی هستند، بیشتر از میزان هویت مردان و زنانی است که از کارآمدی خانواده پایین‌تری برخوردارند. نتایج پژوهش باباخانی، اسدی نیازی، علیزاده زکریا و بختیاری ارکسی (۱۳۹۵)، نشان داد که تعهد هویت نقش تعیین‌کننده‌ای در جنبه‌های مختلف رضایت زناشویی دارد. این یافته با پژوهش زارعی، آذری و هدایتی (۱۳۹۴) که رابطه معناداری بین سبک هویت هنجاری با رضایت زناشویی به دست نیامده است، ناهمسو است.

پایبندی به مذهب و کسب هویت، تأثیرات مشابهی در کارآمدی خانواده ایفا می‌کنند. متعهد بودن نسبت به ارزش‌ها و اهداف در زندگی، و پایبندی به ارزش‌هایی که منشأ الهی و دینی دارند، موجب موفقیت فرد در زندگی زناشویی می‌شود. این افراد اهل ذکر و مناجات با خداوند هستند. این باعث می‌شود که در زندگی خود آرامش بیشتری را تجربه کنند، چرا که می‌دانند فقط با یاد خداوند دل‌ها آرامش پیدا می‌کند: «أَلا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب» (رعد: ۲۸). آرامش در فضای خانواده از جمله

عوامل مؤثر در کارآمدی خانواده است (صفورایی، ۱۳۹۲). همچنین، هویت یافتگی باعث می‌شود که فرد کمتر دچار اضطراب و استرس شود. افرادی که به نوعی تعهد دست یافته‌اند و دچار سردرگمی هویت نیستند، کمتر دچار اضطراب می‌شوند (غضنفری، ۱۳۸۳).

پایبندی مذهبی باعث می‌شود که ارزش‌های دینی و الهی معیار عمل در روابط با همسر باشد و به این ترتیب، از بروز تنش‌ها و تعارضات جلوگیری می‌شود. کسب هویت امن نیز موجب می‌شود افراد به جست‌وجوی روابط صمیمی و محبت‌آمیز برآیند و باعث می‌شود این افراد در برقراری روابط بهتر عمل کنند. اریکسون (۱۹۸۲)، صمیمیت بالیده و حقیقی را تنها پس از تثبیت حس معقولانه هویت میسر می‌داند؛ چرا که یکی از شروط رابطهٔ نزدیک بین دو نفر این است که باید نخست هویت هر یک شکل گیرد (به نقل از: دانشورپور و همکاران، ۱۳۸۶). پس از تثبیت احساس هویت و احساس تعهد نسبت به ارزش‌ها و اهداف، افراد برای تعهدات میان‌فردی آماده می‌شوند، همچنان‌که بر اساس تحقیقات، تشکیل هویت، درگیری در مشارکت متعهدانه در زندگی زناشویی را قویاً پیش‌بینی می‌کند (برک، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱). هویت یافتگی موجب می‌شود که افراد روابط پایدارتری با همسالان خود برقرار سازند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵).

نکتهٔ دیگر اینکه، اشخاص مذهبی و برخوردار از تعهد به ارزش‌ها، در زندگی به معنا و هدفی دست یافته‌اند. مهم‌ترین مانع دستیابی همسران به محبت و خشنودی زناشویی، مشکل عمومی «بحران معنا» است؛ بحرانی که غرب با فاصله گرفتن از باورها و ارزش‌های دینی، گرفتار آن شده است، در نتیجه افراد با تناقض‌هایی روبرو شده‌اند از جمله: آزادی شخص و امنیت عاطفی، بین استقلال و مسئولیت و بین تنها برای خود بودن و برای دیگران بودن و مشکل بحران معنا، فقط با تعریف مجدد معنا و اهداف زندگی با تکیه بر تعالیم دینی، قابل رفع خواهد بود (بستان، ۱۳۸۸، ص۱۳۱). پژوهش‌هایی مانند دوریز و سوئنز (۲۰۰۶)، بهادری خسروشاهی و محمود علیلو (۱۳۹۱) نشان می‌دهند سبک هویتی منسجم با معنای زندگی ارتباط مستقیمی دارد.

این یافته‌ها بر اساس نظریهٔ نقش نیز قابل تبیین است. بر اساس نظریهٔ نقش، اعتقادات مذهبی افراد خانواده در تعیین هویت‌های نقش در یک خانواده و روابط و رفتارهای افراد آن خانواده نقش دارند. آموزه‌های دینی، دستورالعمل‌هایی را در رابطه با باورها و رفتارهای مرتبط با نقش‌ها در خانواده فراهم می‌کنند و از پیامدهای منفی تعارضات خانوادگی، با هشدارهایی که می‌دهند، جلوگیری می‌کنند و وظایفی که هر نقش باید ایفا کند را به صورت دقیق مشخص می‌کنند (الیسون، بارتکووسکی و آندرسون، ۱۹۹۹). دین اسلام آموزه‌هایی را در مورد نقش‌های عاطفی و جنسی همسران، بیان می‌کند. از جمله اینکه، همسران را مایه آرامش یکدیگر معرفی می‌کند: «وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های خداوند آن است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید. در روایات نیز موارد فراوانی وجود دارد که

بر اهمیت توجه زن به نیازهای عاطفی شوهرش تأکید شده است. از جمله، پیامبر گرامی اسلام ﷺ در ستایش از زنان قریش، به مهرورزی آنان نسبت به شوهرانشان به‌عنوان ویژگی برجسته آنان اشاره فرموده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۰). همچنین، گزاره‌های فراوانی در قرآن کریم و منابع روایی وجود دارد که بر لزوم توجه شوهران به نیازهای عاطفی همسرانشان تأکید می‌کند از جمله: آیاتی که به رفتار شایسته شوهر با همسرش دلالت دارند مانند: «وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوف» (نساء: ۱۹) و «الطَّلاقُ مَرَّتانِ فَإِمْساکٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسان» (بقره: ۲۲۹). در برخی از روایات، محبت شوهر به همسرش از اخلاق پیامبران و از شاخص‌های ایمان به‌شمار آمده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۹). رابطه پایبندی مذهبی و کارآمدی خانواده در سه حوزهٔ بینشی، اخلاقی و حقوقی قابل تبیین است.

**بینشی:** ایمان به خداوند به‌عنوان اساسی‌ترین باور دینی نقش بسزایی در کارآمدی خانواده ایفا می‌کند. افراد با ایمان وقایعی که با زندگی آنها مرتبط است را انعکاسی از مشیت الهی می‌دانند (ویلیام جیمز، به نقل از: صفورائی، ۱۳۸۸). این نگاه باعث می‌شود که به جهان خلقت و هستی، خوش‌بین باشند و آفرینش را هدف‌دار و زندگی را بامعنا بدانند. ایمان به خداوند متعال موجب ایجاد آرامش در زندگی انسان می‌شود، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ عَلى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِين» (توبه: ۲۶)؛ آنگاه خدا سکینت (آرامش) خود را بر پیغمبرش و بر مؤمنان نازل نمود. مؤمنین در مواجهه با مشکلات، با تکیه و اعتماد بر قدرت خداوند متعال، دچار ضعف اراده و دلهره نمی‌شوند و از میزان آسیب‌پذیری آنها به اندازه ایمانی که دارند، کاسته می‌شود. ایمان به خداوند و تعهد به ارزش‌های دینی، موجب می‌شود که فرد در امور زندگی اعتماد و تکیه‌اش بر قدرت خداوند باشد و در سختی‌ها تحمل بیشتری داشته باشد، به اینکه خداوند حامی و پشتیبان اوست و در مشکلات او را یاری می‌کند، ایمان دارد و می‌داند کسی که از خدا بترسد، خدا برایش راه نجاتی از گرفتاری‌ها قرار می‌دهد و از مسیری که گمان نمی‌کند رزق او را تأمین می‌کند: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُه» (طلاق: ۲ و ۳).

نکتهٔ دیگر، دیدگاه افراد مذهبی به ازدواج و خانواده است که در تبیین این رابطه می‌توان به آن اشاره کرد. افراد مذهبی، به ازدواج به‌منزلهٔ مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم کردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر، می‌نگرند (ماهونی، ۲۰۰۵). خانواده‌های مذهبی نسبت به ازدواج و زندگی خانوادگی، دیدگاهی ارزشی دارند و به ازدواج به‌عنوان یک پیمان مذهبی که می‌تواند و باید ادامه یابد، می‌نگرند. با توجه به این نکته، می‌توان گفت که اگر افراد به طور عمیق به معنوی بودن ازدواج خود اعتقاد داشته باشند، به جهت ترس از دست دادن رابطه با خداوند و احساس گناه، سعی در حفاظت از زندگی مشترک خود دارند و در نتیجه، از مشاجرات و بداخلاقی‌ها دوری می‌کنند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴، به نقل از: خدایاری‌فرد، شهابی و اکبری زردخانه،

۱۳۸۶). ازدواج در مکتب اسلام، به‌عنوان بهترین بنا از نظر خداوند، عامل آرامش، محبت و رحمت (روم: ۲۱)، موجب نزول رحمت خداوند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)، عامل حفظ دین و طهارت معنوی (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۷) در نظر گرفته می‌شود. توجه و باور به ویژگی‌های معنوی یک رابطه و نقش، موجب می‌شود که صفاتی متعالی به خود گرفته و به‌عنوان جلوه‌ای از خداوند نگریسته شود و مقدس خوانده شود (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۱، به نقل از: صیدی، نظری و ابراهیمی، ۱۳۹۳).

**اخلاقی:** پایبندی مذهبی موجب می‌شود که روابط در بین اعضای خانواده بر اساس محبت و تکریم و احترام متقابل شکل بگیرد. ابراز محبت در گفتار تأثیر عمیقی بر استحکام روابط عاطفی در خانواده برجا می‌گذارد، رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: «این سخن مرد که به همسرش می‌گوید: واقعاً تو را دوست دارم، هرگز از قلبش خارج نخواهد شد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۳). همچنین، توصیه‌های دینی مبنی بر رعایت حسن خلق در روابط مانند گشاده‌رویی و نگاه با مهربانی، کارآمدی خانواده را درپی دارد (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۷۵). رعایت احترام متقابل نیز سبب استحکام روابط و کارآمدتر شدن خانواده می‌گردد. در منابع دینی از جمله حقوق زن بر مرد، رعایت احترام و تکریم زن ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۴) و زنی که احترام همسر خود را رعایت نکند مورد لعنت قرار گرفته است (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳). شخص برخوردار از ایمان و اخلاق مذهبی به یک عامل کنترل درونی مجهز است که باعث می‌شود، فرد از هرگونه اقدام ظالمانه و مغایر با کارآمدی خانواده اجتناب کند. در روایتی از امام حسن مجتبی † آمده است: «دختر خود را به ازدواج شوهر متدین و پرهیزگار درآورید؛ زیرا چنین شخصی اگر دخترت را دوست بدارد، او را گرامی خواهد داشت و چنانچه او را نپسندد، به وی ستم نخواهد کرد» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۴). خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مذهب موجب می‌شود، فرد خودکنترلی بیشتری را تجربه کند. همچنین مذهبی بودن موجب می‌شود فرد از منبع کنترل درونی برخوردار شود (اصغری، کردمیرزا نیکوراده و احمدی، ۱۳۹۲). کسانی‌که منبع کنترل درونی دارند، علت بروز مشکلات در روابط خانوادگی را به خود نسبت می‌دهند و بیشتر سعی در اصلاح خود دارند و این باعث می‌شود که در زندگی زناشویی، تنش‌های کمتری رخ دهد. مدارا، عفو، بخشش، ایثار و ازخودگذشتگی که در آموزه‌های دینی مورد تأکید است، در کارآمدی خانواده نقش مهمی دارند. افرادی که در مقابل خطای دیگران بخشش و گذشت بیشتری نشان می‌دهند، ارتباطات اجتماعی و خانوادگی سالم‌تری برقرار می‌کنند و روابطشان از استحکام بیشتری برخوردار است. طبق نتایج پژوهش، روابط مطلوب زوجین با پایبندی مذهبی و بخشش همبستگی مثبت و با ناپایبندی مذهبی و دوسوگرایی همبستگی منفی دارد (قاسمی و اعتمادی، ۱۳۹۵).

**حقوقی:** یکی از عوامل کارآمدی خانواده، رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر است.

اسلام برای هر یک از اعضای خانواده حقوقی را قرار داده است: ارضای نیازهای جنسی همسران نسبت به یکدیگر، تأمین نیازهای مالی و مخارج زندگی توسط شوهر، آراستگی و پاکیزه بودن و معاشرت نیکو از جمله حقوقی است که بیان شده است (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۵۵). یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل خانواده تأمین نیاز جنسی زوجین است. بنابراین، رضایت از روابط جنسی سهم عمده‌ای در تداوم زندگی مشترک ایفا می‌کند و عدم توجه به این نیاز، به میزان قابل توجهی از کارآمدی خانواده می‌کاهد (صفورایی، ۱۳۸۸).

در تبیین رابطه سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده می‌توان گفت: افرادی که دارای سبک هویت اطلاعاتی‌اند به این معناست که در مسائل مربوط به هویت شیوه‌ای علمی و اطلاعات‌مدار دارند، آنها به جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و همواره درگیر یک فرایند خود کاوشگر فعال هستند (امیدیان، ۱۳۸۸). روش مقابله مسئله‌محور، سبک معرفت‌شناسی منطقی و برنامه‌ریزی در تصمیم‌گیری رابطه دارد (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰). این افراد از تصمیم‌گیری‌های آنی و بر پایه هیجانات و احساسات، خودداری می‌کنند و بیشتر به حل مسائل فکر می‌کنند، به دنبال راه‌حل برای مشکلات پیش آمده در زندگی می‌پردازند و این موجب می‌شود که این افراد در مواردی که خانواده با بحران مواجه می‌شود به خوبی، آنها را پشت سر بگذارند و بهتر بتوانند خانواده را مدیریت کنند. سبک هویت اطلاعاتی با هویت شکل‌یافته ارتباط دارد و افراد دارای هویت شکل‌یافته (موفق) در مسائل زندگی، گزینه‌های مختلف را در نظر گرفته و با توجه به شرایط خود، تصمیم می‌گیرند. از عملکرد شناختی خوبی برخوردارند و وابستگی کمتری به عقاید دیگران برای تصمیم‌گیری‌های خود، نشان می‌دهند (مارسیا، ۱۹۸۰). بسیاری از مشکلات در خانواده ناشی از دخالت دادن تصمیمات افراد خارج از خانواده است، افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی وابستگی کمتری به نظرات دیگران دارند و اجازه نمی‌دهند دیگران برای آنها تصمیم بگیرند. از سوی دیگر، از مشورت با دیگران و کسب اطلاعات در حل مسائل مربوط به خود، خود را محروم نمی‌کنند. رویکرد اطلاعاتی با مقابله موفقیت‌آمیز با استرس و اضطراب، روش مقابله مسئله‌مدار و گشودگی رابطه مثبت، و با جهت‌دهی توسط دیگران، اثرات اضطراب، تفکر آرزومندانه و فاصله‌گیری عاطفی رابطه منفی نشان می‌دهد (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ برزونسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳).

کسانی که دارای سبک هنجاری هستند، ارزش‌ها، اهداف و تجویزهای دیگران را درونی‌سازی می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۱۱). افراد دارای این سبک هویت به شیوه جزمی و هنجاری عمل می‌کنند، همواره با تجارب و انتظارات افراد مهم زندگی‌شان همنوایی کرده به درون‌سازی ارزش‌های گروه‌های مرجع (مانند یک مکتب مذهبی خاص) تمایل دارند (برزونسکی، ۲۰۰۲).

این یافته از لحاظ نظری، تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد. انتظار می‌رفت که سبک هویت هنجاری، با توجه به خصوصیات ذکر شده، با کارآمدی خانواده، همبستگی منفی و یا فاقد رابطه مثبت معنادار

باشـد. اما نتایـج پژوهش‌های گوناگون دربـاره ارتباط مثبت سـبک هویت هنجاری بـا مؤلفه‌های بهزیسـتی روانی مانند عزت نفس، امیدواری، خوش‌بینی، کارآمدی، هدف‌محوری و خودارزشی (به نقل از: محسـن‌زاده، شـهرآرای و گـودرزی، ۱۳۸۸)، این یافتـه را توجیه‌پذیر می‌کند. این سـبک با پایگاه هویت زودرس در نظریه مارسـیا مرتبط اسـت، افراد دارای هویت زودرس، افرادی هسـتند که روش‌شـناختی متعصبانه و انعطاف‌ناپذیر دارنـد در نتیجه ارزش‌ها و عقاید والدین و دیگران را بدون اینکه ارزیابی کنند، درونی می‌کنند. در مسـائل زندگی مانند شـغل، مذهب، سیاسـت و سایر مسائل توسـط دیگران هدایت می‌شـوند، جهت‌یابی او بیرونی اسـت، نه درونی، غالباً نقشـی را که از سـوی اشـخاص قدرتمند یا دوسـتان با نفوذ برای او تجویز می‌شـود، قبول می‌کند (شـهرآرای، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶). این افراد معمولاً شادند (کروگر، ۱۹۹۶).

به نظر می‌رسـد، جهت‌گیری بیرونی در سـبک هنجاری، بستگی به شـرایط فرهنگی دارد، به این معنـا که اگر این شـخص ارزش‌هایی را درونی کرده اسـت که برای زندگی خانوادگی مفید باشـد و بر کارآمدی خانواده بیفزاید، در زندگی زناشـویی موفق عمل خواهد کرد و اگر شـرایط فرهنگی و عوامل بیرونی شـرایط ناسـالم و دور از ارزش‌هایی باشد که در جهت تضعیف و تزلزل خانواده عمل می‌کنند، فرد در خانواده کارکرد لازم را نخواهد داشـت و به تبع آن، خانواده، کارآمدی مناسـب خود را از دست خواهد داد. از سـوی دیگر، ابزاری که جهت سـنجش سـبک‌های هویت مورد استفاده قرار گرفته در بیشتر پژوهش‌ها همبستگی معناداری بین نمرات افراد در دو سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی نشان می‌دهد. بنابراین، ابزاری که بر خصوصیات متفاوت سبک هنجاری تأکید کند، نتایج دقیق‌تری به بار خواهد آورد (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

در تبیین این یافته می‌توان گفت: آنچه در عملکرد خانواده مهم است این است که فرد به تعهدی دست یافته باشد، و روش‌شناختی- اجتماعی در پردازش اطلاعات مربوط به خود و فرایند هویت‌یابی کـه افراد برمی‌گزینند، تأثیری بر عملکرد فرد در زندگی زناشـویی ندارد. به عبارت دیگر، بین سـبک هویـت اطلاعاتـی و هنجاری فرق چندانی در ارتباط با کارآمدی خانواده مشـاهده نمی‌شـود. به نظر می‌رسـد، پایبندی به اهداف و انتخاب‌هایی که برای آنها سرمایه‌گذاری نموده‌ایم، نتیجه دستیابی به هویت و یکی از زمینه‌های اصلی برقراری روابط رضایتمند در زندگی است. به همین دلیل، افرادی که با هویت پایین و فاقد تعهد به اهداف و انتخاب‌ها و ارزش‌ها وارد زندگی مشترک می‌شوند، احتمالاً با عدم اعتماد و بدبینی بیشـتری، روابط بین‌فردی و عاطفی با همسر خود برقرار می‌کند (شمسایی و همکاران، ۱۳۸۵).

در بررسی رابطه سبک اجتنابی با کارآمدی خانواده، نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سـبک سـردرگم/ اجتنابی بـا کارآمدی و تمام زیر مقیاس‌هـای آن رابطه منفی (به جز در مؤلفه رابطه کلامی) وجود دارد، اما در هیچ یک از زیرمقیاس‌ها، رابطه معنادار به دست نیامد.

این یافته با توجه به ویژگی‌های این افراد قابل تبیین است، افرادی که سبک سردرگم/ اجتنابی دارند، از پایین‌ترین و سطحی‌ترین روش هویت‌یابی برخوردارند. این افراد تعهدات و استانداردهای ضعیفی دارند (برزونسکی، ۲۰۱۱)، از پذیرش مسئولیت اجتناب می‌کنند، از مواجهه و کنارآمدن با تعارضات و تصمیمات شخصی اظهار بی‌میلی می‌کنند و رفتارشان بر اساس تقاضاها و پاسخ‌های موقعیتی جهت داده می‌شود، روش مقابله این افراد، شیوه متمرکز بر هیجان است و از راهبردهای ناکارآمد شناختی و تصمیم‌گیری و خودآگاهی پایین برخوردارند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰). تحقیقاتی که رابطه این سبک را با سلامت روان بررسی کرده‌اند نشان می‌دهند که جهت‌گیری سردرگم با کیفیت روابط همسالان، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس رابطه منفی و با اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، فاصله‌گیری عاطفی، جهت‌دهی توسط دیگران، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، مشکلات سوءمصرف مواد و الکل، روان‌رنجورخویی، افسردگی و اختلالات خوردن و سلوک رابطه مثبت نشان می‌دهد (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ برزونسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳). جهت‌گیری اجتنابی با اضطراب و افسردگی رابطهٔ مثبت (غضنفری، ۱۳۸۳) و با بهزیستی روان‌شناختی رابطهٔ منفی داشته است (ولوراس و بوسما، ۲۰۰۵). این افراد فاقد تعهدند و در زندگی هدف مشخصی ندارند (شکری، تاجیک اسماعیلی، دانشورپور، غنایی و دشتجردی، ۱۳۸۶). با توجه به این یافته‌ها، عدم وجود ارتباط مثبت بین سبک سردرگم/ اجتنابی با کارآمدی خانواده، روشن است و دور از انتظار نیست. مقایسه منزلت‌های هویت بین‌فردی متأهلین دارای و بدون نشانگان طلاق عاطفی در ۲۰۰ زوج نشان داد، بین منزلت‌های هویت افراد با توجه به وضعیت طلاق عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد. تحلیل واریانس داده‌ها حاکی از تفاوت معنادار بین دو گروه دارا و بدون نشانگان طلاق عاطفی در منزلت‌های هویتی سردرگم و بحران‌زده بود. همسرانی که در هویت ارتباطی بین‌فردی سردرگم بودند، بیشتر نشانگان طلاق عاطفی نشان دادند (موسوی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴).

بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت در کارآمدی خانواده با استفاده از رگرسیون گام‌به‌گام، نشان داد که وقتی زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت در یک مدل برای پیش‌بینی کارآمدی خانواده قرار می‌گیرند، تنها پایبندی مذهبی (۰/۲۲۸)، دوسوگرایی مذهبی (۰/۲۶۰-) و جهت‌گیری اطلاعاتی (۰/۲۱۱) می‌توانند کارآمدی خانواده را به طور معناداری پیش‌بینی کنند.

این نتایج با پژوهش جوانمرد، محمدی، پوراکبران، محمدی و موسوی (۱۳۹۴)، محمدی، باباپور و علی‌پور (۱۳۹۳) همسو است. پژوهش جوانمرد و همکاران با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی نشان داد که میزان دینداری زنان و مردان، سهم معناداری در تبیین و پیش‌بینی تغییرات (واریانس) کارکرد کلی خانواده دارد. پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، نشان داد که از میان سبک‌های هویت، تنها سبک هویت اطلاعاتی قادر است تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کند. این

یافته‌ها با پژوهش دانشورپور و همکاران (۱۳۸۶) همسو است. سبک هویت اطلاعاتی با روابط بین‌فردی پخته‌تر همراه است. تحلیل رگرسیون چندگانه در تحقیق عبدالله‌پور و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که دخالت دادن دین در انتخاب‌ها و تصمیم‌ها به صورت معناداری مؤلفه‌های کارکرد کلی، نقش‌ها، حل‌مسئله، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کل مقیاس کارکرد خانواده در دانشجویان را پیش‌بینی کرده است.

عوامل مختلفی با کارآمدی خانواده ارتباط دارد. ارتباط متقابل، اعتماد، وفاداری، مدیریت مالی، خانواده و دوستان و ویژگی‌های شخصیتی از عوامل مؤثر در کارآمدی خانواده محسوب می‌شوند (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱ و ۱۲۲). در این پژوهش، از میان عوامل گوناگون مؤثر در کارکرد خانواده، تنها دو عامل دین و هویت، بررسی شده است. بنابراین، نتایج به‌دست‌آمده دور از انتظار نیست.

## محدودیت‌های پژوهش

به دلیل طولانی بودن ابزارها، استناد به نتایج حاصل باید با احتیاط صورت گیرد. ممکن است برخی از آزمودنی‌ها، به دلیل حجم زیاد اطلاعات خواسته شده، دچار خستگی شده باشند.

در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است، در نتیجه تعمیم نتایج آن باید با احتیاط صورت گیرد. در این پژوهش، طلاب و دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بنابراین تعمیم نتایج آن به گروه‌های دیگر باید با احتیاط انجام گیرد. سطح سواد از دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد که می‌تواند تعمیم‌دهی آن را به افراد با سواد پایین با احتیاط همراه سازد.

## پیشنهادهای پژوهش

یافته‌های این پژوهش، از طریق یک مطالعه همبستگی به دست آمده است، اما ازآنجاکه تأثیر باورها و اعمال مذهبی بر کارآمدی خانواده گاه مستقیم است و گاه غیرمستقیم، با توجه به اینکه عوامل مختلفی می‌تواند بر کارآمدی خانواده تأثیرگذار باشد و این پژوهش تنها به دو مورد پرداخته است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی که در آن از روش‌های تجزیه‌وتحلیل آماری پیچیده‌ای نظیر مدل معادلات ساختاری و مدل رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده می‌شود، انجام پذیرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی از این قبیل، در نمونه‌هایی با روش نمونه‌برداری دیگر، انجام پذیرد.

پیشنهاد می‌شود ارتباط دین و هویت و تعامل این دو و همچنین، چگونگی اثرگذاری دین بر هویت‌یابی افراد، به طور دقیق بررسی گردد.

## منابع


قرآن کریم.

اسپیلکا، برنارد؛ هود و رالف دبلیو؛ هونسبرگر، بروس و گرساچ، ریچارد (۱۳۹۰)، روان‌شناسی دین: بر اساس رویکرد تجربی، ترجمهٔ محمد دهقانی، تهران: رشد.

اصغری، فرهاد؛ کردمیرزا نیکوزاده، عزت‌اله و احمدی، لیلا (۱۳۹۲)، «رابطه نگرش مذهبی، منبع کنترل و گرایش به سوءمصرف مواد در دانشجویان»، اعتیادپژوهی، دورهٔ هفتم، ش ۲۵، ص ۱۰۳-۱۱۲.

امیدیان، مرتضی (۱۳۸۸). هویت از دیدگاه روان‌شناسی، یزد: دانشگاه یزد.

باباخانی، نرگس؛ اسدی‌نیازی، شادی؛ علیزاده‌ذکریا، رامین و بختیاری ارکسی، حمید (۱۳۹۵)، «رابطه سبک‌های هویتی با رضایت زناشویی در زوج‌های متأهل شهر تهران»، مجله اصول بهداشت روانی، سال هجدهم، آبان و آذر ۹۵. ش ۶، ص ۴۷۱-۴۷۷.

بخشایش، علیرضا؛ رضایی مقدم، مریم (۱۳۹۰). «رابطه دین‌داری و خودشناسی با شکل گیری هویت». معرفت، شماره ۱۶۳، ص ۱۱۷-۱۳۲.

برک، لورا (۱۳۹۳)، روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)، ترجمهٔ یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران.

بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۸)، «تأملاتی در باب جامعه‌شناسی خانواده»، در مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.

بهادری خسروشاهی، جعفر و محمود علیلو، مجید (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین سبک‌های هویت با معنای زندگی در دانشجویان»، مطالعات روان‌شناختی، ش ۳۱، ص ۱۴۳-۱۶۴.

ثناگویی، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ مهدویان، علیرضا (۱۳۹۰)، «رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضامندی زناشویی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دورهٔ پنجم، ش ۹، ص ۵۷-۷۷.

جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال سوم، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۶.

جوانمرد، غلامحسین؛ محمدی قره‌قوزل، رقیه؛ پوراکبران، الهه؛ محمدی، حسین و موسوی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی انسجام و کارکردهای خانوادگی در زوج‌ها، بر اساس عمل به باورهای دین»، پژوهش در دین و سلامت، دورهٔ دوم، ش ۱، ص ۴۱-۳۴.

حاتمی، حمیدرضا؛ حبی، محمد باقر؛ اکبری، علیرضا (۱۳۸۸). «بررسی تاثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی». روانشناسی نظامی، دوره اول، ش ۱، ص ۱۳-۲۲.

حرعاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

حیدری، حسین؛ کریمیان، نادر و سالاری، سمانه (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل»، خانواده‌پژوهی، دورهٔ یازدهم، ش ۴۱، ص ۷۳-۸۶.

خدایاری فرد، محمد و عابدینی، یاسمین (۱۳۹۱). خانواده درمانی معنوی- مذهبی: تاریخچه، زیر بنای فکری و تجربی، اصول و فنون آن. فصلنامه رویش روان‌شناسی. سال ۱. شماره ۳، ص۹۵-۱۱۹.

خدایاری‌فرد، محمد؛ شهابی، روح‌الله و اکبری‌زردخانه، سعید (۱۳۸۶)، «رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، خانواده‌پژوهی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۱۱-۶۲۰.

خدایاری‌فرد، محمد؛ شـهابی، روح‌الله و اکبری‌زردخانه، سـعید (۱۳۸۸)، «دینداری، خودکنترلی و گرایش به مصرف مواد در دانشجویان»، رفاه اجتماعی، دورهٔ نهم، ش ۳۴، ص ۱۱۵-۱۳۰.
دانشـورپور، زهـره؛ تاجیک اسـماعیلی، عزیزالله؛ شـهرآرای، مهرناز؛ فـرزاد، ولی‌الله و شـکری، امید (۱۳۸۶)، «تفاوتهای جنسـی در صمیمیت اجتماعی: نقش سـبکهای هویت»، روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، ش ۴، ص ۳۹۳-۴۰۴.
روحانی، عباس و معنوی‌پور، داود (۱۳۸۷)، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، سال نهم، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۸۹-۲۰۶.
ریان، کریستن ای؛ اپستین، ناتان بی؛ کینز، گابور ای؛ میلر، ایوان دبلیو؛ بیشاب، دوآن اس (۱۳۹۰). خانواده درمانی (ارزیابی و درمان خانواده‌ها). مترجمان: محسن دهقانی و مریم عباسی. تهران: رشد.
زارعـی، اقبـال؛ آذری، پریسـا و هدایتـی، فاطمـه (۱۳۹۴)، «بررسـی رابطه سـبک‌های هویتی و سـبک‌های دفاعی با رضایت زناشـویی در زوجین اسـتان اصفهان»، کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و روان‌شناسـی و آسـیب‌های اجتماعـی ایـران، تهران: انجمن توسـعه و ترویـج علوم و فنـون بنیادین و مرکز مطالعات و تحقیقات.
سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، قم: نشر هاجر.
سـلطانی‌فر، عاطفه و بینا، مهدی (۱۳۸۶)، «بررسی شیوع نشانه‌های افسردگی کودکان دبستانی ۹ تا ۱۱ ساله در تهران و رابطه آن با عملکرد خانواده»، اصول بهداشت روانی، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۷-۱۴.
شـکری، امید؛ تاجیک اسـماعیلی، عزیزالله؛ دانشـورپور، زهـره؛ غنایی، زیبا و دسـتجردی، رضـا، (۱۳۸۶)، «تفاوت‌هـای فـردی در سـبک‌های هویت و بهزیسـتی روان‌شـناختی: نقش تعهـد هویـت»، تازه‌های علوم شناختی، ش ۳۴، ص ۳۳-۴۶.
شمسـایی، محمـد مهدی؛ نیکخـواه، حمیدرضا؛ جدیدی، محسـن (۱۳۸۵). نقش احسـاس هویت و هوش هیجانی در رضایت زناشویی. فصل‌نامه روان‌شناسی کاربردی. شماره ۲. ص ۵۷-۶۷.
شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۴)، روان‌شناسی رشد نوجوان: دیدگاهی تحولی، تهران: علم.
صادقی، مسـعود؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سـید احمد؛ بهرامی، فاطمه و عذرا اعتمادی (۱۳۹۴). تدوین مدل خانواده سـالم بر اسـاس دیـدگاه متخصصان خانـواده (یک پژوهـش کیفی). فصلنامه مشـاوره و روان درمانی خانواده. سال ۵. شماره ۱. صص ۱۴۲-۱۷۰.
صفورایـی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «سـاخت و اعتباریابی پرسـش‌نامه سـنجش کارآمـدی خانواده از دیدگاه اسلام»، روان‌شناسی و دین، سال دوم، ش ۵. ص ۸۵-۱۰۸.
صفورایـی پاریـزی، محمدمهـدی (۱۳۹۲)، «شـاخص‌های خانـواده کارآمـد»، پژوهش‌نامه اسـلامی زنان و خانواده، سال اول، ش ۱، ص ۲۹-۵۸.
صفورایی پاریزی، محمدمهدی؛ حیدری، سیدحسـین؛ هراتیان، عباسعلی و زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۴)، «بازشناسـی سـاختار عاملی مقیاس اسـلامی کارآمدی خانواده فرم تجدید نظر شـده»، اسـلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال اول، ش ۳، ص ۲۷-۴۳.
صیدی، محمدسـجاد؛ نظری، علی‌محمد و ابراهیمی، محمد (۱۳۹۳)، «نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی»، روان‌شناسی و دین، سال هفتم، ش ۱، ص ۴۸-۶۰.

طبرسی، حسن‌بن‌فضل (۱۴۰۸ق)، مکارم‌الاخلاق، بیروت: دارالحوراء.
عبدالله‌پور، نازی؛ مقیمی‌آذری، محمدباقر؛ قلی‌زاده، حسین؛ سیدمهدوی، میرروح‌الله و علی‌اشرفی زکی، زینب (۱۳۸۸)، «رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز»، فصل‌نامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر، سال سوم، ش ۷، ص ۱۵۷-۱۷۶.
غضنفری، احمد (۱۳۸۳)، «اعتباریابی و هنجاریابی پرسش‌نامه سبک هویت (ISI-6G)»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ش ۱۷، ص ۸۱-۹۶.
قاسمی، سیمین و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۵)، «رابطه بین پایبندی مذهبی و بخشش با کیفیت روابط زوجین و خانواده همسر در زنان»، روان‌شناسی و دین، سال نهم، ش ۲، ص ۱۰۹۹۷.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
محسن‌زاده، فرشاد؛ شهرآرای، مهرناز و گودرزی، محمود (۱۳۸۸)، «بررسی ارتباط تمایزیافتگی خود با سبک‌های هویت»، پژوهش‌های مشاوره، ش ۳۲، ص ۹۰۷۳.
محمدی، شهناز؛ باباپور، تینا و علی‌پور، فرشید (۱۳۹۳)، «نقش پیش‌بین سبک‌های هویت و پنج عامل شخصیت در تعارضات زناشویی زوجین ۲۰ تا ۴۰ ساله»، پژوهش‌های مشاوره، ش ۴۹، ص ۱۲۷-۱۴۵.
معارف، منا؛ خلیلی، شیوا؛ حجازی، الهه و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۳)، «رابطه سبک‌های هویت و نقش‌های جنسیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی»، روان‌شناسی، سال هجدهم، ش ۴، ص ۳۶۵-۳۸۰.
موسوی، سیده‌فاطمه و رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴)، «مقایسه منزلت‌های هویت بین‌فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی»، پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، سال ششم، ش ۱، ص ۱۱-۲۳.
مینوچین، سالوادور (۱۳۷۳)، خانواده و خانواده‌درمانی، ترجمهٔ باقر ثنائی، تهران: امیرکبیر.
هاشمی، زهرا؛ جوکار، بهرام (۱۳۸۹). بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی با ابعاد هویت. روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار). دوره ۱۷. شماره۴۰. ص ۵۹-۷۴.
هی‌لی، جی (۱۳۷۵)، روان‌درمانی خانواده، ترجمهٔ باقر ثنائی، تهران: امیرکبیر.
Berzonsky, M, D, (۱۹۹۰), Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation, In G. J. Neimeyer, (Eds), Advances in Personal Construct Psychology, I, p. 155-186. Greenwich, CT: JAL.
Berzonsky, M, D, (2002), Identity processing styles, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective, Paper presented in the workshop "Social Cognition in Adolescence: Its Developmental Significance", Groningen, the Netherlands.
Berzonsky, M, D, (2003), Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity: An International Journal of Theory and Research, n. 3, p. 131-142.
Berzonsky, M, D, (2004), Identity style, parental authority, and identity commitment, Journal of Youth and Adolescence, n. 33, p. 213-220.
Berzonsky, M, D, (2011), A social-cognitive perspective on identity construction, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds), Handbook of identity theory and research (p. 267-283), New York, Springer.

Berzonsky, M, D, & Kuk, L.S, (2000), Identity status, identity processing and transition to university, Journal of adolescent research, v. 15, n. 1, p. 81-98.

Berzonsky, M, D, & Kuk, L.S, (2005), Identity style psychological Maturity, and academic performance, Personality and Individual Differences, n. 39, p. 235-247.

Coldwell, K. J, (1995), Religious effect on level of family functioning, Journal of Family Psychology, v. 7, p. 245-260.

Dudley, M. G, & Kosinski Jr, F. A, (1990), Religiosity and marital satisfaction: A research note, Review of Religious Research, n. 32, p. 78-86.

Duriez, B, & Soenens, B, (2006), Personality, identity styles, and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents, Journal of adolescence, n. 29, p. 119-135.

Ellison, C. G, Bartkowski, J. P, & Anderson, K. L, (1999), Are there religious variations in domestic violence? Journal of Family Issues, n. 20, p. 87-113.

Hunler, O. S, & Genc, OZ, T.I, (2005), The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction, Contemporay Family Therapy, n. 27, p. 123-136.

Kroger, J, (1996), Identity, regression and development, Journal of Adolescence, n. 19, p. 203-222.

Mahoney, A, Pargament, K. I, Jewel, T, Swank, A. B, Scott, E, Emery, E, & Rye, M, (1999), Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning, Journal of Family Psychology, n. 13 , p. 321-338.

Mahoney, A, (2005), Religion and conflict in marital and parent child relationship, Journal of Social Issues, n. 61 , p. 689-706.

Marcia, James, E. (1980). "Identity in adolescent" the chapter five in Adver, J. (1980). Handbook of adolescent, New York.

Marsh, R, & Dallos, R, (2001), Roman Catholic couples: wrath and religion, Journal of Family Process, n. 40, p. 343-360.

Nurmi, J. E, Berzonsky, M. D, Tammi, K, & Kinney, A, (1997), Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well-being, International Journal of Development, n. 21, p. 555-570.

Vignoles, V. L, Schwartz, S. J, & Luyckx, K, (2011), Introduction: Toward an Integrative View of Identity, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research, New York: Springer.

Vleioras, G, & Bosma, H. A, (2005), Are identity styles important for psychological well-being? Journal of Adolescence, n. 28, p. 397-409.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره اول، پیاپی۷، بهار و تابستان۱۳۹۶، ص۸۲-۶۷

# بررسی رابطهٔ بین شخصیت با رضایت از زندگی و امید به آینده

# Investigating the Relationship between Personality with Life Satisfaction and Hope in Future

✍ **محمدزارعی توپخانه** / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، (نویسنده مسئول) mohammad1358z@gmail.com
**حدیث چراغیان** / دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی، cheraghian69@gmail.com
**سیده‌خدیجه مرادیانی** / دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه لرستان، leylabahari@ymail.com
**علی زهیری هاشم‌آبادی** / کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی، hashemabadi.a@gmail.com

**Muhammad Zare'i Tupkhana** / PhD Student of Psychology / Research Center of Seminary and University
**Hadith Cheraghiyan** / PhD Student of Consultation / Muhaqqeq Ardabili University
**Sayyida Khadija Muradiani** / PhD Student of Consultation / Lorestan University
**Ali Zahiri Hashem Abadi** / MA of Psychology / Kharazmi University

## چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطهٔ بین شخصیت با رضایت از زندگی و امید به آینده در میان دانش‌آموزان دبیرستانی است. پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است. حجم نمونه مورد پژوهش ۳۱۶ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه شهرستان رباط‌کریم است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل: پرسش‌نامه ۹۰ سؤالی شخصیتی آیسنک، پرسش‌نامه ۵ سؤالی رضایت از زندگی و پرسش‌نامه ۱۲ سؤالی امید اشنایدر است. داده‌ها بر اساس ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره همزمان تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از آن است که روان‌گسسته‌گرایی و روان‌رنجوری با کاهش رضایت از زندگی و برون‌گرایی با افزایش رضایت از زندگی همبستگی دارد.

## ABSTRACT

The present research aims at investigating the relationship between life satisfaction and hope for future among high school students. It is of descriptive and correlation type. The research sample was composed of 316 male and female high school students in Robat Karim, selected through cluster random sampling. The research tools consisted of Eysenck's 90-question questionnaire on personality, a 5-question questionnaire on life satisfaction, and Snyder's 12-question hope scale. The data were analyzed using Pearson correlation coefficient and Multivariate regression. The research findings showed that Psychoticism and Neuroticism are correlated with decrease in life satisfaction and Extraversion is correlated with increase in life satisfaction. Besides, Psychoticism and Neuroticism are correlated with decrease in hope for

همچنین، روان‌گسسته‌گرایی و روان‌رنجوری با کاهش امید به آینده و برون‌گرایی با افزایش امید به آینده همبستگی دارد. یافته دیگر اینکه روان‌گسسته‌گرایی، برون‌گرایی و روان‌رنجوری می‌توانند حدود ۱۸/۵ درصد از واریانس رضایت از زندگی و ۱۷ درصد از واریانس امید به آینده را تبیین نمایند. بنابراین، پرورش ویژگی‌های شخصیتی کارآمد، نقش مهمی در رضایت از زندگی و امید به آینده در میان دانش‌آموزان دبیرستانی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** شخصیت، رضایت از زندگی، امید

future and Extraversion is correlated with increase in hope for future. Another finding is that Psychoticism and Neuroticism and Extraversion can explain 18/5 percent of variance of life satisfaction and 17 percent of variance of hope for the future. So, nurturing efficient personality characteristics plays an important role in life satisfaction and hope for future among high school students.

**KEY WORDS:** personality, life satisfaction, hope for future.

## مقدمه

رضایت از زندگی و بهزیستی، مهم‌ترین عنصر زندگی در همه فرهنگ‌ها است. ازاین‌رو، روان‌شناسان سلامت می‌کوشند تا عوامل پرورش سطوح بالاتر بهزیستی و رضایت از زندگی را شناسایی کنند (لوکاس[۱] و دونلان،[۲] ۲۰۰۷). مفهوم رضایت، تجربه درونی است که حضور مثبت هیجان‌ها و نبود احساسات منفی را دربر می‌گیرد (رود[۳]، ۲۰۰۵). بر اساس پژوهش‌ها، جوانی، سلامت، تحصیلات خوب، توانایی‌های مالی، برون‌گرایی، خوش‌بینی، عدم تنش و نگرانی، مذهب، تأهل، عزت نفس و آرزوهای معتدل از عوامل رضایت از زندگی به‌شمار می‌آیند (ویلسون[۴]، ۱۹۶۷؛ دینر[۵]، دینر[۶] و دینر[۷]، ۱۹۹۵). یکی از عوامل تأثیرگذار بر رضایت از زندگی، شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد (چیو[۸]، ۲۰۰۸؛ رضاپور، عبدی، کریملو و ریحانی، ۱۳۸۹).

شخصیت، مجموعه ویژگی‌ها و گرایش‌های پایداری است که رفتارهای روان‌شناختی (شامل افکار، هیجانات و کنش‌ها) افراد را تعیین می‌کند (ربکا[۹] و پینا[۱۰]، ۲۰۱۱). صفات شخصیتی، ویژگی‌های پایداری هستند که موجب تمایز افراد از یکدیگر می‌شود (میر[۱۱] و کورتز[۱۲]، ۲۰۰۶). بر اساس

۱. Lucas, R.E.
۲ Donnellan, M.B.
۳. Rode, J.C.
۴. Wilson, W.R.
۵ Diener, E.
۶ Diener, M.
۷ Diener, C.
۸. Chew, P.K.
۹. Rebecca, A
۱۰. Pina, R.
۱۱. Meyer.
۱۲. Kurtz, J.E.

پژوهش‌های انجام شده، شخصیت جایگاه تعیین‌کننده‌ای در سلامت و عدم سلامت، شکل‌گیری هیجانات و کنش‌های افراد بر عهده دارد. بین شخصیت با سلامت و اختلالات خلقی رابطه وجود دارد (کلین[۱]، دوربین[۲]، شانکمن[۳] و سنتیگو[۴]، ۲۰۰۲؛ ربکا و پینا، ۲۰۱۱؛ باقری، بنی‌اسدی و داوری، ۱۳۹۰). ویژگی‌های شخصیتی از عوامل تعیین‌کنندهٔ رفتار به‌شمار می‌آیند (میر و کورتز، ۲۰۱۰). پژوهش‌های اخیر حکایت از این دارد که بین شخصیت و رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه وجود دارد (رکتور[۵]، کیرک[۶] و جانسون[۷]، ۲۰۰۵؛ میدلتون[۸] و همکاران، ۲۰۱۳؛ باقری و همکاران، ۱۳۹۰).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شخصیت افراد در بهزیستی و رضایت از زندگی آنان مؤثر است (سپوتس[۹] و همکاران، ۲۰۰۵؛ چارنیا[۱۰]، ۲۰۰۷؛ عطارزاده، مومبینی، کاظمی، نامجو و ایزدپناه، ۱۳۸۵). افرادی که در عامل عمومی شخصیت، بالاتر بودند، رضایت از زندگی بیشتر و عزت نفس بالاتری دارند (موسک[۱۱]، ۲۰۰۷). به علاوه، عامل روان‌رنجوری با رضایت از زندگی رابطه منفی دارد، ولی سایر عوامل شخصیتی مانند برون‌گرایی، پذیرا بودن، سازگاری و مسئولیت‌پذیری با رضایت از زندگی رابطه مثبت دارند (عطارزاده و همکاران، ۱۳۸۵؛ سرمدی، داوودی، پیرانی و گیوکی، ۱۳۸۷؛ قلی‌زاده، برزگری، غریبی و باباپور، ۱۳۸۹). همچنین، برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی، صداقت و فروتنی با رضایت از زندگی رابطه مثبت دارد، اما روان‌رنجوری با رضایت از زندگی رابطه منفی در میان دانشجویان دارد (آقابابائی، ۱۳۹۱). همچنین، ریگبای و هابنر (۲۰۰۴) این ارتباط را بین نوجوانان یافتند. در پژوهشی دیگر، ارتباط مثبت بین برون‌گرایی، باوجدان بودن و مقبولیت و رضایت از زندگی به دست آمد، همچنین ارتباط رضایت از زندگی و روان‌رنجوری را نیز منفی ارزیابی کرده‌اند (هایس و جوسف، ۲۰۰۳؛ هالاما، ۲۰۱۰).

از دیگر عواملی که می‌تواند با شخصیت ارتباط داشته باشد، امید به آینده است. امید، یکی از سازه‌های اساسی است که در سال‌های اخیر مورد توجه روان‌شناسی مثبت قرار گرفته است (سلیگمن[۱۲]، ۲۰۰۲). امید، فرایند شناختی است که افراد به وسیلهٔ آن اهداف خود را تعیین می‌کنند؛ راهکارهایی برای رسیدن به آن خلق می‌کنند و انگیزهٔ لازم برای اجرای آن راهکارها ایجاد می‌کنند

۱. Klein, D.N.
۲. Durbin, C.E.
۳. Shankman, S.A.
۴. Santiago, N.J.
۵. Rector, E.R.
۶. Kirk, A.
۷ Johnson, P.h.D.
۸ Middleton, L.E.R.
۹. Spotts, E. L.
۱۰. Charania, M.R.
۱۱. Musek, J.
۱۲. Seligman, M.E.P.

(اشـنایدر[۱] و شان[۲]، ۲۰۰۷). در واقع، امید نیروی مثبتی است که انگیزش، پیشبرد اهداف و سازگاری را افزایـش می‌دهـد (رالی[۳]، ۱۹۹۲) و قـدرت انرژی افراد در زندگی و ایجاد آن جزء ماهیت امید اسـت (بایـز[۴]، ۱۹۹۵). ایـن نیـرو، به انگیـزش آنها در فراینـد حل مسـئله و رفتارهای مولد رشـد و بالندگی برمی‌گردد (موحدی، باباپور و موحدی، ۱۳۹۳).

از منظر جهان‌بینی توحیدی، امید تحفه الهی اسـت که چرخ زندگی را به گردش واداشـته و تلاش و انگیزه را در انسـان مضاعف می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق). با امیدواری است که انسان خواسته‌های خـود را طلـب می‌کنـد[۵] (همـان). در روایـات اسـلامی، ناامیدی دارای آسـیب‌های متعددی اسـت. امیرالمؤمنیـن علی علیه‌السلام، ناامیدی را بزرگترین بلا معرفی می‌کند[۶] (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶) به‌گونه‌ای‌که انسـان ناامید در ورطه هلاکت و زوال قرار دارد[۷] (همـان). تعالیم دینی برای موضوع امید نیز اهمیت قائل هسـتند و سـعادت و شـادکامی را در امید به خداوند و هلاکت و شـوربختی را در امید به غیرخدا توصیف کرده‌اند (مجلسـی، ۱۴۰۴ق).[۸] بر اسـاس پژوهش صالحی (۱۳۹۵)، امید از منظر آموزه‌های اسـلامی دارای سـه مؤلفه اسـت که هر کدام دو زیرمؤلفه مسـتقل دارند. مؤلفهٔ اول، هدف اسـت که دارای دو زیرمولفـهٔ هـدف توحیدی (در نظـر گرفتن رضایت خداوند به‌عنوان نقطـه پایانی) و هدف مادی (داشـتن اهداف مادی برای پیگیری) اسـت. مؤلفهٔ دوم، عاملیت است که دارای دو زیرمولفهٔ عاملیت الهی (انتظار کسب هدف به‌واسطه تکیه بر قدرت خداوند) و عاملیت شخصی (انتظار کسب هدف به سـبب اتکا بر توانمندی شـخصی) اسـت. مؤلفهٔ سوم، اسباب اسـت که دارای دو زیرمولفهٔ اسـباب فرامادی (توجه به اصالت خواست خداوند در عمل کردن و طی کردن مسیر برای رسیدن به اهداف توحیدی) و اسباب مادی (داشتن مسیر مشخص و تلاش کافی برای رسیدن به هدف) است.

امـروزه، امیددرمانـی به‌عنـوان یک شـیوهٔ درمانی در روان‌شناسـی مثبت مطرح شـده اسـت که به جـای تمرکز بـر نقاط منفـی، توانمندی‌های انسـان را مـورد توجه قـرار می‌دهند (سـلیگمن، ۲۰۰۲). شـواهد تحقیقاتی زیادی وجود دارد که نشـان می‌دهد، بین بالا بودن میزان امید افراد و موفقیت آنها در فعالیت‌های زندگی، پیشـرفت تحصیلی، سـلامت جسـمی و روانی و بهبود روش‌های روان‌درمانی، ارتباط وجود دارد (اشـنایدر، ۲۰۰۲؛ علیزاده، ۱۳۹۱). نوجوانانی که امید و انگیزه بیشـتری دارند، کمتر به رفتارهای پرخطر رو می‌آورند (رکتور[۹] و همکاران، ۲۰۰۵؛ اپونته[۱۰]، امایا استوپینن[۱۱] و روجس جیمنز[۱۲]،

۱. Snyder, C.R.
۲. Shane J.L.
۳. Raleigh, E.
۴. Bays, C.

۵. اَلْحَوَائِجُ تُطْلَبُ بِالرَّجَاء
۶. أعظم البلاء انقطاع الرجاء
۷. قتل القنوط صاحبه
۸. مَنْ رَجَا اللّهَ سَعِد الْهَالِكُ الْمَغْرُورُ مَنْ رَجَا غَيْرَ الله

۹. Rector, E.R.
۱۰. Aponte, M.R.
۱۱ Amaya-Estupinan, L.C
۱۲ Rojas-Jimenez, Y.A

۲۰۱۲). همچنین، براساس یافته‌های فلدمن و اشنایدر (۲۰۰۵)، افزایش معناداری در امید باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی، عواطف مثبت و رضایت از زندگی می‌شود. به‌صورتی‌که امید نیروی مثبتی است که انگیزش، پیشبرد اهداف و سازگاری را افزایش می‌دهد (رالی، ۱۹۹۲). ونگ و لیم (۲۰۰۹)، گزارش کرده‌اند که امیدواری و خوش‌بینی ۰/۱۷ از واریانس رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد عوامل مختلفی مانند میزان پایبندی مذهبی (چانگ[۱] و لی[۲]، ۲۰۰۲؛ علیزاده، ۱۳۹۱)، انسجام و اعتماد اجتماعی و سرمایه فرهنگی (علیزاده، ۱۳۹۱)، صداقت و قدردانی (آقابابائی، ۱۳۹۱) در تقویت امید مؤثر هستند. ساختار شخصیت به‌عنوان جهت‌دهندهٔ بسیاری از افکار، هیجانات و رفتارهای انسان (ربکا و پینا، ۲۰۱۱؛ باقری و همکاران، ۱۳۹۰)، می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر افزایش امید به زندگی مورد مطالعه قرار گیرد. پژوهش‌های صورت گرفته، نشان می‌دهند بین برخی از ویژگی‌های شخصیتی و امید رابطه وجود دارد. به‌صورتی‌که توانمندی شخصیتی و احساس کارآمدی به‌طور غیرمستقیم موجب بالا بردن سطح امید می‌شود (چیو، ۲۰۰۸). خودکارآمدی نیز به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی، با امید در ارتباط است به‌گونه‌ای‌که افراد با خودکارآمدی پایین، در مواجهه با مشکلات احساس درماندگی می‌کنند و اگر تلاش آنان در مواجهه با مشکلات بی‌نتیجه بماند به سرعت قطع امید می‌کنند (سالامی[۳]، ۲۰۰۹). همچنین، بین خودکارآمدی دانش‌آموزان و امید رابطه وجود دارد (گلستانی‌نیا و شهنی‌ییلاق و مکتبی، ۱۳۹۳).

با وجود اینکه پژوهش‌های مختلفی در زمینهٔ متغیرهای پژوهش صورت گرفته، اما پژوهشی در رابطه با رابطهٔ بین شخصیت با رضایت از زندگی و امید به آینده در میان دانش‌آموزان دبیرستانی یافت نشد؛ درحالی‌که کشف این رابطه برای تقویت پایه‌های رضایت از زندگی و امیدواری اهمیت بسزایی دارد. به این صورت که با تقویت ویژگی‌های شخصیتی کارآمد زمینه تقویت رضایت از زندگی و امید به آینده فراهم می‌گردد و ناکارآمدی شخصیتی خود منشأ بروز عدم رضایت از زندگی و یأس به آینده خواهد شد. بنابراین، این پژوهش می‌کوشد رابطهٔ بین شخصیت با رضایت از زندگی و امید به آینده در میان دانش‌آموزان دبیرستانی را مورد مطالعه قرار دهد.

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی است. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره همزمان استفاده شد. جامعهٔ آماری پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهرستان رباط‌کریم تهران است. جامعه پژوهش، ۱۹۰۰ نفر بوده که با توجه به جدول مورگان حجم نمونه مورد پژوهش ۳۱۶ نفر (۱۹۰ نفر دختر و ۱۲۶ پسر) انتخاب شد که با استفاده از روش

۱. Chang, L.C.
۲. Li, I.C.
۳. Salami, S.O.

نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، به دست آمد. به این صورت که دبیرستان‌های یکی از بخش‌های شهرستان، یک خوشه در نظر گرفته شد، سپس ۸ دبیرستان دخترانه و پسرانه به طور تصادفی انتخاب شدند. هر مدرسه ۵۰ پرسش‌نامه توزیع شد که در کل ۴۰۰ پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها جمع‌آوری شد و پرسش‌نامه‌های کامل مورد استفاده قرار گرفت و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss نسخهٔ ۱۸ و با روش همبستگی و رگرسیون چندمتغیره همزمان تجزیه‌وتحلیل شدند. ابزارهای پژوهش عبارتند از:

**مقیاس شخصیتی آیسنک[۱]:** پرسش‌نامه شخصیتی آیسنک، در سال ۱۹۶۳ جهت سنجش برخی از ویژگی‌های شخصیتی مانند برون‌گرایی، روان‌رنجوری، روان‌گسسته‌گرایی ساخته شد. خرده‌مقیاس‌ها، شامل سه ویژگی شخصیتی مذکور به همراه خرده‌مقیاس دروغ‌سنج است. این پرسش‌نامه ۹۰ سؤال دارد که با پاسخ بلی یا خیر جواب داده می‌شود که در برخی پرسش‌ها، گزینهٔ بله نمرهٔ ۱ و گزینهٔ خیر، نمرهٔ صفر می‌گیرد و در برخی سؤالات عکس است (فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸). آیسنک، آن را بر روی گروه واحد در دو زمان متفاوت اجرا کرد و اعتبار و روایی آن را به دست آورد. ضریب اعتبار درونی (آلفای کرونباخ) برای مردان روان‌گسستگی ۰/۷۸، برون‌گرایی ۰/۹۰، نوروزگرایی ۰/۸۸، دروغ ۰/۸۲ به دست آمد و برای زنان، روان‌گسستگی ۰/۷۶، برون‌گرایی ۰/۸۵، نوروزگرایی ۰/۸۵، دروغ‌سنج ۰/۷۹ به دست آمد. همچنین، با روش بازآزمایی، برای مردان روان‌گسستگی ۰/۷۷، برون‌گرایی ۰/۸۳، نوروزگرایی ۰/۷۶، دروغ‌سنج ۰/۷۶ به دست آمد و برای زنان گسستگی ۰/۸۱، برون گرایی ۰/۸۹، نوروزگرایی ۰/۸۱، دروغ‌سنج ۰/۸۰ به دست آمد (آیسنک، ۱۹۷۵، به نقل از: فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸). در نمونهٔ ایرانی، ضریب اعتبار با روش بازآزمایی به فاصله دو ماه به شرح زیر گزارش شده است: روان‌گسستگی ۰/۷۲، برون‌گرایی ۰/۹۲، نوروزگرایی ۰/۸۹، دروغ‌سنج ۰/۸۸ (کاویانی، ۱۳۸۲، به نقل از: فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸). در این پژوهش، اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد. همچنین، روایی محتوایی با روش سازه و با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی با شاخص‌های برازندگی GFI[۲]=۰/۹۳، AGFI[۳]=۰/۹۳، TLI[۴]=۰/۹۴، IFI[۵]=۰/۹۲، CFI[۶]=۰/۹۵ و RMSEA[۷]=۰/۰۴ که مقدار مطلوبی می‌باشند، مورد تأیید قرار گرفت.

**مقیاس رضایت از زندگی[۸]:** این مقیاس دارای پنج گویه و تک‌عاملی است و به صورت از کاملاً

۱. Eysenck Personslity Questionnaire
۲. Goodness of Fit Index
۳. Adjusted Goodness of Fit Index
۴. Tucker-Lewis index
۵. Incremental fit index
۶. Comparative Fit Index
۷. Root Mean Squared Error of Approximation
۸. Satisfaction with Life Scale

مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) جواب داده می‌شود. داینر[۱] (۱۹۸۵)، این مقیاس را برای سنجش وجه‌شناختی بهزیستی فاعلی ساخته است و تاکنون یکی از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی بوده است (اتینزا[۲]، بلاگر[۳] و گراسی‌مریتا[۴]، ۲۰۰۳). این مقیاس را در ایران توسط بیاتی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) اعتباریابی شده است. به گزارش آنان، اعتبار این مقیاس از روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی، ۰/۶۹ به دست آمد که برای گروه‌های سنی مختلف قابل اجرا است. در این پژوهش، اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۱ به دست آمد. روایی محتوایی نیز با روش سازه و با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی با شاخص‌های برازندگی GFI=۰/۹۳، AGFI=۰/۹۴، TLI=۰/۹۴، IFI=۰/۹۵، CFI=۰/۹۵، RMSEA=۰/۹۴، که مقدار مطلوبی می‌باشند، مورد تأیید قرار گرفت.

**مقیاس امید اشنایدر[۵]:** پرسش‌نامه خودگزارشی است مشتمل بر ۱۲ سؤال که توسط اشنایدر و همکاران در سال ۱۹۹۱ ساخته شده است. این مقیاس برای سنین ۱۵ سال به بالا طراحی شده است، شامل دو خرده‌مقیاس گذرگاه (گذرگاه‌ها، مسیرها و راه‌های گوناگون را برای رسیدن به هدف مشخص می‌سازد) و انگیزش (تصمیم برای رسیدن به هدف) می‌باشد (اشنایدر و همکاران، ۱۹۹۱). پاسخ‌ها، پیوستاری از کاملاً غلط (۱) تا کاملاً درست (۵) است. این پرسش‌نامه در بین دانش‌آموزان دختر در تهران توسط گلزاری (۱۳۸۶) اعتباریابی شده است. پایایی این پرسش‌نامه با روش همسانی دورنی، ۰/۸۹ گزارش شده است. مقیاس امید با مقیاس‌هایی که فرایند روان‌شناختی را می‌سنجند؛ همبستگی بالایی دارد. مقیاس امید به میزان ۰/۵۰ تا ۰/۶۰ با مقیاس خوش‌بینی شییر و کارور همبستگی دارد. همچنین، نمرات این مقیاس با مقیاس افسردگی بک همبستگی منفی دارد. به علاوه، روایی محتوای این مقیاس به تأیید متخصصان بالینی هم رسیده است (قهرمانی و نادری، ۱۳۹۱). در این پژوهش، اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۳ به دست آمد. روایی محتوایی نیز با روش سازه و با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی با شاخص‌های برازندگی GFI=۰/۹۴، AGFI=۰/۹۵، TLI=۰/۹۳، IFI=۰/۹۳، CFI=۰/۹۵، RMSEA=۰/۹۴، که مقدار مطلوبی می‌باشند، مورد تأیید قرار گرفت.

## یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول ۱، ماتریس همبستگی پیرسون بین روان‌گسسته‌گرایی، برون‌گرایی، روان‌رنجوری، رضایت از زندگی و امید به آینده را نشان می‌دهد.

۱. Diener, E
۲. Atienza, F.L
۳ Balaguer, I
۴ Garc1´a-Merita, M.L
۵. Snyder Hope Scale

**جدول ۱. ماتریس همبستگی بین عوامل شخصیت با رضایت از زندگی و امید به آینده**

| متغیر | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
|---|---|---|---|---|
| ۱. روان‌گسسته‌گرایی | ۱ | | | |
| ۲. برون‌گرایی | -۰/۰۳ | ۱ | | |
| ۳. روان‌رنجوری | ۰**/۱۴ | ۰/۰۰ | ۱ | |
| ۴. رضایت از زندگی | -۰**/۱۹ | **/۱۸ | -۰**/۳۶ | ۱ |
| ۵. امید به آینده | -۰**/۲۴ | *۰/۱۲ | -۰**/۳۴ | ۰**/۴۰ |

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، بین روان‌گسسته‌گرایی و رضایت از زندگی رابطهٔ منفی و معنادار وجود دارد (or/۱۹ =-، P>۰/۰۱)، یعنی هرچه نمرهٔ روان‌گسسته‌گرایی ارتقاء یابد؛ نمرهٔ رضایت از زندگی کاهش می‌یابد و بعکس. همچنین، رابطهٔ بین روان‌گسسته‌گرایی و امید به آینده، منفی و معنادار است (r=-۰/۲۴، P>۰/۰۱)، یعنی هرچه نمرهٔ روان‌گسسته‌گرایی ارتقاء می‌یابد؛ نمرهٔ امید کاهش می‌یابد و بعکس. همچنین، رابطه بین برون‌گرایی و رضایت از زندگی، مثبت و معنادار است (or/۱۸ =، P>۰/۰۱). هرچه نمرهٔ برون‌گرایی ارتقاء می‌یابد؛ نمرهٔ رضایت از زندگی افزایش می‌یابد و بعکس. همچنین، بین برون‌گرایی و امید به آینده، رابطهٔ مثبت و معنادار وجود دارد (or/۱۲ =، P>۰/۰۵). هرچه نمرهٔ برون‌گرایی ارتقاء می‌یابد؛ نمرهٔ امید به آینده افزایش می‌یابد و بعکس. همچنین، رابطه بین روان‌رنجوری و رضایت از زندگی، منفی و معنادار است (or/۱۹ =-، P>۰/۰۱). هرچه نمرهٔ روان‌رنجوری ارتقاء یابد؛ نمرهٔ رضایت از زندگی کاهش می‌یابد و بعکس. به علاوه، رابطه بین روان‌رنجوری و امید به آینده، منفی و معنادار است (r=-۰/۲۴، P>۰/۰۱). هرچه نمرهٔ روان‌رنجوری ارتقاء یابد؛ نمرهٔ امید به آینده کاهش می‌یابد و بعکس، هرچه نمره روان‌رنجوری کاهش یابد؛ نمرهٔ امید به آینده افزایش می‌یابد.

جدول ۲، تحلیل رگرسیون چندمتغیره همزمان بین روان‌گسسته‌گرایی، برون‌گرایی، روان‌رنجوری و رضایت از زندگی را نشان می‌دهد. بر اساس جدول ۲، روان‌گسسته‌گرایی، برون‌گرایی، روان‌رنجوری می‌توانند حدود ۱۸/۵ درصد از واریانس رضایت از زندگی را در سطح معناداری ۰/۰۱ تبیین کنند. همچنین، ضریب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در نمرهٔ روان گسسته‌گرایی برابر با ۰/۱۳۵ واحد کاهش در نمرهٔ رضایت از زندگی است. همچنین، یک واحد افزایش در نمرهٔ برون‌گرایی برابر با ۰/۱۸۲ واحد افزایش در نمره رضایت از زندگی است. همچنین، یک واحد افزایش در نمرهٔ روان‌رنجوری برابر با ۰/۳۴۳ واحد کاهش در نمرهٔ رضایت از زندگی است.

**جدول ۲. تحلیل رگرسیون چندمتغیره همزمان بین عوامل شخصیت و رضایت از زندگی**

| مدل | ضرایب غیراستاندارد | | ضرایب استاندارد | | T | P |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | B | Sd | Beta | R2 | | |
| روان‌گسسته‌گرایی | -۰/۲۵۶ | ۰/۰۹۸ | -۰/۱۳۵ | | -۲/۶۰ | ۰/۰۰۱ |
| برون‌گرایی | ۰/۳۷۲ | ۰/۱۰۴ | ۰/۱۸۲ | ۰/۱۸۵ | ۳/۵۵ | ۰/۰۰۱ |
| روان‌رنجوری | -۰/۴۹۱ | ۰/۰۷۴ | -۰/۳۴۳ | | -۶/۶۴ | ۰/۰۰۱ |

جدول ۳، تحلیل رگرسیون چندمتغیره همزمان بین روان‌گسسته‌گرایی، برون‌گرایی، روان‌رنجوری و امید به آینده را نشان می‌دهد. بر اساس جدول ۳، روان‌گسسته‌گرایی، روان‌رنجوری در سطح معناداری ۰/۰۱ و برون‌گرایی در سطح معناداری ۰/۰۵، می‌تواند ۱۷ درصد از واریانس امید به زندگی را تبیین کند. همچنین، ضریب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در نمرهٔ روان‌گسسته‌گرایی، برابر با ۰/۱۹۴ واحد کاهش در نمره امید به آینده می‌باشد. همچنین، یک واحد افزایش در نمرهٔ برون‌گرایی، برابر با ۰/۱۱۶ واحد افزایش در نمرهٔ امید به آینده می‌باشد. همچنین، یک واحد افزایش در نمرهٔ روان‌رنجوری، برابر با ۰/۳۱۴ واحد کاهش در نمرهٔ امید به آینده می‌باشد.

**جدول ۳. تحلیل رگرسیون چندمتغیره همزمان بین عوامل شخصیت و امید به زندگی**

| مدل | ضرایب غیراستاندارد | | ضرایب استاندارد | | T | P |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | B | Sd | Beta | R2 | | |
| روان‌گسسته‌گرایی | -۰/۲۵۲ | ۰/۰۶۸ | -۰/۱۹۴ | | -۳/۷۱ | ۰/۰۰۱ |
| برون‌گرایی | ۰/۱۶۳ | ۰/۰۷۲ | ۰/۱۱۶ | ۰/۱۷۰ | ۲/۲۵ | ۰/۰۲۵ |
| روان‌رنجوری | -۰/۳۰۸ | ۰/۰۵۱ | -۰/۳۱۴ | | -۶/۰۲ | ۰/۰۰۱ |

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطهٔ بین شخصیت با رضایت از زندگی و امید به آینده در میان دانش‌آموزان دبیرستانی است. یافتهٔ اول پژوهش، حاکی از آن است که رابطهٔ بین روان‌گسسته‌گرایی و روان‌رنجوری با رضایت از زندگی، منفی و معنادار است. همچنین، رابطه بین برون‌گرایی و رضایت از زندگی مثبت و معنادار است. همچنین، ویژگی‌های شخصیتی (روان‌گسسته‌گرایی، برون‌گرایی، روان‌رنجوری) می‌توانند حدود ۱۸/۵ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های بریک[۱] و مونت[۲] (۱۹۹۱)، هو[۳] (۱۹۹۲)، فوگارتی[۴] و همکاران (۱۹۹۹)، سپوتش و همکاران

۱. Barrick, M. R
۲. Mount, M. K
۳. Hough, L.M
۴. Fogarty, G.J

(۲۰۰۵)، مونت[۱]، ایلیس[۲] و جانسون[۳] (۲۰۰۶)، موسک (۲۰۰۷)، چارنیا (۲۰۰۷)، هاتزل[۴] و همکاران (۲۰۱۴)، حسین‌خانی و طاهر (۲۰۱۳)، دنو[۵] و کوپر[۶] (۱۹۹۸)، ریگبای و هابنر (۲۰۰۴)، ملازاده (۱۳۷۲)، هایس و جوسف (۲۰۰۳)، هالاما (۲۰۱۰)، عطارزاده و همکاران (۱۳۸۵)، سرمدی و همکاران (۱۳۸۷)، رضاپور و همکاران (۱۳۸۹)، قلی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) و آقابابائی (۱۳۹۱) همسو می‌باشد.

در پژوهش حسین‌خانی و طاهر (۲۰۱۳) که با هدف بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از زندگی انجام شد؛ نتایج پژوهش نشان داد ویژگی‌های شخصیتی ۱۹ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کند. به علاوه برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند، ویژگی شخصیتی باوجدان بودن پیش‌بینی‌کنندهٔ قوی رضایت از زندگی است؛ به‌صورتی‌که باوجدان بودن موجب پیشرفت و در نتیجه، رضایت بیشتر از زندگی می‌شود (دنو و کوپر، ۱۹۹۸).

پژوهش‌های دیگری به ارتباط ویژگی‌های شخصیتی و رضایت شغلی و رضایت زناشویی دست یافته‌اند. به‌عنوان مثال، بریک و مونت (۱۹۹۱)، در پژوهش خود رابطهٔ بین ۵ عامل بزرگ شخصیت و رضایت شغلی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد برون‌گرایی و باز بودن به تجربیات پیش‌بینی‌کنندهٔ رضایت شغلی است. در این زمینه، پژوهش مونت و همکاران (۲۰۰۶)، نشان داد ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی‌کنندهٔ رضایت شغلی و نگرش کارکنان نسبت به شغل است. چارنیا (۲۰۰۷)، نیز رابطهٔ بین ویژگی‌های شخصیتی باز بودن به تجربه، وجدان، مقبولیت، جذاب بودن، ظرافت زنانگی روان‌شناختی، جذابیت اجتماعی با رضایت زناشویی که با رضایت از زندگی رابطه دارد را مثبت ارزیابی کرد.

یافتهٔ اول را می‌توان چنین تبیین کرد که نمرهٔ بالا در روان‌گسسته‌گرایی و روان‌رنجوری با بی‌ثباتی عاطفی و عواطف منفی مثل ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، خشم، احساس گناه و نفرت و تمایل به تکانشگری، پرخاشگری و آسیب‌پذیری همراه است. این افراد بیشتر هیجان‌مدارند و آمادگی بیشتری برای اضطراب در موقعیت‌های تنش‌زا دارند و کمتر بر روش حل‌مسئله تمرکز می‌کنند (فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸؛ قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). در نتیجه، رضایت کمتری از زندگی را تجربه می‌کنند. همچنین، عامل برون‌گرایی با هیجانات مثبت از قبیل بشاش بودن، خوش‌بینی، عشق و صمیمیت ارتباط دارد. چنین افرادی احساسات و عواطف خود را به راحتی بروز می‌دهند و اجتماعی و فعال هستند و راحت‌تر با استرس‌های روزمره کنار می‌آیند. در نتیجه، رضایت بیشتری از زندگی را تجربه می‌کنند.

۱. Mount, M.
۲. Ilies, P.
۳ Johnson, E
۴. Hutzl, C.S
۵. DeNeve, K. M
۶. Cooper, H

یافتـهٔ دوم پژوهـش نشـان می‌دهد که رابطهٔ بیـن روان‌گسسـته‌گرایی و روان‌رنجوری بـا امید به آینده، منفی و معنادار اسـت. همچنین، رابطه بین برون‌گرایی و امید به آینده مثبت و معنادار است. به علاوه ویژگی‌های شخصیتی (روان‌گسسته‌گرایی، برون‌گرایی، روان‌رنجوری) ۱۷ درصد از واریانس امیـد به آینده را تبیین می‌کنند. ایـن یافته به‌طورکلی با نتایج پژوهش‌های گلسـتانی‌نیا و همکاران (۱۳۹۳)، آقابابائی (۱۳۹۱)، قربانی، سـعادتمند، سـپهریان‌آذر، اسدنیا و فیضی‌پور (۱۳۹۲)، مکارو[۱] و روسن[۲] (۲۰۰۵)، هالاما و ددوا[۳] (۲۰۰۷)، رالی (۱۹۹۲)، بایز (۱۹۹۵) و اشنایدر (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. هالامـا و ددوا (۲۰۰۷) ارتبـاط منفـی بیـن روان‌رنجـوری و امیـدواری یافتنـد. به عـلاوه رابطه بین برون‌گرایی و باوجدان بودن را با امیدواری مثبت ارزیابی کردند. همچنین، مکارو و روسـن (۲۰۰۵)، ارتبـاط مثبتی بین امیدواری و ویژگی شـخصیتی مقبولیت یافتند. همچنین، گزارش کرده‌اند ویژگی شخصیتی با وجدان بودن ۰/۳۶ از تغییرات امیدواری را پیش‌بینی می‌کند.

یافتهٔ دوم را می‌توان چنین تبیین کرد که نمرهٔ بالا در روان‌گسسته‌گرایی و روان‌رنجوری با بی‌ثباتی عاطفـی و عواطف منفی مثل ترس، غم، دسـتپاچگی، عصبانیت، خشـم، احسـاس گنـاه و نفرت و تمایل به تکانشگری، پرخاشگری و آسیب‌پذیری همراه است. این افراد بیشتر هیجان‌مدارند و کمتر بر روش حل‌مسـئله تمرکز می‌کنند (فتحی‌آشـتیانی، ۱۳۸۸؛ قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). در نتیجه، خیلـی زود امیـد خود را از دسـت می‌دهنـد. همچنین، عامـل برون‌گرایی با هیجانـات مثبت ارتباط دارد. چنین افرادی احساسـات و عواطف خود را به راحتی بروز می‌دهند و اجتماعی و فعال هسـتند و راحت‌تر با اسـترس‌های روزمره کنار می‌آیند، تفکرات مطلوبی‌تری در ذهن خود می‌پرورانند و این امر از بروز احساسـات منفی مانند ناامیدی جلوگیری می‌کند. به علاوه احتمالاً افراد امیدوار رفتارهایشـان در پیگیری اهداف شـبیه رفتارهای برون‌گراسـت. فعال بودن، پرانرژی بودن، اشـتیاق و ابراز وجود ویژگی‌های افراد برون‌گرا و امیدوار است (مک‌کار و جان، ۱۹۹۲).

برون‌گرا بودن، مرتبط با زنده‌دل بودن و زندگی پرانرژی می‌باشد؛ چنین احساساتی می‌تواند منبع امیدواری باشد. روان‌رنجوری نیز با گرایش به تجربیات منفی رابطه دارد که می‌تواند منجر به افکار منفـی در مـورد اهداف آینده و توانایی رسـیدن به آنها شـود. بنابراین، گرایش به تجربهٔ احساسـات مثبت (برون‌گرایی) می‌تواند باعث بهبود امیدواری شـود و تجربهٔ عواطف منفی (مانند افسـردگی و اضطراب) در روان‌رنجوری می‌تواند امیدواری را کاهش دهد.

یافتـهٔ جانبی پژوهش نشـان می‌دهد کـه بین امید به آینـده و رضایت از زندگی هـم رابطهٔ مثبت و معنـاداری وجـود دارد. افزایـش امیـد به آینده بـا افزایش رضایـت از زندگی همراه اسـت و افزایش رضایـت از زندگی، امید به آینده را ارتقاء می‌بخشـد. این یافته با نتایج پژوهش‌های نصیری و جوکار

۱. McCrae, R. R
۲. John, O. P
۳. Dedova, M

(۱۳۸۷)، نـادری و حسـینی (۱۳۸۸)، بیلی و سـندر (۲۰۰۷)، قربانی و همـکاران (۱۳۹۲)، فلدمن و اسـنایدر (۲۰۰۵)، ونگ[۱] و لیـم[۲](۲۰۰۹)، هاتزل و همـکاران (۲۰۱۴) و موحـدی و همکاران (۱۳۹۳) همسـو می‌باشد. نادری و حسـینی (۱۳۸۸)، در پژوهش خود نشان دادند بزرگسالانی که نمرهٔ بالایی در رضایـت از زندگـی دارند، در امیـدواری نیز نمرهٔ بالاتری کسـب می‌کنند (بیلی و اشـنایدر، ۲۰۰۷). نتایـج پژوهش دیگر نیز نشـان داد، امیـدواری می‌تواند رضایت از زندگی را بـه طور مثبت پیش‌بینی کند (هاتزل و همکاران، ۲۰۱۴). موحدی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود نشـان دادند آموزش امیددرمانـی به شـیوهٔ گروهی می‌تواند امید و بهزیسـتی روان‌شـناختی که با رضایـت از زندگی رابطه دارد را در دانش‌آموزان افزایش دهد. صالحی (۱۳۹۵)، نشان داد پروتکل امیددرمانی اسلامی به‌طور معناداری بهزیستی فاعلی و رضایت از زندگی بیماران مبتلا به ام‌اس را افزایش می‌دهد.

احتمالاً رضایت از زندگی مرتبط با دسـتیابی به اهداف اسـت و افراد امیدوار به آسـانی به اهدافشـان می‌رسند. به نظر می‌رسد، افرادی که امید بالایی دارند ممکن است محرک‌های قوی‌تر و انرژی بیشتری برای پیگیری اهداف خود داشـته باشـند و این موجب رشد و بالندگی آنها و افزایش سلامت و بهزیستی روان‌شـناختی و در نتیجه رضایت از زندگی می‌شـود. در مجموع، می‌تـوان چنین نتیجه‌گیری کرد که ویژگی‌هـای شـخصیتی روان‌رنجوری، روان‌گسسـته‌گرایی با رضایت از زندگی و امیـد به آینده در میان دانش‌آموزان دبیرسـتانی رابطه منفی دارد و برون‌گرایی با رضایت از زندگی و امید به آینده رابطه مثبت دارد. این امر، همسو با بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی است.

از جملـه محدودیت‌های این پژوهش، محدودیت در روایی بیرونی می‌باشـد. جامعهٔ این پژوهش شـامل دانش‌آموزان شهرسـتان رباط‌کریم می‌باشـد. همچنین، پژوهش فقط در جامعهٔ دانش‌آموزی صورت گرفته است که ممکن است شخصیت دانش‌آموزان دبیرستانی به درستی شکل نگرفته باشد. این امر، می‌تواند در نتایج پژوهش اثرگذار باشد. ازاین‌رو، لازم است تعمیم‌پذیری با دقت صورت پذیرد و بـرای دسـتیابی به نتایـج دقیق‌تر، پژوهش‌های دیگـری در جوامع مختلف به عمل آید. بر اسـاس یافته‌هـای پژوهش، ویژگی‌های شـخصیتی نقـش مهمی در رضایـت از زندگی و امید بـه آینده دارد. خانواده، مدرسـه و رسانه جایگاه ویژه‌ای در شـکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی افراد دارند. بنابراین، همکاری جمعی متولیان امور سـلامت و خانواده، برنامه‌ریزان، نهادهای مذهبی، رسـانه‌های جمعی و مدارس و دانشـگاه‌ها را می‌طلبد. مهارت‌افزایی، آموزش ویژگی‌های شـخصیتی کارآمد، غنی‌سـازی کتب درسـی و تقویت مشـاورین مدارس می‌تواند زمینهٔ پرورش ویژگی‌های شـخصیتی رشدیافته را در بین دانش‌آموزان فراهم آورد.

---

۱. Wong, S. S
۲. Lim, T

## منابع

آقابابائی، ناصر (۱۳۹۱)، «رابطه صداقت و فروتنی با شخصیت، دین و بهزیستی فاعلی»، روان‌شناسی و دین، دورهٔ سوم، ش ۵، ص ۲۵-۴۰.
باقری، مسعود؛ بنی‌اسدی، حسن و داوری، صفورا (۱۳۹۰)، «رابطه دینداری و ابعاد شخصیت با سلامت روان معلمان شهرستان رودان»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دورهٔ نهم، ش ۵، ص ۷-۳۲.
بیاتی، علی‌اصغر؛ کوچکی، عاشور محمد و گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶)، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی»، روان‌شناسان ایرانی، دورهٔ یازدهم، ش ۳، ص ۲۵۹-۲۶۵.
تمیمی‌آمدی، عبدالوهاب بن محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات.
رضاپور، یاسر؛ عبدی، کیانوش؛ کریملو، مسعود و ریحانی، شهناز (۱۳۸۹)، «رابطه گرایش مذهبی و ابعاد شخصیت با رضایت دانشجویان کارورز توانبخشی از تجارب بالینی»، توان‌بخشی، دورهٔ اول، ش ۱۱، ص ۸-۱۴.
سرمدی، افسانه؛ داوودی، حسین؛ پیرانی، ذبیح و گیوکی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت NEO-R و رضایت زناشویی»، چکیده مقالات همایش روان‌شناسی و کاربرد آن در جامعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
صالحی، مبین (۱۳۹۵)، طراحی مداخله امید درمانگری اسلامی و مقایسه تأثیر آن با امیددرمانگری اشنایدر بر بهزیستی فاعلی افراد مبتلا به ام‌اس، رساله دکتری روان‌شناسی عمومی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
عطارزاده، عبدالکریم؛ مومبینی، شمس؛ کاظمی، زهرا؛ نامجو و ایزدپناه، اکبر (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه ساده و چندگانه بین ویژگی‌های شخصیت و وسواس با رضایت زناشویی»، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
علیزاده، محمدباقر (۱۳۹۱)، «بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، دورهٔ چهارم، ش ۲۳، ص ۱۸۹-۲۰۶.
فتحی‌آشتیانی، علی (۱۳۸۸)، آزمون‌های روان‌شناختی، تهران: بعثت.
قربانی، الهه؛ سعادتمند، سعید؛ سپهریان‌آذر، فیروزه؛ اسدنیا، سعید و فیضی‌پور، هایده (۱۳۹۲)، «رابطه امید اضطراب مرگ با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه ارومیه»، مجله پزشکی ارومیه، دوره هشتم، ش ۲۴، ص ۶۰۷-۶۱۸.
قلی‌زاده، زلیخا؛ برزگری، لیلی؛ غریبی، حسن و باباپور، جلیل (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی NEO-FFI با رضایت زناشویی»، دانشور رفتار، دورهٔ چهل و سوم، ش ۱۷، ص ۵۷-۶۶.
قهرمانی، نسیرین و نادری، محمدعلی (۱۳۹۱)، «رابطه بین مؤلفه‌های مذهبی- معنوی با سلامت روان و امید به آینده در کارکنان بیمارستان دولتی شیراز»، نشریه پرستاری ایران، دورهٔ هفتاد و نه، ش ۲۵، ص ۱-۱۱.
گلستانی‌نیا، ندا؛ شهنی‌ییلاق، منیجه و مکتبی، غلامحسین (۱۳۹۳)، «بررسی علّی خودکارآمدی تحصیلی و مشوق‌های انگیزشی منفی با عملکرد تحصیلی با میانجی‌گری ادراک کنترل، ارزش تکلیف، امید و نومیدی در دانش‌آموزان دختر سال دوم دبیرستان»، روان‌شناسی مدرسه، دورهٔ اول، ش ۳، ص ۸۳-۱۰۰.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
ملازاده، جواد (۱۳۷۲)، بررسی ویژگی‌های شخصیتی در رابطه عوامل تنیدگی‌های زناشویی در زوج‌های در حال طلاق و سازگار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
موحدی، یزدان؛ باباپور، جلیل و موحدی، معصومه (۱۳۹۳)، «اثربخشی آموزش گروهی مبتنی برویکرد امیددرمانی

برافزایش امید و بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان»، روان‌شناسی مدرسه، دورهٔ اول، ش ۳، ص ۱۱۶-۱۳۰.
نادری، فرح؛ حسینی و سیده‌مونس (۱۳۸۸)، «رابطه امید به زندگی و سرسختی روان‌شناختی»، اندیشه و رفتار، دورهٔ دوازدهم، ش ۳، ص ۵۷-۶۵.
نصیری، حبیب‌اله و جوکار، بهرام (۱۳۸۷)، «معناداری زندگی، امید، رضایت از زندگی و سلامت روان در زنان»، پژوهش زنان، دورهٔ دوم، ش ۶، ص ۱۵۷-۱۷۶.

Aponte, M.R, Amaya-Estupinan, L.C, & Rojas-Jimenez, Y.A, (2012), University students' social representations concerning sexual abstinence and the condom as prevention mechanisms, Revista de Salud Publica (Bogota), n. 14, p. 491-501.

Atienza, F.L, Balaguer, I, & Garcı´a-Merita, M.L, (2003), Satisfaction with Life Scale: analysis of factorial invariance across sexes, Personality and Individual Differences, n. 35, p. 1255–1260.

Bailey, T.C, & Snyder, C.R, (2007), Satisfaction with Life and Hope: A Look at Age and Marital Status, Psychological pecord, 57, (2), p. 51-67.

Barrick, M. R, & Mount, M. K, (1991), The big five personality dimensions and job performance: A mete analysis, Personnel Psychology, 44, (4), p. 1-26.

Bays, C, (1995), Older Adults Descriptions of Hope after Stroke, PhD Thesis, Cincinnati, Cincinnati, University of Houisville School of Nursing.

Chang, L.C, & Li, I.C, (2002), The Correlation between Perceptions of Control and Hope Status in Home-Based Cancer Patients, Journal of Nursing Research, 10, (1), p. 73-82.

Charania, M.R, (2007), Personality Influence on Marital Satisfaction: An Examination of Actor, Partner, and Interaction Effects, University of Texas at artington, 14, (2), p. 187-208.

Chew, P.K, (2008), Job stress, employee health, and life satisfaction, Journal of Occupational Health and safety, n. 47, p. 50-53.

DeNeve, K. M, & Cooper, H, (1998), The happy personality: A meta-analysis of personality traits and subjective well-being, Psychological Bulletin, n. 124, p. 197-229.

Diener, E, Diener, M, & Diener, C, (1995), "Factor predicting the subjective well-being of nations", Journal of Personality and Social Psychology, n. 69, p. 851-864.

Dijkstra, P, & Barelds. D.P.H, (2008), Self and partner personality and responses to relationship threats, Journal of Research in Personality, n. 42, p. 1500-1511.

Feldman, D.B, & Snyder, C.R, (2005), Hope and the Meaningful Life: Theoretical and Empirical Associations between Goal-directed Thinking and Life Meaning, Journal of Social and Clinical Psychology, 24(3), p. 401-421.

Fogarty, G.J, Machin, M.A, Albion, M.J, Sutherland, L.F, Lalor, G.I, & Revitt, S, (1999), Predicting occupational strain and job satisfaction: The role of stress, coping, personality, and affectivity variables, Journal of Vocational Behavior, 54, (3), p. 429–452.

Halama, P, (2010), Hope as a mediator between personality traits and life satisfaction, Studia psychological, n. 52, p. 309-315.

Halama, P,m, & Dedova, M, (2007), Meaning in life and hope as predictors of positive mental health: Do they explain residual variance not predicted by personality traits? Studia psychological, 49, (3), p. 191-200.

Hayes, N, & Joseph, S, (2003), Big 5 correlates of three measures of subjective well-being, Personality and individual difference, n. 34, p. 723-727.

Hosseinkhanzadeh, A.A, & Taher, M, (2013), The Relationship between Personality Traits with Life Satisfaction, Sociology Mind, 3, (1), p. 99-105.

Hough, L.M, (1992), The "Big Five" personality variables- construct confusion: Descriptions versus predictions, Human Performance, 5, (1), p. 139-155.

Hutzl, C.S, Midgett, A, Pacico, J.C, Bastianello, M.R, & Zanon, C, (2014), The Relationship of Hope, Optimism, Self-Esteem, Subjective Well-Being, and Personality, Brazilians and Americans Psychology, n. 5, p. 514-522.

Klein, D.N, Durbin, C.E, Shankman, S.A, & Santiago, N.J, (2002), "Depression and personality," in Handbook of Depression, Guilford Press, New York, p.: 115-140.

Lucas, R.E, & Donnellan, M.B, (2007), How stable is happiness? Using the STARTS model to estimate the stability of life satisfaction, Journal of Research in Personality, n. 41, p. 1091 - 1092.

Macaro, N, & Rosen, D.H, (2005), Existential meaning role in the enhancement of hope and prevention of depressive symptoms, Journal of personality, 73, (4), p. 985 - 1013.

McCrae, R. R, & John, O. P, (1992), An Introduction to the Five-Factor Model and Its Applications, Journal of Personality, n. 60, p. 175-215.

Meyer, G.J, & Kurtz, J.E, (2006), Advancing personality assessment terminology: time to retire "objective" and "protective" as personality test descriptors, Journal of Personality Assessment, 87, (3), p. 223-225.

Middleton, L.E.R, Burke, P.J, Cahill Lawrence, C.A, Blanchard, L. B, Amudala, N.H, & Rankin, S.H, (2013), Understanding motivations for abstinence among adolescent young women: insights into effective sexual risk reduction strategies, Journal of Pediatr Health Care, n. 27, p. 342-350.

Mount, M, Ilies, P, & Johnson, E, (2006), Relationship of personality traits and counterproductive work behaviors: The mediating effects of job satisfaction, Personnel Psychology, 59, (3), p. 591-622.

Musek, J, (2007), A general factor of personality: Evidence for the Big One in the five-factor model, Journal of Research in Personality, n. 41, p. 1213-1233.

Raleigh, E, (1992), Sources of Hope in Chronic Illness, Oncology Nursing Forum, 19 (5), p. 443-448.

Rebecca, A, & Pina, R, (2011), Depression and Self-Concept: Personality Traits or Coping

Styles in Reaction to School Retention of Hispanic Adolescents, Houston, Hindawi Publishing Corporation Depression Research and Treatment.

Rector, E.R, Kirk, A, & Johnson, P.h.D, (2005), Teenage Sexual Abstinence and Academic Achievemen, Washington, The Heritage Foundation.

Rigby, B.T, & Huebner, E.S, (2004), Do causal attributions mediate the relationship between personality characteristics and life satisfaction in adolescence? Psychology in the Schools, 42, (1), p. 91-99.

Rode, J.C, (2005), Life satisfaction and student performance, Academy of management learning and education, Journal of Social Behavior and Personality, 4, (3), p. 421-433.

Salami, S.O, (2009), Psychopathology and academic performance among Nigerian high school adolescents: The moderator effects of study behavior, self-efficacy and motivation, Journal of Social Sciences, n. 16, p. 25-330.

Seligman, M.E.P, (2002), Positive Psychology Positive Prevention and Positive therapy, in C. R. Snyder, S.J. Lopez (eds), Hand book of Positive Psychology, New York, Oxford University Press, p. 3-9.

Snyder, C. R, & Shane J.L, )2007(. Positive Psychology The Scientific and Practical Explorations of Human Strengths, Sage Publications LTD: London.

Snyder, C. R, Harris, C, Anderson, J.R, Holleran, S. A, Irving, S.A, Sigmon, S.T, Yoshinobu, L, Gibb, J, & Langelle, C, & Harney, P, (1991), The Will and the ways: development and validation of and individual – differences measure of hope, Journal of personality and social psychology, n. 60, p. 570 – 585.

Snyder, C.R, (2002), Hope Theory: Rainbows in the Mind, Psychological Inquiry, n. 13, p. 249-275.

Spotts, E. L, Lichtenstein, P, Pedersen, N, Neiderhiser, J. M, Hansson, K, Cederblad, M, & Reiss, D, (2005), Personality and marital satisfaction: a behavioral analysis, European Journal of Personality, 19, (3), p. 205-227.

Wilson, W.R, (1967), Correlates of avowed happiness, Psychological Bulletin, n. 67, p. 294-306.

Wong, S. S, & Lim, T, (2009), Hope versus Optimism in Singaporean Adolescents: Contributions to Depression in Life Satisfaction, Personality an Individual Differences, n. 46, p. 648-652.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره اول، پیاپی۷، بهار و تابستان۱۳۹۶، ص۱۰۲-۸۳

# رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی

# The Relationship between the Attachment Styles, Responsibility and Forgiveness and Marital Commitment

**سیده‌فاطمه رسولی** / کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
**سیده‌لیلا حسینی طبقدهی** / استادیار گروه مدیریت، واحد رامسر، دانشگاه آزاد اسلامی، رامسر، ایران leila.hosseitabaghdehi@yahoo.com
**عین‌الله مظلومی زیدی** / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

**Sayyida Fatima Rasuli** / MA of Psychology / Islamic Azad University, Sari
**Sayyida Leyla Husseini Tabaqdehi** / Assistant Professor in Department of Management / Islamic Azad University, Ramsar
**Aynullah Mazlumi Zeydi** / Assistant Professor in Islamic Azad University, Sari

## چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی می‌باشد. این پژوهش با روش توصیفی انجام شد. جامعهٔ آماری این پژوهش، کارکنان متأهل دانشگاه علوم پزشکی شهرستان ساری تشکیل بودند که تعداد ۲۶۵ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از چهار پرسش‌نامهٔ تعهد زناشویی آدامز و جونز، پرسش‌نامهٔ مقیاس دلبستگی هازن و شیور، مقیاس مسئولیت‌پذیری گاف و مقیاس سنجش بخشودگی بین‌فردی احتشام‌زاده و همکاران استفاده شد. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره به روش همزمان استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری

## ABSTRACT

The present study aims at investigating the relationship between attachment styles, responsibility and forgiveness and marital commitment. It was done through a descriptive method. The statistical population of the study was composed of married personnel in university of medical sciences in Sari city. 256 of them were selected through random selection. To gather data, we used four questionnaires as follows: Adams and Jones Marital Commitment Questionnaire, Hazan and Shaver Attachment Scale Questionnaire, Harrison Gough's Responsibility Scale, and Ehteshamzade et al Interpersonal Forgiveness Scale. To analyze data, we used descriptive statistics and Pearson's correlation coefficient as well as multi-variable regression simultaneously. The findings showed that there is a meaningful relationship between attachment styles,

و بخشودگی با تعهد زناشویی رابطهٔ معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین سه خرده‌مقیاس سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی ایفا می‌کند. همچنین، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی نیز توانایی پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی را دارند. به‌طورکلی، نتایج پژوهش حاکی از نقش مهم و تأثیرگذار متغیرهای دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی در پیش‌بینی تعهد زناشویی بود.

**کلیدواژه‌ها:** تعهد زناشویی، سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری، بخشودگی.

responsibility and forgiveness and marital commitment. The results of regression analysis showed that among three subscales of attachment styles, safe attachment style plays a greater role in predicting the variable of marital commitment. Besides, responsibility and forgiveness are able to predict marital commitment. In general, the findings of the study suggest the important and influential role of the variables of attachment, responsibility and forgiveness in predicting marital commitment.

**KEY WORDS:** marital commitment, attachment styles, responsibility, forgiveness.

## مقدمه

«ازدواج»، یک پیوند مقدس، عقلانی و عاطفی بین دو نفر، جهت رسیدن به خانواده‌ای مستقل، که فرد در سایه آن حس آرامش، هماهنگی، همدلی و همسویی در زندگی می‌کند. ازدواج، عاملی برای رشد، شکوفایی، تکامل طرفین و رفع نیازهای اساسی انسان است. به عبارت دیگر، ازدواج سنگ بنای خانواده است و می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در زندگی هر فرد دانست (حفاظی طرقبه، فیروزآبادی و حق‌شناس، ۱۳۸۵). تعهد، جاذبه و تفاهم، سه رکن اساسی ازدواج موفق است. در واقع، تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل سه رکن اساسی ازدواج موفق است. در واقع، تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کنندهٔ کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (رضایی، احمدی، اعتمادی و رضایی حسین‌آبادی، ۱۳۹۱). تعهد زناشویی، را می‌توان احساس تداومی که در جاذبه و محدودیت‌ها پیدا می‌شود، تعریف کرد (نلسون، کرک، ان و سرس[۱]، ۲۰۱۱). آدامز و جونز[۲] (۲۰۰۴)، تعهد زناشویی را به‌عنوان تمایل زوجین برای تداوم رابطه زناشویی بدون توجه به نوسان میزان رضایتمندی تعریف کرده‌اند. آماتو[۳] (۲۰۰۸)، معتقد است: تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه اندازه برای روابط زناشویی خود، ارزش قائلند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند. سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت‌های حل‌مسئله مناسب‌تر و رضایت زناشویی ارتباط دارد

۱. Nelson J.A, Kirk A.M, Ane P, Serres S.A
۲. Adams, J. M, Jones, W. H
۳. Amoto, P.R

(مسترز[۱]، ۲۰۰۸؛ کاپینوس و جانسون[۲]، ۲۰۰۳). در مقابل، زوج‌هایی که در مورد تعهد خود در برابر همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده باشند و رفتاری دوسوگرایانه را تعقیب می‌کنند، در ازدواج و کارکرد با دیگران دچار مشکل خواهند شد و غالباً نتیجهٔ این امر بی‌وفایی خواهد بود. در این میان، «تعهد» ابزاری است که میزان امنیت و فاصله از شریک زندگی را پدید می‌آورد (عباسی مولید، فاتحی‌زاده و قمرانی، ۱۳۹۲).

از منظر آموزه‌ها و تعالیم اسلام که برنامهٔ سعادت و تکامل بشر از سوی خداوند است، خانواده دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است. با نگاهی به مفهوم خانواده در قرآن کریم، روشن می‌شود که اولاً، از ازدواج و شروع شکل‌گیری خانواده به‌عنوان «میثاق غلیظ» و پیوندی مستحکم و پایدار یاد شده است (نساء: ۲۱). ثانیاً، حریم خانواده، حریم امنیت، سکونت و پایگاه مؤانست و الفت و رحمت معرفی شده (روم: ۲۱) که برای ورود به این حریم، ادب و آدابی از جمله استیناس و استیذان (نور: ۲۷) مقرر می‌گردد. براین‌اساس، خداوند متعال از یک سو، خانواده را مهم‌ترین پایگاه پاسخگوی نیاز ذاتی و طبیعی انسان، یعنی سکونت و مؤانست می‌شمارد و از سوی دیگر، انسان را به رعایت تقوای الهی در این حریم دعوت می‌کند و او را نسبت به همهٔ اعضای خانواده و ارحام مسئول و پاسخگو می‌داند (نساء: ۱) و خداباوری و عبودیت را رمز قوت این کانون می‌شمارد (میرخانی، ۱۳۹۱، ص ۹۹۱). زمانی که قرآن صفات مؤمنان را یادآور می‌شود، به پایبندی به تعهدات زندگی‌شان و وفادار بودن به همسرشان اشاره می‌کند (مؤمنون: ۸). حضرت علی† می‌فرمایند: «شخصی که وفادار باشد سه صفت خوب در زندگی‌اش پایدار می‌شود: ۱. به او احترام می‌شود؛ ۲. آرامش دارد؛ ۳. رحمت الهی از نظر مادی و معنوی بر او نازل می‌شود» (نهج‌البلاغه، خ ۴۱). ازاین‌رو، به نظر می‌رسد تعهد به ازدواج، هدف مقدسی برای زوج‌های مذهبی است و این دسته از زوجین معتقدند: آنها نه تنها در قبال همسر خود باید متعهد باشند، بلکه در برابر خداوند نیز برای حفظ رابطه خود بایستی تعهد داشته باشند. بنابراین، مذهب دیدگاهی به زوجین می‌دهد که به آنها کمک می‌کند تا در مشکلات به یکدیگر متعهد بمانند (ماهونی، ۲۰۰۵).

به‌طورکلی، مطالعات پیرامون مفهوم تعهد در ازدواج از دههٔ ۱۹۹۰ آغاز شد و پژوهشگران از طریق مدل‌ها و نظریه‌های گوناگون، به مفهوم‌سازی و تبیین آن پرداختند. در میان اندیشمندان متعددی که در رابطه با تعهد زناشویی نظریه‌پردازی کرده‌اند؛ جانسون[۳] و همکاران (۱۹۹۹) مدلی ارائه داده است که در آن تعهد زناشویی به سه نوع تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری تقسیم می‌شود. این سه قسمت تعهد مربوط به رضایت از رابطه می‌باشند. تعهد شخصی، به‌معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است. این تعهد، منعکس‌کنندهٔ تلقی‌های فرد نسبت به

۱. Masters, A
۲. Kapinus, C. A, Johnson, M. P
۳. Johnson M.P

شـریک زندگی و رابطـه‌اش و همچنین میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد اسـت (رامیرز[۱]، ۲۰۰۸). منظـور از تعهد اخلاقی، میزان احسـاس تعهد فرد به ادامه رابطه اسـت. ارزش‌ها و باورهای بنیادین فرد دربارهٔ مسیر رفتار صحیح در رابطه، در محوریت تجربهٔ تعهد اخلاقی است (جانسون و همکاران، ۱۹۹۹). ایـن تعهـد منعکس‌کنندهٔ باور فرد به قداسـت حرمـت رابطه، میل به سـازگاری ارزش‌های طرفین و حس تعهد اخلاقی نسـبت به شریک زندگی و رابطه است (نلسون و همکاران، ۲۰۱۱). تعهد ساختاری، به‌معنای میزان احساس شریک زندگی نسبت به تعهد به ادامه رابطه عاشقانه‌شان است. تعهد سـاختاری، به این معناسـت که فرد احساس می‌کند به دلیل عوامل خارجی باید در رابطه باقی بماند (تانگ و کوران[۲]، ۲۰۱۲). تأثیر موانع یا محدودیت‌ها در اتمام رابطه، سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی مربوط به گذشته و حال، وجود جایگزین‌های قابل قبول برای رابطه، همه و همه به‌عنوان عوامل محوری تعهد ساختاری تلقی می‌شوند (جانسون و همکاران، ۱۹۹۹).

عوامل مختلفی بر سـطح تعهد زوجین مؤثر اسـت. یکی از مدل‌های تبیینی و رویکردهای مشـهور در این زمینه، نظریهٔ سبک‌های دلبستگی است. مهم‌ترین خصوصیت نظریه دلبستگی بالبی، اشاره به اثرات بلندمدت تجربیات مرتبط با دلبسـتگی اسـت. بالبی معتقد است: دلبستگی در رابطهٔ والد- کودک به رابطهٔ عاشـقانهٔ بزرگسـالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شـناخت، هیجانات در هر زمانـی از زندگـی، از نوزادی تا بزرگسـالی تأثیر بگذارد. کیفیت و الگوی دلبسـتگی در روابط عاشـقانهٔ بزرگسالی ممکن است شبیه الگوی دلبستگی فرد در رابطه با والدینش باشد.

اگرچه نظریهٔ بالبی در اصل دربارهٔ پیوند عاطفی بین کودک یا جانشـین وی ارائه شـده است، ولی پژوهش‌های انجام شده از اوایل دههٔ ۱۹۸۰ به بعد (مانند اینزورث ۱۹۸۵؛ کوبک و اسکیری، ۱۹۸۸) دلایلی برای ارتباط بین اصول وابستگی با روابط نزدیک بزرگسالان ارائه دادند و این دلایل بر تحلیل کنش‌های رابطهٔ دلبستگی متمرکز است. پیوند دلبستگی به طور خاص، شامل حفظ نزدیکی، پایگاه امن و اعتراض جدایی اسـت. بر اساس نظر بسـیاری، از جملهٔ این ویژگی‌های رابطهٔ کودک- مراقب قابل تعمیم به بسیاری از روابط بزرگسالان با نزدیکان خود، اعم از خویشان و دوستان صمیمی است. در دوران بزرگسالی، دلبستگی‌های قدیمی باقی مانده و وابستگی‌های جدیدی ایجاد می‌شود. روابط دلبستگی بزرگسالی دارای کیفیت دوجانبه هستند که دلبستگی‌های نامتقارن کودکی هرگز دارای آن نبودند. هدف از نظام دلبستگی حتی برای بزرگسالان، دسترسی به چهرهٔ دلبستگی است. البته برای بزرگسالان ممکن است تماس بدنی واقعی غالباً ضروری نباشد (رشیدی، ۱۳۹۳).

در حمایت از این نظریه، پژوهش کولین و فینی (۲۰۰۰) که به بررسی ارتباط حمایت‌جویی، روابط بین‌فـردی صمیمی و تفاهم زناشـویی پرداخته اسـت، نشـان داد که سـبک دلبسـتگی ایمن باعث

۱. Ramirez, A

۲. Tang, C. Y, Curran, M. A

می‌شود تا تداوم بیشتری در روابط بین‌فردی صمیمی و ایجاد تفاهم زناشویی به وجود آید و همواره سبک دلبستگی اجتناب به دنبال حمایت‌جویی مؤثر نمی‌رود. به علاوه سبک دلبستگی مضطرب بی‌توجهی ضعیفی را به همسر خویش نشان می‌دهد. همچنین، اسکندری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «رابطهٔ سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افراد مرتکب بی‌وفایی زناشویی» به این نتیجه رسیدند که هرچقدر میزان سبک دلبستگی اضطرابی در افراد با روابط فرازناشویی بیشتر باشد، میزان تعهد زناشویی نیز در آنها کمتر خواهد بود، و هرچقدر میزان دلبستگی اجتنابی بیشتر باشد، میزان تعهد زناشویی نیز در افراد با خیانت زناشویی کمتر خواهد بود، و سبک دلبستگی ایمن در افراد با خیانت زناشویی پیش‌بینی‌کنندهٔ تعهد زناشویی آنها نمی‌باشد. مطالعه هادی، اسکندری، سهرابی، معتمدی و فرخی (۱۳۹۵)، نشان داد که اثر مستقیم سبک دلبستگی اضطرابی بر تعهد زناشویی معنادار نبوده، اما اثر غیرمستقیم و کل آن با میانجیگری خودکنترلی و طرح‌واره‌های ناسازگار معنادار بود که این نشان می‌دهد اثری که دلبستگی اضطرابی بر تعهد زناشویی دارد به واسطهٔ اثر متغیرهای خودکنترلی و طرح‌واره‌های ناسازگار می‌باشد. در نهایت، نتایج پژوهش پیستول و لورانس[۱] (۱۹۹۹)، نشان داد اشخاصی که در رابطه، دلبستگی دل‌مشغول یا ایمن را تصدیق کرده بودند، وفاداری شخصی قوی‌تری نسبت به افرادی که دلبستگی اجتنابی بیمناک یا دلبستگی اجتنابی را تصدیق کرده بودند، داشتند.

از سوی دیگر، با توجه به رویکرد صفات، یکی از ویژگی شخصیتی مرتبط با تعهد زناشویی، مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی است. مسئولیت‌پذیری، اشاره به خلق‌وخوی قابل اعتماد، هشیار، مسئول و منظم دارد و خود مسئولیت‌پذیر در هنگام مواجه با بازخورد منفی دربارهٔ یک عمل یا تصمیم، منابع بیشتری را برای عمل و ایستادگی در حل مشکلات اختصاص می‌دهد (اسچلولز- هارت، تورو- کرونینگ و فری[۲]، ۲۰۰۹، به نقل از: زارع بهرام‌آبادی، دره و اژدری، ۱۳۸۹). مسئولیت‌پذیری، رفتار تکلیف‌محور و هدف‌محور را شامل می‌شود و مشخص می‌کند که یک نفر تصمیم خود را برای انجام یک عمل ادامه می‌دهد و به سرانجام می‌رساند. در این زمینه پژوهش جارویس[۳] (۲۰۰۶)، نشان داد که از بین عوامل شخصیتی نئو، وظیفه‌شناسی و وجدان‌گرایی بالا، تعهد زناشویی افراد را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، فوروکاو[۴] و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که زنان وظیفه‌شناس، شوهرانشان را با صفاتی مانند حمایت‌کننده، شریف و کمتر کنترل‌کننده توصیف می‌کنند و همواره تلاشی هدفمند برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود نشان می‌دهند (به نقل از: احدی، ۱۳۸۶). پژوهش‌های مختلفی از جمله فتاحی و همکاران (۱۳۹۴)، عبدی و همکاران (۱۳۹۴)، ممبینی‌نیا (۱۳۹۳)، بین

۱. Pistol, M. C, lorance, C. V
۲. Schulz, H, Thurow, K, Fery
۳. Jarvis, M. O
۴. Forocav

مسـئولیت‌پذیری و تعهد زناشـویی زنان و مـردان رابطهٔ معناداری را گزارش کرده‌اند. بر اسـاس این پژوهش‌ها، مسـئولیت‌پذیری بالا می‌تواند تعهد زناشـویی بالا در مردان و زنان را پیش‌بینی کند و در افراد متأهل هرچه مسئولیت‌پذیری بالاتر باشد، تعهد زناشویی نیز بالاتر است.

علاوه بر سبک‌های دلبستگی و ویژگی شخصیتی مسئولیت‌پذیری که به نظر می‌آید بیشتر تأثیرات زمینه‌ای بر تعهد زناشـویی داشـته باشـند، بخشـودگی نیز به‌عنوان یـک عامل پسـینی تأثیرگذار بر رضایت و تعهد زناشویی محسوب می‌شود (زکی یی، خدادادی، علیخانی، رستمی و کرمی، ۱۳۸۹). باسـکین و انرایـت[۱] (۲۰۰۴) معتقدنـد: بخشـودگی، مجموعـه‌ای از تغییرات انگیزشـی اسـت که در نتیجهٔ یک خطای درون‌فردی رخ می‌دهد، زمانی که یک فرد صدمه دیده، فرد خاطی را می‌بخشـد و انگیزش‌هـای اساسـی او ماننـد انتقام‌جویـی و اجتناب از تماس بـا فرد خاطی کم می‌شـود، دیگر انگیزش‌های سـاختاری- رابطه‌ای همچون انگیزش برای از سـرگیری یـک رابطه مثبت بازگردانده می‌شـود. این تغییرات انگیزشـی اتفاق می‌افتد، حتی اگرچه در اکثر موارد قربانی به ارزیابی اقدامات مضـر و صدمه‌زننـدهٔ فـرد خاطی ادامـه دهد و آنهـا را ناعادلانـه بدانـد. کارمیچـل[۲] (۲۰۰۳)، درباره بخشـودگی می‌گوید: «بخشـودگی به‌عنوان یک تجربه هیجانی در موقعیت‌های درون‌فردی، میان فرد خاطی و فرد قربانی خود را نشان می‌دهد» (به نقل از: زهتاب نجفی، درویژه و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰). در همیـن رابطـه فینچام، پلیـری و رگالیا[۳] (۲۰۰۲) نیز بخشـودگی را به‌عنوان عاملـی در تحلیل بهتر تعارضات زناشویی و در نهایت، دستیابی به رضایتمندی و سازگاری زناشویی بهتر توصیف کرده‌اند. همچنین، محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشـی با عنوان «بررسی رابطه صمیمیت زناشویی و بخشودگی با تعهد زناشویی در کارکنان زن متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر شاهرود» به این نتیجه رسید که بین صمیمیت زناشـویی و بخشودگی با تعهد زناشـویی رابطهٔ معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بخشودگی می‌تواند تعهد زناشویی را پیش‌بینی کند.

بـا مـرور پژوهش‌هـای پیشـین و با توجـه به افزایـش روزافـزون آمار طـلاق و پیمان‌شـکنی‌های زناشـویی، تحقیقات پیشگیرانه جهت شناسـایی عوامل سبب‌ساز و مرتبط با تعهد زناشویی ضروری بـه نظر می‌رسـد. با وجود تحقیقـات متعددی که رابطهٔ هر یـک از متغیرهای پژوهـش را به صورت جداگانه با تعهد زناشـویی بررسـی کرده‌اند؛ اما پژوهشـی که به صورت همزمان به رابطهٔ سبک‌های دلبستگی، مسـئولیت‌پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی پرداخته باشد، یافت نشد. بنابراین، این پژوهش به بررسـی رابطهٔ سـبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشـودگی با تعهد زناشویی در کارکنان متأهل علوم پزشکی ساری پرداخته و سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین را در رابطه با تعهد زناشویی مشخص می‌کند.

۱. Baskin T, Enirght, R
۲. Karmichael
۳. Finchan, F, Paleri, G, Recalia, C

## روش پژوهش

این پژوهش، مقطعی- توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش، سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا/ اضطرابی)، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی (کنترل انتقام‌جویانه، کنترل رنجش، درک واقع‌بینانه) به‌عنوان متغیر پیش‌بین و تعهد زناشویی (تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری) به‌عنوان متغیر ملاک بود. جامعهٔ آماری پژوهش، همهٔ کارکنان متأهل دانشگاه علوم پزشکی شهرستان ساری بودند که ۲۶۵ نفر آنها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و از آنها خواسته شد تا به ابزارهای پژوهش پاسخ دهند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

**پرسش‌نامه استاندارد شده تعهد زناشویی:** این پرسش‌نامه توسط آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ تهیه شده و دارای ۴۴ سؤال و سه بُعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. این ابعاد عبارتند از: تعهد شخصی، تعهد اخلاقی، تعهد ساختاری.

آدامز و جونز، در شش پژوهش گوناگون برای به دست آوردن پایایی و روایی پرسش‌نامه، آن را بر روی ۴۷۰ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات، همبستگی هر سؤال با نمرهٔ کل آزمون بالا و معنادار بود. به‌طورکلی، ابعاد این پرسش‌نامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز، میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه مذکور به این شرح به دست آوردند: تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶. در این پژوهش، آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۶۶، تعهد اخلاقی ۰/۷۶، تعهد ساختاری ۰/۷۸ و برای کل آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۸۷ به دست آمد.

**مقیاس دلبستگی هازن و شیور[1]:** برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سبک دلبستگی، از پرسش‌نامه هازن و شیور (۱۹۹۵) استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۱۵ سؤال است که سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در خرده‌مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده‌مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ محاسبه شد که نشان‌دهندهٔ همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال بوده است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شد.

**مقیاس مسئولیت‌پذیری (CPI-RE):** برای سنجش میزان مسئولیت‌پذیری از خرده‌مقیاس مسئولیت‌پذیری پرسش‌نامه شخصیتی کالیفرنیا [2] استفاده شده است. این پرسش‌نامه ۴۶۲ سؤال دارد که ۴۲ ماده از آن مربوط به حس مسئولیت‌پذیری است. این پرسش‌نامه برای نخستین‌بار

۱. Hazan C, Shaver P

۲. California Psychological Inventory (CPI)

توسط هارسیون گاف[۱] در سال ۱۹۵۱ منتشر شد. در پژوهشی، ضرایب پایایی مقیاس مسئولیت‌پذیری به سه روش دونیمه‌سازی سؤالات فرد و زوج، آلفای کرونباخ و گتمن محاسبه شده است که به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۰ و ۰/۶۹ به‌دست‌آمده است و حاکی از پایایی مطلوب مقیاس مذکور می‌باشد. همچنین، بـر اسـاس نتایج این پژوهـش برای بررسـی ضرایب اعتبـار خرده‌مقیاس مسـئولیت‌پذیری، از روش ملاکی همزمان اسـتفاده شـده اسـت و مقدار آن برابر با ۰/۶۱ بود، که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد و حاکـی از اعتبـار مطلوب و رضایت‌بخش مقیاس مذکور اسـت (به نقـل از: طباطبایی و طباطبایی، کاکایی و محمدی آریا، ۱۳۹۱).

**مقیاس سنجش بخشودگی بین‌فردی احتشام‌زاده و همکاران:** این پرسش‌نامه در سال ۱۳۸۹ در ایران ساخته شد. هدف آن، سنجش میزان بخشودگی بین‌فردی و ابعاد آن در افراد مختلف می‌باشد. پژوهش احتشـام‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، جهت سـنجش روایی مقیاس بخشودگی در خانواده اصلی اسـتفاده شـد که همبستگی بین این دو مقیاس معنادار به دسـت آمد. این رابطه حاکی از روایی خوب این مقیاس می‌باشد. همچنین، پایایی پرسش‌نامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنهٔ ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر به‌معنای عدم پایداری، تا مثبت یک به‌معنای پایایی کامل قرار می‌گیرد و هرچه مقدار به‌دست‌آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشـد، قابلیت اعتماد پرسش‌نامه بیشـتر می‌شـود. آلفای کرونباخ ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی ۰/۷۷، کنترل رنجش ۰/۶۶، درک و فهم واقع‌بینانه ۰/۵۷ و کل پرسش‌نامه ۰/۸۰ می‌باشد.

## یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه، شامل ۲۶۵ نفر (۱۴۰ زن و ۱۲۵ مرد) آزمودنی بود که ۸/۷ درصد پاسخ‌دهندگان زیر ۳۰ سـال، ۴۴/۹ درصد، ۳۰ تا ۴۰ سـال؛ ۳۵/۵ درصد، ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۰/۹ درصد، بالای ۵۰ سال سن داشتند. از نظر تحصیلات، ۱۱/۷ درصد پاسخ‌دهندگان دیپلم، ۷/۹ درصد کاردانی، ۳۰/۶ درصد کارشناسـی، ۴۲/۶ درصد کارشناسی ارشـد و ۷/۲ درصد دارای مدرک دکتری بودند. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

۱. Gough

**جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری بخشودگی و تعهد زناشویی**

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱. دلبستگی ایمن | ۱ | | | | | | | | | |
| ۲. ناایمن اجتنابی | ۰/۳۴** | ۱ | | | | | | | | |
| ۳. ناایمن دوسوگرا | ۰/۴۹** | ۰/۱۷** | ۱ | | | | | | | |
| ۴. سبک دلبستگی کل | ۰/۸۲** | ۰/۵۸** | ۰/۷۷** | ۱ | | | | | | |
| ۵. مسئولیت‌پذیری | -۰/۳۷** | -۰/۰۶** | -۰/۱۱ | -۰/۲۶** | ۱ | | | | | |
| ۶. کنترل انتقام‌جویانه | -۰/۱۵* | ۰/۰۶ | -۰/۰۷ | -۰/۱۳* | ۰/۱۴* | ۱ | | | | |
| ۷. کنترل رنجش | -۰/۳۰** | -۰/۰۶ | -۰/۱۶** | -۰/۲۵** | ۰/۱۱ | ۰/۴۸** | ۱ | | | |
| ۸. درک واقع‌بینانه | -۰/۲۲** | ۰/۰۱ | -۰/۰۳ | -۰/۱۳ | ۰/۲۰** | ۰/۳۵** | ۰/۰۹ | ۱ | | |
| ۹. بخشودگی کل | -۰/۲۹** | -۰/۰۵ | -۰/۱۲* | -۰/۲۳** | ۰/۲۰** | ۰/۸۶** | ۰/۷۲** | ۰/۶۱** | ۱ | |
| ۱۰. تعهد زناشویی | -۰/۳۷** | ۰/۰۴ | ۰/۴۳** | -۰/۴۰** | ۰/۲۳** | ۰/۳۵** | ۰/۲۷** | ۰/۴۵** | ۰/۴۸** | ۱ |
| **M** | ۱۸/۶۳۷ | ۱۳/۵۲۴ | ۱۵/۹۱۷ | ۴۸/۰۷۹ | ۲۸/۲۶۴ | ۳۱/۱۷۷ | ۱۷/۰۱۸ | ۱۹/۶۱۸ | ۶۷/۸۱۵ | ۱۶۶/۴۶ |
| **SD** | ۳/۹۲۹ | ۳/۰۰۵ | ۳/۵۱۶ | ۷/۷۳۶ | ۵/۴۸۱ | ۳/۶۳۲ | ۳/۱۶۷ | ۲/۸۲۶ | ۷/۱۶۲ | ۲۰/۹۲۴ |

*P< ۰/۰۵ **P< ۰/۰۱

جدول ۱، نشـان می‌دهد که بیشـترین سـطح بین شـرکت‌کنندگان در سبک دلبسـتگی مربوط به سبک دلبسـتگی ایمن (۱۸/۶۳) و در خرده‌مقیاس‌های بخشودگی در کنترل انتقام‌جویانه (۳۱/۱۷) می‌باشد. میانگین نمرهٔ متغیر تعهد زناشویی در بین شرکت‌کنندگان، ۱۶۶/۴۶ با انحراف معیار ۲۰/۹۲ به دسـت آمد. طبق ماتریس همبستگی بین سبک دلبستگی ناایمن دو سوگرا، مسئولیت‌پذیری، هر سـه خرده‌مقیاس بخشـودگی و متغیر بخشـودگی کل با تعهد زناشـویی رابطه مثبت و معنادار و بین سـبک دلبسـتگی ایمن و دلبستگی کل با تعهد زناشـویی رابطه همبسـتگی منفی و معناداری وجود دارد. همچنیـن، نتایج نشـان می‌دهد ارتباط بین خرده‌مقیاس سـبک دلبسـتگی ناایمن اجتنابی و تعهد زناشویی معنادار نیست.

بـه منظـور تعیین سـهم هر یـک از خرده‌مقیاس‌هـای سـبک‌های دلبسـتگی در پیش‌بینی تعهد زناشویی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن به شرح ذیل است.

**جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به تعهد زناشویی از طریق سبک‌های دلبستگی**

| مدل | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| رگرسیون | ۲۶۱۵۰/۹۰۴ | ۳ | ۸۷۱۶/۹۶۸ | ۲۵/۴۳۷ | ۰/۴۷۶ | ۰/۲۲۶ | ۰/۲۱۷ | ۰/۰۰۰ |
| باقیمانده | ۸۹۴۴۰/۹۳۰ | ۲۶۱ | ۳۴۲/۶۸۶ | | | | | |
| کل | ۱۱۵۵۹۱/۸۳۴ | ۲۶۴ | | | | | | |

نتایج جدول ۲، نشان‌دهندهٔ آن است که با توجه به ضریب همبستگی چندگانه R=۰/۴۷۶، شدت رابطه بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین متوسط بوده است. همچنین، مجذور ضریب همبستگی چندگانه R۲=۰/۲۲۶، بیانگر این است که متغیرهای پیش‌بین (مؤلفه‌های سبک دلبستگی)، ۲۲/۶ درصد از تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) را تبیین می‌کنند. نسبت میانگین مجذورات رگرسیون بر باقیمانده بسیار بالا است و آزمون (F=۲۵/۴۳۷) با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. نگاه به سطح معناداری مدل، حاکی از این واقعیت است که مدل رگرسیون به‌دست‌آمده قابلیت پیش‌بینی متغیر ملاک را دارد.

**جدول ۳. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیر تعهد زناشویی**

| مدل | ضرایب استاندارد نشده | | ضرایب استاندارد شده | T | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| | B | اشتباه معیار | بتا | | |
| ثابت | ۲۱۴/۱ | ۷/۲۷۱ | | ۲۹/۴۴۶ | ۰/۰۰۰ |
| سبک ایمن | -۱/۱۸۲ | ۰/۳۳۹ | -۰/۲۲۲ | -۳/۴۸۴ | ۰/۰۰۱ |
| ناایمن اجتنابی | ۰/۴۶۵ | ۰/۳۹۱ | ۰/۰۶۷ | ۱/۱۸۸ | ۰/۲۳۶ |
| ناایمن دوسوگرا | -۲/۰۰۴ | ۰/۳۷۴ | -۰/۳۳۷ | -۵/۳۶۴ | ۰/۰۰۰ |

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، آزمون t محاسبه شده (۱/۱۸۸) برای متغیر پیش‌بین ناایمن اجتنابی با متغیر ملاک تعهد زناشویی معنادار نشده است و آزمون t محاسبه شده برای متغیرهای پیش‌بین سبک ایمن و سبک ناایمن دوسوگرا با متغیر ملاک تعهد زناشویی با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار شده است. همچنین، ضرایب رگرسیون استاندارد شده نیز نشان می‌دهد که اثر متغیرهای سبک‌های ایمن و ناایمن دوسوگرا در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی به ترتیب ۰/۲۲۲- و ۰/۳۳۷- می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: متغیر سبک ایمن سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی دارد.

به‌منظور تعیین سهم متغیر مسئولیت‌پذیری در پیش‌بینی تعهد زناشویی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن به شرح زیر است.

**جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به تعهد زناشویی از طریق مسئولیت‌پذیری**

| مدل | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| رگرسیون | ۶۵۸۶/۶۴۰ | ۱ | ۶۵۸۶/۶۴۰ | ۱۵/۸۹۲ | ۰/۲۳۹ | ۰/۰۵۷ | ۰/۰۵۳ | ۰/۰۰۰ |
| باقیمانده | ۱۰۹۰۰۵/۱۹۴ | ۲۶۳ | ۴۱۴/۴۶۸ | | | | | |
| کل | ۱۱۵۵۹۱/۸۳۴ | ۲۶۴ | | | | | | |

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد که با توجه به ضریب همبستگی چندگانه R=۰/۲۳۹، شدت رابطه بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین ضعیف بوده است. همچنین، مجذور ضریب همبستگی چندگانه R۲=۰/۰۵۷، بیانگر این است که متغیر پیش‌بین (مسئولیت‌پذیری)، تنها ۵/۷ درصد از تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) را تبیین می‌کنند. نسبت میانگین مجذورات رگرسیون بر باقیمانده بسیار بالا است و آزمون (F=۱۵/۸۹۲) با سطح معناداری (sig =۰/۰۰۰) با ۹۵ درصد اطمینان معنادار می‌باشد. نگاه به سطح معناداری مدل نیز حاکی از این واقعیت است که مدل رگرسیون به‌دست‌آمده قابلیت پیش‌بینی متغیر ملاک را دارد.

**جدول ۵. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیر تعهد زناشویی**

| مدل | ضرایب استاندارد نشده | | ضرایب استاندارد شده | T | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| | B | اشتباه معیار | بتا | | |
| ثابت | ۱۴۰/۷۰۷ | ۶/۵۸۰ | | ۲۱/۳۸۳ | ۰/۰۰۰ |
| مسئولیت‌پذیری | ۰/۹۱۱ | ۰/۲۲۹ | ۰/۲۳۹ | ۳/۹۸۶ | ۰/۰۰۰ |

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، آزمون t محاسبه شده (۳/۹۸۶) برای متغیر پیش‌بین مسئولیت‌پذیری با متغیر ملاک تعهد زناشویی معنادار شده است. همچنین، ضرایب رگرسیون استاندارد شده نشان می‌دهد که اثر متغیر مسئولیت‌پذیری در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی (۰/۲۳۹) می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: متغیر مسئولیت‌پذیری قابلیت پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی دارد.

به‌منظور تعیین سهم هر یک از خرده‌مقیاس‌های بخشودگی در پیش‌بینی تعهد زناشویی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن به شرح زیر است.

**جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به تعهد زناشویی از طریق خرده‌مقیاس‌های بخشودگی**

| مدل | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| رگرسیون | ۳۱۸۱۲/۰۳۸ | ۳ | ۱۰۶۰۴/۰۱۳ | ۳۳/۰۳۵ | ۰/۵۲۵ | ۰/۲۷۵ | ۰/۲۶۸ | ۰/۰۰۰ |
| باقیمانده | ۸۳۷۷۹/۷۹۶ | ۲۶۱ | ۳۲۰/۹۹۵ | | | | | |
| کل | ۱۱۵۵۹۱/۸۳۴ | ۲۶۴ | | | | | | |

نتایج جدول ۶، نشان می‌دهد که با توجه به ضریب همبستگی چندگانه R=۰/۵۲۵، شدت رابطه بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین متوسط بوده است. همچنین، مجذور ضریب همبستگی چندگانه R۲=۰/۲۷۵، بیانگر این است که متغیرهای پیش‌بین (مؤلفه‌های بخشودگی)، تنها ۲۷/۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) را تبیین می‌کنند. نسبت میانگین مجذورات رگرسیون بر باقیمانده بسیار بالا است و آزمون (F=۳۳/۰۳۵) با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) با ۹۵ درصد اطمینان معنادار می‌باشد. نگاه به سطح معناداری مدل نیز حاکی از این واقعیت دارد که مدل رگرسیون به‌دست‌آمده قابلیت پیش‌بینی متغیر ملاک را دارد.

**جدول ۷. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیر تعهد زناشویی**

| مدل | ضرایب استاندارد نشده | | ضرایب استاندارد شده | T | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| | B | اشتباه معیار | بتا | | |
| ثابت | ۶۵/۷۲۴ | ۱۰/۷۶۳ | | ۶/۱۰۶ | ۰/۰۰۰ |
| کنترل انتقام‌جویانه | ۰/۷۶۵ | ۰/۳۷۲ | ۰/۱۳۳ | ۲/۰۵۸ | ۰/۰۴۱ |
| کنترل رنجش | ۱/۱۷۱ | ۰/۴ | ۰/۱۷۷ | ۲/۹۲۷ | ۰/۰۰۴ |
| درک و فهم واقع‌بینانه | ۲/۹۰۳ | ۰/۴۲۰ | ۰/۳۹۲ | ۶/۹۱۹ | ۰/۰۰۰ |

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد، آزمون t محاسبه شده برای متغیرهای پیش‌بین کنترل انتقام‌جویانه، کنترل رنجش و درک و فهم واقع‌بینانه با متغیر ملاک تعهد زناشویی با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است. همچنین، ضرایب رگرسیون استاندارد شده نشان می‌دهد که اثر متغیرهای کنترل انتقام‌جویانه، کنترل رنجش و درک و فهم واقع‌بینانه در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی به ترتیب ۰/۱۳۳، ۰/۱۷۷ و ۰/۳۹۲ می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: متغیر درک و فهم واقع‌بینانه سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی کارکنان متأهل علوم پزشکی ساری می‌باشد. بر اساس یافته‌های فرضیهٔ اول پژوهش، بین سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی رابطهٔ معناداری وجود دارد و متغیر سبک دلبستگی ایمن سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی ایفا می‌کند. ضرایب رگرسیون استاندارد شده نیز نشان می‌دهد که اثر متغیرهای سبک‌های ایمن و ناایمن دوسوگرا در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی معنادار می‌باشد. نتایج این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های فتحی و همکاران (۱۳۹۱)، قنبری هاشم‌آبادی (۱۳۹۰)، جودی[۱] (۲۰۰۶)، و پیستول و لورانس (۱۹۹۹) همسو بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: کیفیت و الگوی دلبستگی در روابط عاشقانهٔ بزرگسالی ممکن است شبیه الگوی دلبستگی فرد در رابطه با والدش باشد. تداوم این الگوهای اولیه در دوره‌های بعدی به دو روش تبیین می‌گردد: اول اینکه، انتظار می‌رود یک رابطهٔ با ثبات بین کودک و مراقب به وجود بیاید که تا بزرگسالی ثابت باقی بماند. دوم اینکه، رشد مدل‌های ذهنی یا ابراز دلبستگی که خارج از آگاهی فرد اتفاق می‌افتد، می‌تواند رفتارها، افکار و احساسات او را در موقعیت‌های عاشقانهٔ بعدی راهنمایی و هدایت کند. در واقع، یک رابطهٔ دلبستهٔ ایمن می‌تواند عملکرد و شایستگی را در روابط اجتماعی تسهیل کند. مهم‌ترین ویژگی روابط دلبسته، احساس امنیت و تعلق است، به‌طوری‌که فرد دیگر احساس تنهایی و ناراحتی نکند.

بر اساس نظر بسیاری از جمله نظریهٔ بالبی ویژگی‌های رابطه کودک- مراقب قابل تعمیم به بسیاری از روابط بزرگسالان با نزدیکان خود، اعم از خویشان و دوستان صمیمی است. در دوران بزرگسالی، دلبستگی‌های قدیمی باقی مانده و وابستگی‌های جدیدی ایجاد می‌شود. روابط دلبستگی بزرگسالی دارای کیفیت دو جانبه‌اند که دلبستگی‌های نامتقارن کودکی هرگز واجد آن نبودند. هدف از نظام دلبستگی حتی برای بزرگسالان، دسترسی به چهرهٔ دلبستگی است. البته برای بزرگسالان ممکن است تماس بدنی واقعی غالباً ضروری نباشد (رشیدی، ۱۳۹۳). افرادی که سبک‌های دلبستگی ایمن دارند، اغلب از روابط خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند، ارتباط زنده‌تر و خود ابرازگری صمیمانه‌تری داشته و بالطبع رضایت بیشتری از ارتباط خود دارند، روابط بلندمدت‌تری برقرار می‌کنند و نسبت به دیگران متعهدتر هستند. این افراد بیشتر به حمایت همسرشان اعتماد می‌کنند، چون تجربه به آنها نشان داده که همسرشان در موقعیت‌های دشوار آنها را حمایت کرده است (شعیبی، ۱۳۹۲).

افرادی با سبک دلبستگی اجتنابی از یک طرف تمایل به برقراری رابطهٔ صمیمانهٔ عاطفی دارند و از سوی دیگر، از این نزدیکی عاطفی احساس ناراحتی می‌کنند، این احساسات با نگرش‌های

۱. Judy, A

منفی دربارهٔ خود و همسرشان همراه است؛ آنها خود را بی‌ارزش می‌دانند و نمی‌توانند به همسرشان اعتماد کنند، اغلب با همسرشان احساس صمیمیت نمی‌کنند و اغلب اوقات احساسات خود را سرکوب کرده و پنهان می‌کنند و تعهد زناشویی کافی را ندارند. در مقابل، روابطی که به صورت مکرر میل به صمیمیت را ارضاء می‌کنند، منجر به دلبستگی‌های ایمن‌تر در بین زوج‌ها می‌شوند. سبک دلبستگی ایمن عموماً با خودافشایی، اعتماد به همسر و رابطهٔ جسمی بیشتر همراه است. بزرگسالان ایمن همچنین نگرش‌های سازنده‌تری به حل اختلافات نشان می‌دهند؛ یعنی نظرات خود را بیان می‌کنند، نظرات همسرشان را می‌شنوند و سعی می‌کنند تا بتوانند روی حل مسائل‌شان کار کنند و آنها را حل کنند. اما افراد ناایمن، همیشه منتظر یک شکست یا خراب شدن رابطه هستند و ازاین‌رو، هرگونه حادثه‌ای را به صورت منفی تعبیر و تفسیر می‌کنند و تعهد لازم را به همسر خود ندارند.

بر اساس یافته‌های فرضیهٔ دوم، بین مسئولیت‌پذیری و تعهد زناشویی رابطهٔ معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: متغیر مسئولیت‌پذیری قابلیت پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی را دارد. نتایج این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های اردلان و همکاران (۱۳۹۴)، فتاحی و همکاران (۱۳۹۴)، ممبینی‌نیا (۱۳۹۳)، جوادی (۲۰۱۱)، حیدری (۲۰۰۸)، سلیمی و همکاران (۲۰۱۴) و عبدی و همکاران (۱۳۹۴) همسو می‌باشد.

دربارهٔ مسئولیت و رابطهٔ آن با زندگی، گلاسر معتقد است: «ناخشنودی و افسردگی نتیجه عدم احساس مسئولیت است. فرد غیرمسئول برای خود و دیگران ارزش قائل نیست. در نتیجه، خود و دیگران را آزرده می‌کند» (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۸۰). بر اساس نظریهٔ چلبی، احساس مسئولیت به شخص اجازه می‌دهد که همزمان فعال باشد، برای کسب موفقیت تلاش کند، محیط درونی و بیرونی خود را کنترل کند، خودتنظیم باشد، خودورز باشد و در عین حال، نسبت به دیگران احساس تعلق عاطفی داشته باشد (چلبی، ۱۳۷۵). از نگاهی دیگر، ازدواج موجب رشد اجتماعی افراد و در نتیجه افزایش احساس مسئولیت آنها در مقابل دیگران بخصوص همسر و فرزند می‌شود. افراد مسئولیت‌پذیر دارای وجدان بسیار قوی می‌باشند و خود را در قبال حفظ ارزش‌های جامعه و دین متعهد می‌دانند. بنابراین، برای حفظ ازدواج و ایجاد زندگی آرام، مسئولیت‌پذیری نقش بالایی را ایفا می‌کند. براین‌اساس، یکی از معیارهای اساسی که برای انتخاب همسر گفته می‌شود، حس مسئولیت‌پذیری افراد است. می‌توان گفت: در حقیقت، ازدواج اولین مرحله خروج فرد از خودبینی و طبیعت فردی و رفتن به سمت مدار دیگربینی است. در واقع، مسئولیت‌پذیری و بیرون آمدن از حصار خودبینی، متعهد شدن در برابر دیگران و به دنبال آن فراهم شدن زمینهٔ رشد اجتماعی، یکی از علل و فلسفه‌های مهم ازدواج در مردان و زنان است.

همچنین، بر اساس یافته‌های پژوهش بین بخشودگی و تعهد زناشویی رابطه معنادار وجود

دارد. متغیرهـای کنترل انتقام‌جویانه، متغیر کنترل رنجـش، متغیر درک و فهم واقع‌بینانه با تعهد زناشـویی رابطهٔ مثبت معنادار دارد. نتایج این پژوهش بـا نتایج پژوهش‌های محمدی (۱۳۹۳) و فینچـان و همکاران (۲۰۰۲) همسـو می‌باشـد. در تبیین این یافته می‌توان گفـت: هنگامی‌که فرد قادر به بخشـش باشـد، رابطـهٔ میان هتک حرمـت و کیفیت رابطه زناشـویی و رضایت زناشـویی ضعیـف، تعدیل می‌شـود. توانایی بخشـش همسـر می‌تواند به عامـل پابرجایی رابطـه و افزایش رضایت زناشـویی منجر گردد. در حقیقت، افرادی که قادر به بخشـش همسـر خود هستند، اعتقاد بـر تقـدس رابطه زناشـویی خـود دارند و این توانایی بخشـش همسـر به اسـتحکام بیشـتر رابطه زناشـویی و افزایـش رضایت زناشـویی می‌انجامـد. همچنین، می‌تـوان رابطه بخشـودگی و تعهد زناشـویی را با مدل سـرمایه‌گذاری راسـبالت[۱] (۱۹۹۳) توجیه کرد. طبق این مدل، تعهد در زندگی زناشـویی از رضایتمندی زناشـویی، کیفیت جایگزین‌ها و سـرمایه‌گذاری‌ها متأثر می‌شود. او معتقد اسـت: رضایتمنـدی نوعی ارزشـیابی ذهنی از پاداش‌ها و تنبیه‌های نسـبی اسـت کـه فرد در یک رابطه تجربه می‌کند. راسـبالت، تصریح می‌کند که تعهد به وسـیله میزان رضایتمندی ایجاد شـده در رابطـه تقویـت می‌شـود. برای اینکـه افراد سـطح رضایتمندی خـود را تعیین کننـد، هزینه‌ها و پاداش‌های روابط‌شان را برآورد می‌کنند. مزایا و پاداش‌های بالقوه با انتظارات فرد در مورد رابطه، مقایسـه می‌شود. این استانداردهای شخصی به‌عنوان معیار سنجش شناخته می‌شوند. این سطح رضایتمندی، عملکردی از سنجش سطح و نتایج رابطه کنونی است. زمانی که نتایج به‌دست‌آمده بیش از سـطح معیار باشـد، فرد از رابطه‌اش خشنود است، اما زمانی که نتایج به‌دست‌آمده پایین‌تر از استانداردهای درونی باشند، عدم رضایتمندی اتفاق می‌افتد.

عـلاوه بر همـه تحلیل‌ها و تبیین‌های گفته شـده و با توجه به وابسـتگی سـبک زندگی افراد هر جامعـه بـه فرهنـگ و آداب و رسـوم آن، نمی‌توان نقـش مؤثر دیـن و باورهای مذهبـی در زندگی خانوادگـی را در نظـر نداشـت. براین‌اسـاس، لارسـون[۲] (۱۹۸۹) در بررسـی خـود نشـان داد کـه جهت‌گیری مذهبی تأثیری عمیق بر بالا رفتن تعهد مذهبی، بخشیدن حس هدفمندی به خانواده و ارزش‌های مبتنی بر نیازها و رفاه دیگران دارد. جانسـون (۱۹۹۶) نیز در پژوهش خود دریافته‌اند کـه دینداری و اعتقادات مذهبی عمدتاً همبسـتگی بالایی با تعهد اخلاقـی زوجین دارد. در مقابل، گرین و بیور[۳] (۱۹۹۵) بیان می‌کنند: شکسـتن تعهد زناشـویی در افرادی که از لحاظ مذهبی ضعیف هسـتند، مشـاهده می‌شـود. همچنین، در مطالعه گال[۴] (۲۰۰۶) نشان داده شـده است که اعتقاد بـه خدا می‌تواند به‌عنوان یک منبع پناهندگی کـه امنیت و راحتی و همچنین کمک و راهنمایی را

۱. Rusbult, C. E
۲. Larson, L.E
۳. Green, S. G., & Bauer, T. N
۴. Gall TL

فراهـم می‌کند، به افراد کمک کند. در این پژوهش، زوج‌ها بیان کرده‌اند که وقتی خدا را در زندگی خـود مـد نظر قرار می‌دهند، تعهد زناشـویی قوی‌تری دارند. بنابراین، می‌تـوان گفت: افراد دیندار تمایلـی به رابطه خارج از رابطه زناشـویی ندارند و دینداری آنها باعـث متعهد ماندن آنها به رابطه با همسرشان می‌شود (ویلسون و[۱] و همکاران، ۲۰۱۰).

در کل می‌توان گفت: دینداری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تعهد زوجین به رابطه و ثبات کانون خانواده اسـت و رضایت زناشـویی را به دنبال دارد. دینداری افراد باعث می‌شـود تا آنها به ازدواج و تشـکیل خانـواده به‌عنـوان یک امر الهی و مقدس بنگرنـد و به تداوم ازدواج و حفـظ کانون خانواده متعهدتر باشـند. درصورتی‌که آموزش‌های دینی بتواند به نحو مؤثری در باورهای افراد جای گرفته و در آن نهادینه شـود و سـپس با واسـطه‌هایی از قبیل انجام فرایض دینی و شرکت در مناسک دینی و اجتماعی تقویت گردد، می‌تواند موجب تحکیم پیوندهای زناشویی و ارتقای تعهد زناشویی گردد.

از جملـه محدودیت‌های ایـن پژوهش، مقطعی بودن و جامعه پژوهش می‌باشـد که تنها شـامل کارکنان متأهل علوم پزشـکی سـاری می‌باشـد و این مسـئله تعمیم نتایج را بـا محدودیت و احتیاط مواجه می‌سازد.

## منابع


نهج‌البلاغه

احدی، بتول (۱۳۸۶)، «رابطهٔ شخصیت و رضایت زناشویی»، روان‌شناسی معاصر، ش ۲، ص ۳۱-۳۷.

اردلان، محمدرضا؛ قنبری، سـیروس؛ بهشـتی‌راد، رقیه و نویـدی، پرویز (۱۳۹۴)، «تأثیر سـرمایه اجتماعی و مسـئولیت‌پذیری اجتماعی بر تعهد سـازمانی (مطالعه موردی کارکنان دانشـگاه رازی کرمانشـاه)»، مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، سال پنجم، ش ۱۰، ص ۱۰۹-۱۳۲.

اسـکندری، حسـین؛ هادی، سـعیده؛ سـهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبـدالله و فرخـی، نورعلی (۱۳۹۵)، «رابطـه سـبک‌های دلبسـتگی با تعهد زناشـویی در افـراد مرتکـب بی‌وفایی زناشـویی»، پژوهش‌های مشاوره، ش ۶۰، ص ۴۲-۵۹.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.

حفاظـی طرقبـه، میترا؛ فیروزآبادی، علی و حق‌شـناس، حسـن (۱۳۸۵)، «بررسـی ارتباط بین اجزاء عشـق و رضایتمندی زوجی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دورهٔ شانزدهم، ش ۵۴، ص ۹۹-۱۰۹.

رشـیدی، اسـماعیل (۱۳۹۳)، رابطه بین وابسـتگی خاص نسبت به همسر و سـبک‌های دلبستگی با رضایت زناشـویی در دانشـجویان متأهل دانشـگاه آزاد اسـلامی واحد کرمانشـاه، پایان‌نامه کارشناسـی ارشـد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحدعلوم تحقیقات کرمانشاه.


۱. Wilson, K

رضایی، جواد؛ احمدی، سیداحمد؛ اعتمادی، عذرا و رضایی حسین‌آبادی، مریم (۱۳۹۱)، «تأثیر آموزش زوج‌درمانی اسلام‌محور بر تعهد زناشویی زوجین»، روان‌شناسی و دین، سال پنجم، ش ۱، ص ۳۷-۶۰.
زارع بهرام‌آبادی، مهدی؛ دره، ایمان و اژدری، گلناز (۱۳۸۹)، «رابطه بین دلبستگی شغلی، مسئولیت‌پذیری و تحلیل عاطفی با رضایت شغلی»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمان، سال اول، ش ۴، ص ۵-۲۴.
زکی یی، علی؛ خدادادی، کامران؛ علیخانی، مصطفی؛ رستمی، سمیرا و کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، «رابطه مهارت‌های زندگی و ویژگی‌های شخصیتی با بخشودگی زناشویی در میان زنان شهر کرمانشاه»، زن و مطالعات خانواده، سال سوم، ش ۱۰، ص ۷۵-۹۱.
زهتاب نجفی، عادله؛ درویژه، زهرا و پیوسته‌گر، مهرانگیز (۱۳۹۰)، «رابطه بین بخشودگی و رضایت زناشویی زوجین کرمانشاهی»، زن و فرهنگ، سال دوم، ش ۸، ص ۲۳-۳۳.
شعیبی، فاطمه (۱۳۹۲)، سبک دلبستگی و روابط اجتماعی، انتشار الکترونیکی.
شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۰)، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
طباطبایی، نفیسه؛ طباطبایی، سیدشهاب‌الدین؛ کاکایی، یزدان و محمدی‌آریا، علیرضا (۱۳۹۱)، «رابطه سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران»، رفاه اجتماعی، دوره۱۲، شماره ۴۴، ص ۲۳-۴۲.
عباسی مولید، حسین؛ فاتحی‌زاده، مریم و قمرانی، امیر (۱۳۹۲)، «تأثیر زوج‌درمانی گلاسر بر افزایش تعهد اخلاقی زوجین»، بصیرت و تربیت اسلامی، سال دهم، ش ۲۵، ص ۵۹-۸۰.
عبدی، اکبر؛ رحیمی، زهرا؛ کریمیان، نادر و بهمنی، بهمن (۱۳۹۴)، بررسی رابطهٔ مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی با تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های تهران، اولین همایش ملی روان‌شناسی و خانواده.
فتاحی، نبی؛ زنگویی، سحر؛ حسینی، سیده‌طاهره و استواری، فریبا (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی خودکنترلی و تعهد زناشویی بر اساس مسئولیت‌پذیری»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، ترکیه - استانبول، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.
فتحی، الهام؛ اعتمادی، احمد؛ حاتمی، ابوالفضل و گرجی، زهرا (۱۳۹۱)، «رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی»، زن و مطالعات خانواده، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۶۳-۸۲.
قنبری هاشم‌آبادی، بهرام؛ حاتمی ورزنه، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۰)، «رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی»، جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، ش ۳، ص ۳۹-۶۰.
محمدی، بهناز (۱۳۹۳)، بررسی رابطه صمیمیت زناشویی و بخشودگی با تعهد زناشویی در کارکنان زن

متأهل شاغل در اموزش و پرورش شهر شاهرود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته راهنمایی و مشاوره، بجنورد: دانشگاه بجنورد.

ممبینی‌نیا، یوسف (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی با تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه پیام‌نور شهرستان ایذه»، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد و علوم انسانی، ترکیه - استانبول، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.

میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۹۱)، اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، تهران: پیام عدالت.

Adams, J. M, & Jones, W. H, (2004), The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis, Journal of Personality and Social Psychology, 72(5), p. 1177-1196.

Baskin, T, & Enirght, R, (2004), Intervention studies on forgiveness: a Meta – analysis. Journal of counseling; Development, v. 82, n. 1, p.79.

Collins, N, & Feeney, B, (2000), A safe haven: An attachment theory perspective on support seeking and caregiving in intimaterelationships, Journal of Personality and Social Psychology, n. 78, p. 1053-1073.

Finchan, f., paleri, G, & recalia, c, (2002), forgiveness in marriage:the role of relationship quality, attributions, and empathy, Personal Relationships, 9, p 27-37

Gall, T. L, (2006), Spirituality and coping with life stress among adult survivors of childhood sexual abuse, Child Abuse Negl, 30(7), p. 829-844 PMID.

Green, S. G., & Bauer, T. N,(1995), Supervisory mentoring by advisers: Relationships with doctoral student potential, productivity, and commitment: Personnel Psychology Vol 48(3), 537-561.

Hazan, C, & Shaver, P. (1987), Romantic love conceptualized as attachment process, J Pers Soc Psychol, 52(3), p. 511-524.

Heydari, M, (2008), Religious and family satisfaction. 3rd ed. Qom: Publishing Imam Khomeini Education and Research Institute.

Jarvis, M. O, (2006), The longterm role of Newlywed conscientiousness and religiousness in marriage, Unpublished Doctoral Disser tation, University of Texas at Austin.

Javadi, G, (2011), The role of accountability in academic performance, Journal of Applied Psychology, 4(12), p. 73-94.

Johnson, M.P, (1996), The tripartite nature of marital commitment:personal ,moral ,and structural reasons to stay married, Journal of marriage and the family, n. 61, p. 160-177.

Johnson, M.P, Caughlin, JP, & Huston, T.L, (1999), The tripartite nature of marital commitment: Personal, moral, and structural reasons to stay married, J Marriage Fam, n. 61, p. 160-77.

judy, A, (2006), understanding the contribution of relative commitment to the link between romantic attachment and jealousy, Unpulished doctoral dissertation ,university of Carolina.

Kapinus, C. A, & Johnson, M. P, (2003), The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tool commitment and family life-cycle stage, Journal of Family Issues, 24(2), p. 155-184.

Larson, L.E, (1989), Religious participation and marital commitment, Review of Religious Research, n. 30, p. 387-400.

Mahoney, A, (2005), Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships, Journal of Social Issues, 61(4), p. 689 -706.

Masters, A, (2008), Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging, Review of Economic Dynamics, 11(3), p. 614-628.

Mattingly, B.A, Wilson, K, Clark, E.M, Bequette, A.W, & Weidler, D.J, (2010), Foggy Faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample, J Fam Issues, 31(11), p. 465-1480.

Nelson, J.A, Kirk A.M, Ane, P, & Serres SA, (2011), Religious and spiritual values and moral commitment in marriage: untapped resources in couples counseling? Counseling and Values, 55(2), p. 46-228.

Pistol, M.C, & lorance, C.V, (1999), Attachment and commitment in collegestudent's romantic relationships, Journal of college student development, 40(6), p. 710

Ramirez, A, (2008), An examination of the tripartite approach to commitment: An actor-partner interdependence model analysis of the effect of relational maintenance behavior, Journal of Social and Personal Relationships1, 25(6), p. 943-965.

Rusbult, C. E, (1993), Commitment processes in close relationships: An interdependence analysis, Journal of Social and Personal Relationships, n. 10, p. 175-204.

Salimi A, Bahrami, F, Taheri, M, Yonsei, G, & Hosseinzadeh, S, (2014), The relationship between family functioning and responsibility in young people with visual impairments compared with normal teenager, Journal of Behavioral Sciences, 12(4), p. 490–499.

Tang, C. Y, & Curran, M. A, (2012), Marital commitment and perceptions of fairness in household chores, Journal of Family Issues, 34(12), p. 1598–1622.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره اول، پیاپی۷، بهار و تابستان۱۳۹۶، ص۱۱۸-۱۰۳

# نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر: نقش کمال‌گرایی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه[۱]

# Attitudes Related to Mate Selection: the Roles of Perfectionism and Early Maladaptive Schemas

**فرشته صفاری‌زاده** / دانش‌آموخته سطح سه تعلیم و تربیت اسلامی، جامعة‌الزهرا علیها السلام

**حسین رضائیان بیلُندی**/دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسهٔ آموزشی پژوهشی امام خمینی ره، قم(نویسنده مسئول) h.rezaeiyan60@gmail.com

**Fereshte Saffarizade** / Graduate in Level Three of Islamic Teaching and Training / Jame'at al-Zahra

**Hussein Rezaiyan Bilondi** / PhD Student of Psychology / Imam Khomeini Educational and Research Institute / Qom

## چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش کمال‌گرایی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر در میان دانشجویان و طلاب شهر قم است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. بدین‌منظور، از میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی شهر قم و طلاب حوزه علمیه قم ۱۶۳ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسش‌نامه‌های نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر (ARMSS)، کمال‌گرایی (TPI) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF) پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت‌مندی، محدودیت‌های مختل،

## ABSTRACT

This study aims at investigating the roles of 'perfectionism' and 'early maladaptive schemas' in predicting attitudes towards mate selection among university and seminary students in Qum city, Iran. This was a descriptive and correlational study: 163 students were selected at universities (government and non-government) and seminaries of Qom city through available random sampling. They all completed three questionnaires: 'Attitudes about Romance and Mate Selection Scale' (ARMSS), Hill's (2004) 'The Perfectionism Inventory', and 'The Young Schema Questionnaire-Short Form' (YSQ-SF). Data were analyzed using correlation coefficients and stepwise regression analyses. The findings indicated that 'attitudes about mate selection' had significant correlations with domains of 'Disconnection/rejection', 'Impaired

۱. این پژوهش با حمایت معاونت پژوهش جامعة‌الزهرا علیها السلام انجام شده است.

مؤلفه‌های تلاش برای عالی بودن، نیاز به تأیید و فشار از سوی والدین با نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر رابطه همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام نشان داد که حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و مؤلفه‌های فشار از سوی والدین، نشخوارفکری و تلاش برای عالی بودن از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر هستند. این یافته‌ها نقش مهم کمال‌گرایی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را در شکل‌گیری نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر نشان می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** کمال‌گرایی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر، ازدواج.

autonomy' 'Impaired performance', 'Other-directedness', and 'Impaired limits', and components of 'Striving for excellence', 'Need for approval', and 'Perceived parental pressure'. The results of stepwise multiple regression analyses showed that the domain of 'Disconnection/rejection' in early maladaptive schemas' domains, and the components of 'perceived parental pressure', 'Rumination', and 'Striving for excellence' from perfectionism's components are among the most important predictors of 'attitudes towards mate selection'. These findings reveal the important roles of perfectionism and early maladaptive schemas in shaping attitudes about mate selection. Thus, for reinforcing logical believes and attitudes in mate selection in people, it appears necessary to design educational preventing programs for them, considering these variables.

**KEY WORDS:** Perfectionism, early maladaptive schemas, attitudes towards mate selection, marriage.

## مقدمه

ازدواج در اسلام نه‌تنها به‌عنوان یک قرارداد حقوقی، بلکه پیمانی مقدس (ماهونی[۱]، پارگامنت[۲]، مورای اسونک[۳] و مورای اسونک[۴]، ۲۰۰۳) و مستحکم (نساء: ۲۱) معرفی شده است و به نظر می‌رسد در بین مکاتب و مذاهب، هیچ مذهبی به اندازه اسلام درباره ازدواج بحث نکرده باشد (بحرینی، ۱۳۸۷). در آیات و روایات اسلامی، بارها تقدس و الهی بودن این رابطه مورد اشاره قرار گرفته و به‌عنوان بهترین بنا از نظر خداوند، عامل آرامش، محبت و رحمت (روم: ۲۱)، موجب نزول رحمت خداوند (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)، عامل حفظ دین و نیز طهارت معنوی (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۱۷) در نظر گرفته می‌شود. نتایج تحلیل‌های کیفی نیز نشان می‌دهد که موضوع عمده در تمام زوجین این است که ازدواج یک واحد مقدسی است که «چیزی بیشتر» دارد: چیزی بیشتر از خود، چیزی بیشتر از زوجین و چیزی بیشتر از واحد خانواده. برای زوجین، ازدوج نهاد

۱. Mahoney, A.
۲. Pargament, K. I.
۳. Murray-Swank, A.
۴. Murray-Swank, N.

مقدسی است که توسط خداوند بنا نهاده شده و خداوند همواره ناظر بر رابطه زناشویی و نگهدارنده آن است. این یافته‌ها یک نقطه مقابل برای مباحث پژوهش‌های کنونی درباره غیررسمی شدن ازدواج و فردگرایی در ازدواج‌های کنونی محسوب می‌شود (دولاهیت[۱]، هاوکینز[۲] و پار[۳]، ۲۰۱۲).

ازدواج به‌عنوان بنیادی‌ترین روابط انسانی و مهم‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی که در آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد، شرح داده شده است (فریدمن[۴]، ۱۳۸۱). انتخاب همسر موضوعی پیچیده و تصمیمی تأثیرگذار بر زندگی و آینده فرد می‌باشد (کلارک وارن[۵]، ۱۳۹۲) که پاسخ به نیازها و سلایق‌های فطری و موفقیت در دیگر مراحل زندگی و رویدادهای مهمی چون تولیدمثل، تربیت نسل آینده، هویت و نقش اجتماعی، تأمین نیازها و چالش‌های آینده زندگی به آن بستگی دارد (خجسته‌مهر، محمدی و عباس‌پور، ۱۳۹۵).

امروزه انتخاب فرد مناسب برای ازدواج، یکی از پر استرس‌ترین تصمیمات جوانان در طول زندگی است. افراد برای یافتن فرد مناسب ازدواج، تلاش می‌کنند قبل از ازدواج دریابند آیا انتخاب صحیحی کرده‌اند. در این میان، نگرش افراد به نحوه انتخاب مسئله‌ای است که همواره در معرض تغییر بوده و شامل مجموعه‌ای از شناخت، احساس‌ها، عواطف و کنش‌های فرد در خصوص شیوه انتخاب می‌باشد (کریمی، ۱۳۸۳). هرچند انتظارات، ادراکات و نگرش‌ها نسبت به ازدواج، به‌عنوان پدیده‌ای شناختی و ذهنی تلقی می‌شود؛ اما گاهی زیربنای اساسی تلاش افراد در انتخاب فرد مناسب، از باورها یا انتظارات غیرواقعی نشئت می‌گیرد (سپهری و حسن‌زاده توکلی، ۱۳۹۰). از دیدگاه روان‌شناسان اجتماعی، نگرش فرد نسبت به یک شیء به صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه فعل و انفعالاتی شکل نمی‌گیرد، بلکه اتخاذ و شکل‌گیری نگرشی خاص می‌تواند نتیجهٔ عوامل مختلف و در طول زمان باشد. براین‌اساس، نگرش به‌عنوان پدیده‌ای شناختی، بر رغبت به ازدواج، سن ازدواج و نیز بر پایداری آن تأثیر قابل توجهی دارد. سازه نگرش به ازدواج نشان‌دهندهٔ احساسات و تمایلات، پیش‌داوری‌ها یا سوگیری‌ها، تصورات از پیش فرض شده، ترس‌ها و عقاید راسخ افراد در مورد ازدواج است. بنابراین، نگرش فرد به ازدواج در واقع شیوهٔ فکر و احساس کردن او در مورد ازدواج می‌باشد (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۵). به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، داشتن باورهای منطقی دربارهٔ ازدواج، می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل‌فردی پیش‌بینی کنندهٔ ازدواج موفق مطرح باشد. در همین راستا، ولکو[۶] در پژوهش خود نشان داد که انتظارات منطقی و هماهنگ زوجین از ازدواج، عامل مهمی در تعیین آینده ازدواج به‌شمار می‌آید (جعفری‌نژاد و اردشیرزاده، ۱۳۸۳). از سوی دیگر،

۱. Dollahite, D. C.
۲. Hawkins, A. J.
۳. Parr, M. R.
۴. Friedman, M.
۵. Warn, C.
۶. Welco، P.

باورها و عقاید غیرمنطقی دربارهٔ انتخاب همسر از جمله عوامل مؤثری هستند که می‌توانند ازدواج را با شکست روبرو کنند (بهزاد، ۱۳۸۹).

از جمله باورهای غیرمنطقی مؤثر بر نگرش افراد در انتخاب همسر، کمال‌گرایی است. کمال‌گرایی برای اولین بار به‌عنوان سازه‌ای تک بُعدی توسط برنز[۱] ارائه شد (هیل[۲]، هیلسمن[۳]، کیبلر[۴]، وین[۵] و کندی[۶]، ۲۰۰۴). بر اساس این رویکرد، افراد کمال‌گرا در تلاش برای دستیابی به نتایج کامل و بدون نقص هستند (بیوچارد، رهیوم و لادوسیور[۷]، ۱۹۹۹) و اهمیت زیادی به ارزیابی دیگران می‌دهند. از عدم تأیید توسط دیگران نگرانند و از انجام کارهایی که باعث رنجش و در نتیجه باعث عدم تأیید دیگران می‌شود، اجتناب می‌ورزند. به صورت خلاصه و بر اساس این دیدگاه، کمال‌گرایی تلاش برای بی‌عیب و نقص بودن تعریف می‌شود (هویت[۸]، کابلیان[۹] و فلیت[۱۰]، ۱۹۹۱).

همزمان با گسترش علاقه به مفهوم کمال‌گرایی، مفهوم‌سازی دوبُعدی مفیدی از آن به‌صورت مثبت و منفی ارائه شده است. در بُعد منفی کمال‌گرایی، مؤلفه‌هایی همچون استانداردهای فردی سطح بالا در مورد توانایی‌های فردی، انتظار بالا از عملکرد فردی، و اهداف بسیار بالا مطرح است (رایس[۱۱] و لاپسی[۱۲]، ۲۰۰۱). کمال‌گرایی منفی، همچنین با احساس شکست، مقابلهٔ ناکارآمد در برابر تنیدگی و عدم پذیرش خود و دیگران همراه است و روان‌رنجورانه و غیرانطباقی شناخته می‌شود و با ویژگی‌هایی،نظیر نگرانی بیش از حد در مورد اشتباه کردن، شک و تردید نسبت به خود، احساس بازنده بودن در صورت عدم دستیابی به اهداف بلند بالا ارتباط دارد. این بُعد از کمال‌گرایی با مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب، اختلال‌های خوردن و نگرش‌های غیرانطباقی همراه است (رایس و دلو[۱۳]، ۲۰۰۲). مطالعاتی که رابطهٔ ابعاد مختلف کمال‌گرایی با عوامل شخصیتی را بررسی کرده‌اند، به‌طور همسانی به این نتیجه رسیدند که ابعاد کمال‌گرایی نابهنجار، همبستگی بالا با روان‌رنجورگرایی دارند (قنبری، جواهری، سیدموسوی و ملحی، ۱۳۸۹). همچنین، در رابطه با نقش کمال‌گرایی با ازدواج و انتخاب همسر، پژوهش‌ها حاکی از این است که افراد کمال‌گرا معیارهای بی‌شماری برای انتخاب همسر دارند که صرف‌نظر کردن از هر کدام از آنها

۱. Berenz، A
۲. Hil، H.
۳. Hilsmak, R.
۴. Kibler، A.
۵. Win، A.
۶. Kendy، G.
۷.Bouchard, G., Rhéaume, J., & Ladouceur, R
۸. Hewitt, P.
۹. Caclian, C.
۱۰. Flett, G.
۱۱. Rais، K.
۱۲. Lapseli، D.
۱۳. Delo, J.

سخت و ناممکن است. در این شرایط معمولاً امکان تصمیم‌گیری یا از فرد کمال‌گرا سلب می‌شود و یا ازدواج تا حد زیادی به تعویق می‌افتد. با ادامه این وضعیت، گاهی بیزاری و خستگی فراگیری در زندگی به وجود می‌آید و در نهایت، برخی افراد به دلیل خستگی و استیصال تصمیمی سریع و اشتباه می‌گیرند و بعد از ازدواج احساس پشیمانی می‌کنند (طزری و ناعمی، ۱۳۹۵). در همین زمینه و برای نمونه، هرینگ[۱] و همکاران (۲۰۰۳) به بررسی رابطهٔ کمال‌گرایی با سازگاری زناشویی در میان ۷۶ زوج پرداختند و نتایج نشان داد بین ویژگی‌های کمال‌گرایی و عملکرد زناشویی ضعیف، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

علاوه بر کمال‌گرایی، شیوه‌های تصور و تفکر فرد در مورد خود و دیگران نیز از جمله عوامل مؤثری است که نقش مهمی در نگرش به انتخاب همسر دارد. این شیوه تصور و تفکر غالبی، طرح‌واره نامیده می‌شود (بک[۲]،۱۹۷۶). طرح‌واره‌ها، ژرف‌ترین ساختارهای شناختی هستند (اسویتزر[۳]، ۲۰۰۶) که در رؤیارویی با محرک‌های جدید بر پایه ساختار پیشین خود، اطلاعات به‌دست‌آمده را سرند، رمزگردانی و ارزیابی می‌کنند و بدین‌ترتیب بر نوع نگرش افراد نسبت به خود و جهان پیرامون تأثیر می‌گذارند (جکوبین[۴]، ۱۹۹۷). یانگ[۵] (۲۰۰۷)، طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه را الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری می‌داند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته و در مسیر زندگی تداوم دارند. بر اساس این دیدگاه طرح‌واره‌ها، زیربنای باورها و شناخت‌ها هستند و موجب سوگیری در تفسیرهای افراد از رویدادها می‌شوند. این سوءگیری در آسیب‌شناسی روابط بین‌فردی از جمله روابط بین دختر و پسر پیش از ازدواج به صورت سوءتفاهم، نگرش‌های تحریف شده، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه خود را نشان می‌دهد (پاسکال و کریس جین[۶]، ۲۰۰۸).

افراد دارای طرح‌واره‌های ناسازگار، ازدواج را به‌عنوان فرصتی برای جبران ناکامی‌ها می‌دانند و در ازدواج خود توقعات بالایی دارند که غالباً در زندگی مشترک برآورده نمی‌شود و موجب احساس ناامیدی در روابط و شکست نهایی خواهند شد (دولانگ[۷]، ۲۰۰۷). براین‌اساس، برخی پژوهش‌ها از جمله خسروی، سیف و عالی (۱۳۸۶)، تفاوت معنادار نگرش به ازدواج افراد را بر مبنای فرایند طرح‌واره‌ای جبران یا تداوم طرح‌واره، تبیین کرده‌اند.

با توجه به اهمیت ازدواج و تأثیر نوع نگرش به آن در موفقیت یا شکست در این زمینه، بررسی چگونگی شکل‌گیری نگرش‌های مربوط به ازدواج با توجه به برخی باورهای غیرمنطقی (کمال‌گرایی) و باورهای بنیادین (طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه) مدنظر محققان قرار گرفته است تا از این طریق،

۱. Hering, S
۲. Beck, A
۳. Switzer, I.
۴. Jacquin, K. M
۵. Young, J
۶. Pascal A & Cristh, Jean L.
۷. Dulong, J

رابطه این سه متغیر را به صورت همزمان مورد بررسی قرار دهد. ازاین‌رو، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که مؤلفه‌های کمال‌گرایی و حوزه‌های طرح‌واره‌ای ناسازگار اولیه چه مقدار از واریانس نگرش‌های مرتبط با انتخاب همسر را تبیین می‌کنند؟

## روش پژوهش

این پژوهش، از نوع تحقیقات توصیفی است که با روش همبستگی انجام شد. در این پژوهش، حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی و بازداری و محدودیت‌های مختل) و کمال‌گرایی (نظم و سازماندهی، هدفمندی، تلاش برای عالی بودن، معیارهای بالا برای دیگران، نیاز به تأیید، تمرکز بر اشتباهات، فشار از سوی والدین، نشخوار فکر) به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی شهر قم با تحصیلات فوق دیپلم تا کارشناسی ارشد و طلاب حوزه علمیه قم با تحصیلات سطح یک تا سطح سه در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ بودند که از میان آنها ۱۶۳ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و از آنها خواسته شد تا به پرسش‌نامه پاسخ دهند. ابزار پژوهش عبارتند از:

**پرسش‌نامه نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر[۱](ARMSS):** این پرسش‌نامه در ابتدا توسط کاب، لارسون و واتسون[۲] (۲۰۰۳) با عنوان مقیاس نگرش نسبت به روابط عاشقانه و انتخاب همسر و به‌منظور ارزیابی باورهای الزام‌آور و غیرمنطقی، در کانادا تدوین شد. کاب و همکاران (۲۰۰۳)، برای بررسی این باورها، مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر را ساختند که هفت باور غیرمنطقی را ارزیابی می‌کند. مبنای نظری پرسش‌نامه نگرش به نحوه انتخاب همسر، عقاید محدودکننده در مورد انتخاب همسر است. یافته‌های پژوهش کاب و همکاران (۲۰۰۳)، حاکی از اعتبار و روایی مطلوب برای این نگرش‌سنج بود به‌طوری‌که آلفای کرونباخ عامل‌ها بین ۰/۸۸ تا ۰/۶۷ گزارش شد که در مجموع، کل عامل‌ها۰/۴۸ واریانس را تبیین می‌کردند. در ایران نیز سپهری و حسن‌زاده توکلی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود اعتبار و روایی نسخه فارسی این پرسش‌نامه را بررسی کرده و بر اساس تحلیل عاملی به استخراج شش باور پرداختند که عبارتند از: عشق‌باوری، تجربه‌محوری، ایدئال‌نگری، متضادجویی، آسان‌بینی و خوش‌باوری. در پژوهشی دیگر کریمی و سلیمی (۱۳۹۱) روایی این پرسش‌نامه را از طریق روایی واگرا در سطح ۹۰ درصد گزارش کرده‌اند. پایایی این پرسش‌نامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برای همه مقیاس‌ها در کل ۸۸ درصد به‌دست آمده و

۱. Attitudes About Romance And Mate Slection Scale

۲. Cobb, N. P., Larson, J. H., & Watson, W. L

برای خرده‌مقیاس‌ها از ۶۴ درصد الی ۹۸ درصد متغیر بوده است.

**پرسش‌نامه کمال‌گرایی هیل[۱](TPI)[۲]:** آزمون مذکور دارای ۵۹ سؤال و ۸ خرده‌مقیاس می‌باشد. خرده‌مقیاس‌های این آزمون و نحوه محاسبه جنبه مثبت و منفی کمال‌گرایی جداگانه محاسبه و نمره کلی کمال‌گرایی نیز حاصل از جمع کلیه ابعاد به دست می‌آید. ضریب پایایی ابزار به روش بازآزمایی پس از۳ تا ۶ هفته برای ابعاد مختلف بین ۷۱ درصد تا ۹۱ درصد گزارش شده است. همچنین، ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ بین ۸۳ درصد تا ۹۱ درصد به‌دست‌آمده است (هیل و همکاران، ۲۰۰۴). به‌منظور بررسی روایی همزمان این آزمون با مقیاس‌های چندبُعدی کمال‌گرایی معلوم شد که جنبهٔ منفی کمال‌گرایی، کمال‌گرایی جامعه‌مدار به تمرکز بر اشتباهات، شک در مورد عمل، انتقادات والدین و انتظارات والدین بیشترین همبستگی را داشت (هویت و همکاران، ۱۹۹۱). درحالی‌که جنبه مثبت کمال‌گرایی با کمال‌گرایی خویشتن‌مدار، معیارهای شخصی و نظم و سازمان‌دهی بیشترین همبستگی را داشت. مقیاس‌کوتاه اختلالات روان‌پزشکی (اورال[۳] و گورهام[۴]، ۱۹۶۲) با جنبهٔ منفی کمال‌گرایی همبستگی بالا و جنبهٔ مثبت کمال‌گرایی همبستگی پایینی داشت.

**فرم کوتاه پرسش‌نامهٔ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF)[۵]:** یانگ در سال ۱۹۹۸ فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را برای اندازه‌گیری ۱۵ طرح‌واره ناسازگار اولیه تهیه کرد که از ۷۵ گویه دارای بیشترین بار عاملی در فرم بلند ۲۰۵ سؤالی اولیه تشکیل شده است (شایقیان، آگیلار وفایی و رسول‌زاده طباطبائی، ۱۳۹۰). این ابزار خودتوصیفی، دارای پاسخ‌های ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط=۱، تقریباً غلط=۲، بیشتر درست تا غلط=۳، اندکی درست=۴، تقریباً درست=۵ و کاملاً درست=۶) است و طرح‌واره‌ها را در قالب ۵ حوزه می‌سنجد. دربارهٔ ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه بررسی‌های متعددی انجام شده است. از جمله در پژوهش والر[۶]، دیکسون[۷] و آنین[۸] (۲۰۰۲)، ثبات درونی محاسبه‌شده برای عوامل پرسش‌نامه از ۰/۶۵ تا ۰/۹۰ گزارش شد و در پژوهش بارانف، تیان و اویی[۹] (۲۰۰۷) نیز ساختار عاملی و روایی سازه آن مورد تأیید قرار گرفت. در ایران در پژوهشی که توسط آهی، محمدی‌فر و بشارت (۱۳۸۶) به‌منظور بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه در دانشجویان انجام شد، نتایج نشان داد که اعتبار پرسش‌نامه به دو شیوهٔ همسانی درونی آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود.

---

۱. Hill, R.W.
۲. The Perfectionism Inventory
۳. Oral, P
۴. Gorham, C
۵. Young Schema Questionnaire – Short Form.
۶. Waller, G.
۷. Dickson, C.
۸. Ohanian, V.
۹. Baranoff, J., Tian, P.S., & Oei

شیوه اجرا به صورت فردی و محل اجرا محیط دانشگاه و حوزه برادران و خواهران مجرد بوده است. قبل از ارائه پرسش‌نامه، توضیحاتی دربارهٔ چگونگی پاسخ‌دهی به سؤالات، هدف پژوهش و ضرورت همکاری صادقانه آنها ارائه شد. علاوه بر این، به فرد اطمینان داده شد که پاسخ‌های آنان محرمانه خواهد ماند و جهت تشویق به پاسخ‌گویی صادقانه اعلان شد درصورتی‌که تمایل دارند از نتیجه عملکرد خود آگاهی حاصل کنند، می‌توانند آدرس پست الکترونیکی خود را نوشته تا پس از پایان کار، نتیجه به آدرس آنان ارسال شود.مدت زمان صرف شده برای پاسخ‌دهی به سؤالات از سوی افراد به طور تقریبی بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بود. محاسبات آماری لازم به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی، با استفاده از نسخه بیست و سوم نرم‌افزار بسته آماری علوم اجتماعی (SPSS) انجام شد. در سطح توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد.

## یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۶۳ نفر (۵۲ مرد و ۱۱۱ زن) بود که میانگین سنی آنها ۲۱/۶۶ با انحراف معیار ۳/۷۱ به دست آمد. از نظر تحصیلات، ۲۷ نفر (۱۶/۵۶ درصد) از شرکت‌کنندگان در مقطع فوق دیپلم یا سطح یک حوزه، ۱۲۸ نفر (۷۸/۵۲ درصد) در مقطع لیسانس یا سطح دو حوزه و ۱۷ نفر (۱۰/۴۲ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد یا سطح سه حوزه علمیه مشغول به تحصیل بودند. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

## جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱. نگرش به انتخاب همسر | ۱ | | | | | | | | | | | | | |
| ۲. حوزه بریدگی و طرد | ۰/۳۲** | ۱ | | | | | | | | | | | | |
| ۳. حوزه خودگردانی و عملکرد مختل | ۰/۲۷** | ۰/۶۴** | ۱ | | | | | | | | | | | |
| ۴. حوزه دیگر جهت‌مندی | ۰/۲۳** | ۰/۵۳** | ۰/۴۰** | ۱ | | | | | | | | | | |
| ۵. حوزه گوش به زنگی و بازداری | ۰/۱۱ | ۰/۴۴** | ۰/۳۱** | ۰/۸۴** | ۱ | | | | | | | | | |
| ۶. حوزه محدودیت‌های مختل | ۰/۱۹* | ۰/۴۹** | ۰/۴۱** | ۰/۴۷** | ۰/۴۶** | ۱ | | | | | | | | |
| ۷. نظم و سازماندهی | ۰/۰۷ | -۰/۰۴ | -۰/۰۸ | ۰/۱۵* | ۰/۱۸* | ۰/۰۰ | ۱ | | | | | | | |
| ۸. هدفمندی | ۰/۰۴ | -۰/۰۰ | -۰/۰۳ | -۰/۰۳ | -۰/۰۰ | -۰/۰۶ | ۰/۴۰** | ۱ | | | | | | |
| ۹. تلاش برای عالی بودن | ۰/۱۸* | ۰/۱۲ | ۰/۰۶ | ۰/۲۷** | ۰/۲۸** | ۰/۰۸ | ۰/۴۰** | ۰/۳۳** | ۱ | | | | | |
| ۱۰. معیارهای بالا برای دیگران | ۰/۱۴ | ۰/۱۹* | ۰/۱۲ | ۰/۲۹** | ۰/۲۹** | ۰/۲۳** | ۰/۴۱** | ۰/۱۸* | ۰/۴۴** | ۱ | | | | |
| ۱۱. نیاز به تأیید | ۰/۱۶* | ۰/۴۶** | ۰/۳۵** | ۰/۴۹** | ۰/۴۵** | ۰/۴۰** | ۰/۲۰** | ۰/۱۰ | ۰/۳۷** | ۰/۴۲** | ۱ | | | |
| ۱۲. تمرکز بر اشتباهات | -۰/۱۳ | ۰/۴۵** | ۰/۳۵** | ۰/۴۸** | ۰/۴۱** | ۰/۳۵** | ۰/۱۸* | -۰/۰۰ | ۰/۲۹** | ۰/۳۴** | ۰/۶۱** | ۱ | | |
| ۱۳. فشار از سوی والدین | ۰/۲۴** | ۰/۲۱** | ۰/۱۴ | ۰/۲۴** | ۰/۲۴** | ۰/۳۰** | ۰/۲۴** | ۰/۲۲** | ۰/۳۴** | ۰/۲۵** | ۰/۲۶** | ۰/۲۷** | ۱ | |
| ۱۴. نشخوار فکر | -۰/۰۰ | ۰/۲۶** | ۰/۲۰** | ۰/۴۳** | ۰/۴۲** | ۰/۳۰** | ۰/۲۸** | ۰/۰۹ | ۰/۴۴** | ۰/۳۲** | ۰/۶۵** | ۰/۵۳** | ۰/۳۲** | ۱ |
| **M** | ۱۲۶/۹۵ | ۶۷/۳۳ | ۴۸/۲۷ | ۷۰/۳۸ | ۳۶/۲۱ | ۳۳/۲۷ | ۲۲/۹۰ | ۱۹/۶۶ | ۱۸/۹۳ | ۱۹/۶۶ | ۲۲/۸۴ | ۲۱/۴۱ | ۲۲/۲۵ | ۲۱/۳۹ |
| **SD** | ۲۴/۰۸ | ۲۰/۳۹ | ۱۴/۱۴ | ۱۴/۲۹ | ۸/۷۱ | ۷/۶۸ | ۴/۴۳ | ۳/۵۱ | ۲/۹۶ | ۳/۴۳ | ۴/۰۰ | ۴/۲۹ | ۴/۲۲ | ۳/۲۶ |

*P< ۰/۰۵ **P< ۰/۰۱

جدول ۱ نشان می‌دهد، بیشترین سطح بین شرکت‌کنندگان در ابعاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مربوط به حوزهٔ دیگرجهت‌مندی است. همچنین، بیشترین سطح مربوط به مؤلفه‌های کمال‌گرایی در خرده‌مقیاس نظم و سازمان‌دهی به دست آمد. طبق ماتریس همبستگی بین حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت‌مندی، محدودیت‌های مختل، تلاش برای عالی بودن، نیاز به تأیید، فشار از سوی والدین با نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر ارتباط مثبت وجود دارد. به‌منظور تعیین سهم هر یک از حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد کمال‌گرایی در پیش‌بینی نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر ارائه شده است.

**جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مربوط به نگرش‌های انتخاب همسر از طریق حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد کمال‌گرایی**

| مدل | شاخص | مجموع مجذورات | Df | میانگین مجذورات | F | سطح معناداری | R | $R^2$ | ضریب تبیین | خطای برآورد |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | رگرسیون | ۹۶۲۲/۰۵۸ | ۱ | ۹۶۲۲/۰۵۸ | ۱۸/۳۷۲ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۳۲۰ | ۰/۱۰۲ | ۰/۰۹۷ | ۲۲/۸۸۵ |
| | باقیمانده | ۸۴۳۱۹/۵۵۰ | ۱۶۱ | ۵۲۳/۷۲۴ | | | | | | |
| ۲ | رگرسیون | ۱۲۶۹۶/۲۱۶ | ۲ | ۶۳۴۸/۱۰۸ | ۱۲/۵۰۲ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۳۶۸ | ۰/۱۳۵ | ۰/۱۲۴ | ۲۲/۵۳۴ |
| | باقیمانده | ۸۱۲۴۵/۳۹۱ | ۱۶۰ | ۵۰۷/۷۸۴ | | | | | | |
| ۳ | رگرسیون | ۱۴۷۳۹/۹۷۵ | ۳ | ۴۹۱۳/۳۲۵ | ۹/۸۶۴ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۳۹۶ | ۰/۱۵۷ | ۰/۱۴۱ | ۲۲/۳۱۸ |
| | باقیمانده | ۷۹۲۰۱/۶۳۲ | ۱۵۹ | ۴۹۸/۱۲۳ | | | | | | |
| ۴ | رگرسیون | ۱۷۰۶۳/۳۹۰ | ۴ | ۴۲۶۵/۸۴۷ | ۸/۷۶۷ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۴۲۶ | ۰/۱۸۲ | ۰/۱۶۱ | ۲۲/۰۵۸ |
| | باقیمانده | ۷۶۸۷۸/۲۱۸ | ۱۵۸ | ۴۸۶/۵۷۱ | | | | | | |

نتایج جدول ۲، نشان داد که حوزهٔ بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه قوی‌ترین رابطه را با نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر دارد (R=۰/۳۲، p=۰/۱۰۰۰، df=۱، F/۳۷۲=۱۸). این متغیر، ۹ درصد از میزان نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر را پیش‌بینی می‌کند. در مرحلهٔ بعد با اضافه شدن مؤلفه فشار از سوی والدین، ضریب همبستگی به ۰/۳۶ و ضریب تبیین به ۱۲ درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن نشخوار فکر نیز ضریب همبستگی ۰/۳۹ و ضریب تبیین ۰/۱۴ به دست آمد. در نهایت، با اضافه شدن مؤلفه تلاش برای عالی بودن، ضریب همبستگی به ۰/۴۲ و ضریب تبیین به ۱۶ درصد ارتقا یافت. این بدان‌معنا است که حوزهٔ بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، مؤلفه فشار از سوی والدین، نشخوار فکر و تلاش برای عالی بودن در مجموع ۱۶ درصد از واریانس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر را تبیین می‌کنند.

**جدول ۳. شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به نگرش‌های انتخاب همسر**

| شاخص / متغیر | ضریب غیراستاندارد بتا | خطای معیار | ضریب استاندارد بتا | T | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| مقدار ثابت | ۱۰۱/۵۰۳ | ۶/۲۰۲ | | ۱۶/۳۶۷ | ۰/۰۰۰ |
| حوزه بریدگی و طرد | ۰/۳۷۸ | ۰/۰۸۸ | ۰/۳۲۰ | ۴/۲۸۶ | ۰/۰۰۰ |
| مقدار ثابت | ۸۱/۱۸۰ | ۱۰/۲۷۲ | | ۷/۹۰۳ | ۰/۰۰۰ |
| حوزه بریدگی و طرد | ۰/۳۳۱ | ۰/۰۸۹ | ۰/۲۸۰ | ۳/۷۲۳ | ۰/۰۰۰ |
| فشار از سوی والدین | ۱/۰۵۶ | ۰/۴۲۹ | ۰/۱۸۵ | ۲/۴۶۱ | ۰/۰۱۵ |
| مقدار ثابت | ۸۹/۱۲۷ | ۱۳/۱۷۲ | | ۷/۴۵۰ | ۰/۰۰۰ |
| حوزه بریدگی و طرد | ۰/۳۷۰ | ۰/۰۹۰ | ۰/۳۱۴ | ۴/۱۰۷ | ۰/۰۰۱ |
| فشار از سوی والدین | ۱/۳۰۵ | ۰/۴۴۲ | ۰/۲۲۹ | ۲/۹۵۰ | ۰/۰۰۰ |
| نشخوار فکر | −۱/۱۷۶ | ۰/۵۸۰ | −۰/۱۵۹ | −۲/۰۲۶ | ۰/۰۴۴ |
| مقدار ثابت | ۸۵/۹۳۵ | ۱۴/۱۶۳ | | ۶/۰۶۷ | ۰/۰۰۰ |
| حوزه بریدگی و طرد | ۰/۳۷۵ | ۰/۰۸۹ | ۰/۳۱۸ | ۴/۲۰۹ | ۰/۰۰۰ |
| فشار از سوی والدین | ۱/۰۷۰ | ۰/۴۵۰ | ۰/۱۸۸ | ۲/۳۷۶ | ۰/۰۱۹ |
| نشخوار فکر | −۱/۶۷۵ | ۰/۶۱۸ | −۰/۲۲۷ | −۲/۷۱۳ | ۰/۰۰۷ |
| تلاش برای عالی بودن | ۱/۴۶۷ | ۰/۶۷۱ | ۰/۱۸۱ | ۲/۱۸۵ | ۰/۰۳۰ |

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد، حوزهٔ بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (B=−۰/۳۱۸، P<۰/۰۰۰۱)، فشار از سوی والدین (B=۰/۱۸۸، P<۰/۰۰۱) و تلاش برای عالی بودن (B=۰/۱۸۱، P<۰/۰۳۰) به صورت مثبت و نشخوار فکر (B=−۰/۲۲۷، P<۰/۰۰۷) به صورت منفی نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر را پیش‌بینی می‌کنند. بر اساس ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در حوزهٔ بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، میزان نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر ۰/۳۱ واحد، به ازای یک واحد افزایش در فشار از سوی والدین میزان نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر ۰/۱۸ واحد و به ازای یک واحد افزایش در تلاش برای عالی بودن میزان نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر ۰/۱۸ واحد افزایش می‌یابد. همچنین، به ازای یک واحد افزایش در نشخوار فکر، میزان نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر ۰/۲۲− واحد کاهش یافت. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها از میان چهار متغیر پیش‌بین معنادار، حوزهٔ بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با قدرت بیشتری می‌تواند نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر را پیش‌بینی کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی توان پیش‌بینی کمال‌گرایی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر در میان دانشجویان و طلاب شهر قم اجرا شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که همبستگی بین نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر با زیرمقیاس‌های کمال‌گرایی (بجز نظم و سازماندهی، هدفمندی، معیارهای بالا برای دیگران، تمرکز بر اشتباهات و نشخوار فکر) و حوزه‌های طرح‌واره‌ای (بجز گوش‌به‌زنگی و بازداری) معنادار است. تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نیز نشان داد که حوزهٔ بریدگی و طرد از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و مؤلفه‌های فشار از سوی والدین، نشخوار فکری و تلاش برای عالی بودن از کمال‌گرایی، جمعاً توان تبیین ۱۶درصد از واریانس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر شرکت‌کنندگان را دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های خسروی، سیف و عالی (۱۳۸۶)، رضاخانی، نوری قاسم‌آبادی و جان‌بخش (۱۳۸۹)، بهزاد (۱۳۸۹)، احتشام‌زاده، مکوندی و باقری (۱۳۸۹)، هاشمی، سوری و عاشوری (۱۳۹۴)، خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۵)، طرزی و همکاران (۱۳۹۵)، یانگ (۱۹۹۷)، مارتین و اشبای (۲۰۰۴)، هرینگ و همکاران (۲۰۰۴) و ریگو و کانها[۱] (۲۰۰۸) همسو و هماهنگ است.

در تبیین نقش کمال‌گرایی در پیش‌بینی نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر می‌توان گفت: کمال‌گرایی منفی با اختلال در نوع نگرش، هیجان منفی، اضطراب و باورهای غیرمنطقی رابطهٔ مستقیم دارد و از مبانی شناختی سرچشمهٔ بروز آنها به‌شمار می‌آید. بنابراین، بدیهی است که بر دیدگاه فرد نسبت به خود و انتخاب همسر تأثیر می‌گذارد. کمال‌گرایی منفی بر خلاف کمال‌گرایی مثبت، نشان‌دهندهٔ گرایش و علاقه فرد به درک محیط پیرامون به گونه قانون همه یا هیچ است که معمولاً با شکست مواجه می‌شود. همچنین افراد دارای کمال‌گرایی به طور مداوم به عواقب اعمال خود می‌اندیشند و همواره تلاش می‌کنند به بهترین روش عمل کنند. آنها همیشه انتظار دارند که کارهای خود را به بهترین نحو انجام دهند که معمولاً در این کار موفق نیستند. این عوامل ابتدا باعث شناسایی و ارزیابی ناقص یا نادرست نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر و سپس باعث انتخاب ملاک‌های همسرگزینی اشتباه و غیرواقع‌بینانه می‌شود. همچنین، کمال‌گرایی یک منبع دائمی استرس محسوب می‌شود، این ویژگی اغلب اوقات فرد را با احساس ناکامی و شکست باقی می‌گذارد. افراد کمال‌گرا خود را ملزم به بی‌نقص بودن می‌دانند و این انتظار ثابت و مداوم به‌عنوان یک منبع استرس عمل می‌کند. استرس نیز می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های فرد تأثیر بگذارد. نظر به اینکه یکی از تصمیم‌های مهم زندگی افراد ازدواج است، داشتن انتظار غیرواقع‌بینانه از خود و دیگران و جامعه می‌تواند بر نگرش‌ها، باورها و انگیزه‌های افراد مؤثر باشد.

رابطهٔ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با نگرش‌های مربوط به انتخاب را نیز چنین می‌توان تبیین

۱. Rego, A, & Cunha, M.P,

کرد: به باور یانگ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، هسته خودپنداره را شکل داده و بر شیوه تعامل افراد با محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارند. آنها اغلب به‌عنوان الگوهایی برای پردازش تجربیات افراد به کار می‌روند و اندیشه و روابط فرد با دیگران را تعیین می‌کنند و چگونگی درکی را که هر فرد از خود و جهان پیرامونش دارد، مشخص می‌کنند. بنابراین، ازآنجاکه محتوای طرح‌واره‌ها، کلیه جنبه‌های زندگی فرد، اعم از آگاهانه یا غیرآگاهانه را دربر می‌گیرد، بدیهی است که ردپای تأثیر طرح‌واره‌ها در ملاک‌های انتخاب همسر را نیز می‌توان مشاهده کرد.

در تبیین نقش حوزهٔ بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر چنین می‌توان گفت که افراد دارای طرح‌واره‌های حوزهٔ بریدگی و طرد بر این باورند که نیازشان به ثبات، امنیت و محبت برآورده نمی‌شود و نمی‌توان دلبستگی ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کرد (یانگ، کلوسکو و ویشار، ۲۰۰۳). این افراد تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه خود - آسیب‌رسان به رابطه‌ای دیگر پناه ببرند و از لحاظ هیجانی، بی‌ثبات، غیرقابل پیش‌بینی، اعتمادناپذیر، نامنظم و نسبت به دریافت محبت یا برقراری ارتباط با دیگران بی‌اعتماد هستند. آنها احساس می‌کنند، افراد مهم زندگی‌شان نمی‌توانند حمایت عاطفی و تشویق لازم را به آنها بدهند و تمایلات و نیازهایشان به حمایت عاطفی به اندازه کافی از جانب دیگران ارضا نخواهد شد. این افراد بسته به اینکه بخواهند تسلیم طرح‌واره شوند و یا آن را به صورت افراطی جبران کنند، ممکن است برای جبران کمبود و به دست آوردن حمایت، به جهت اجتناب از درد طرح‌واره محرومیت هیجانی و رهاشدگی و یا به خاطر انکار نقص و بی‌ارزشی خود، نگرش‌های غیرواقع‌بینانه‌ای نسبت به انتخاب همسر داشته باشند. براین‌اساس، چنانچه فردی در کودکی از پذیرش و محبت اطرافیان محروم مانده و در این زمینه احساس فقدان و کمبود می‌کند. یا افرادی که از کودکی طرد شده و هیچ‌گاه نتوانسته‌اند در رابطه با والدین و همسالان خود صمیمیت را تجربه کنند؛ چنین افرادی ممکن است در بزرگسالی جویای همسری باشند که به عواطف و احساسات آنها اهمیت زیادی بدهد، همیشه در کنارشان بوده و در مقابل آنها احساس مسئولیت و تعهد کامل کند. از سوی دیگر، این افراد به خاطر ترس از طردی که ریشه در کودکی دارد، پیوسته پیش‌بینی می‌کنند که همسر آینده‌شان، آنها را طرد کرده و به فرد دیگری علاقه‌مند خواهد شد. بنابراین، ممکن است به احتمال بیشتر از افکار الزام‌آورتر برای انتخاب همسر استفاده کنند تا بدین‌وسیله احتمال موفقیت خود را در انتخاب بالا ببرند.

اسلام نیز در جهت تغییر باورهای فردی و فرهنگی نادرست کوشیده است و به‌عنوان دین برخوردار از نظام جامع، که سعادت انسان را تضمین می‌کند، دربارهٔ موضوع انتخاب همسر معیارهای متعددی را ارائه کرده است که در نظر داشتن آنها، زمینه‌ساز نگرش‌های مثبت و تأسیس خانواده مطلوب به‌شمار می‌رود. در اسلام، بر اصل همسان همسری، به‌عنوان معیار همسرگزینی و ضامن

انسجام خانواده، در ذیل عنوان «کفویت» تأکید شده است. از مهم‌ترین معیارهای انتخاب همسر در دیدگاه اسلام می‌توان به دینداری و ایمان (بقره: ۲۲۱)، حسن خلق (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۶۳)، مهرورزی (واقعه: ۳۶) و صلاحیت خانوادگی (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷) اشاره کرد.

نتایج این پژوهش، علاوه بر توسعه و گسترش ادبیات علمی موجود دربارهٔ نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر، دارای تلویحات کاربردی جهت اصلاح و پیشرفت برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای روان‌شناسان در موضوع ازدواج است. در این زمینه، می‌توان با شناسایی باورهای غیرمنطقی ازدواج، توجه بیشتر به سازهٔ کمال‌گرایی و انتظارات افراد، بر تقویت باورهای منطقی جوانان متمرکز شد و بر تدوین برنامه‌های فرهنگی ـ آموزشی برای والدین و اصلاح الگوهای فرزندپروری آنها جهت پیشگیری و کاهش عوامل زمینه‌ساز نگرش‌های غیرمنطقی فرزندان نسبت به ازدواج تأکید کرد.

## منابع


آهی، قاسم؛ محمدی‌فر، محمدعلی و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶)، «پایایی واعتبار فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره‌های یانگ»، روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۷(۳)، ص ۵-۲۰.

احتشام‌زاده، پروین؛ مکوندی، بهنام و باقری، اشرف(۱۳۸۹)، «رابطه بخشودگی،کمال‌گرایی و صمیمیت با رضایت زناشویی در جانبازان و همسران آنها»، یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۴(۱۲)، ص۱۲۳-۱۳۶

بحرینی، زهرا (۱۳۸۷)، «فلسفه ازدواج در اسلام»، مجله دیدار آشنا، ش ۱۰، ص ۲۱-۲۹.

بهزاد، داوود (۱۳۸۹)، «معادله چندمجهولی ازدواج»، اولین سمینار کشوری آموزش قبل از ازدواج، کرمان، دانشگاه علوم پزشکی با همکاری سازمان بهزیستی.

جعفری‌نژاد، کامران و اردشیرزاده، منصوره (۱۳۸۳)، آشنایی با آموزش خانواده، تهران: سازمان بهزیستی کشور.

حرعاملی، محمدحسن (۱۳۶۷)، وسائل‌الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

خجسته‌مهر، رضا؛ محمدی، علی و عباس‌پور، ذبیح‌الله (۱۳۹۵)، «نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج: یک مطالعه کیفی»، روان پرستاری، ۴(۲)، ص ۱۹-۲۷.

خسروی، زهره؛ سیف، سوسن و عالی، شهربانو (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه بین نوع فرایند طرح‌واره‌ای و نگرش به ازدواج»، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۱(۴)، ص ۳۱-۴۰.

رضاخانی، سیمین‌دخت؛ نوری قاسم‌آبادی، ربابه و جان‌بخش، مژگان (۱۳۸۹)، «رابطه کمال‌گرایی با باورها و انگیزه‌های ازدواج در دانشجویان دانشگاه تهران»، زن و مطالعات خانواده، ۳(۱۰)، ص ۶۱-۷۴.

سپهری، صفورا و حسن‌زاده توکلی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی اعتبار و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر»، خانواده‌پژوهی، ۷(۲۸)، ص ۴۰۱-۴۱۹.

شایقیان، زینب؛ آگیلار وفایی، ماریا و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۰)، «بررسی طرح‌واره‌ها و پیوند والدینی در دختران نوجوان با وزن طبیعی چاق و یا دارای علایم بی‌اشتهایی عصبی»، مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، ۱۶(۱)، ص ۳۰-۳۸.

طبرسی، حسن (۱۳۷۰)، مکارم‌الاخلاق، قم: شریف رضی.
طرزی، سمیه و ناعمی، حسن (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه کمال‌گرایی با ملاک‌های انتخاب همسر در بین دانشجویان علوم پزشکی سبزوار»، کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و رفتاری، تهران.
فریدمن، جین (۱۳۸۱)، فمینیسم، ترجمهٔ فیروز مهاجر، تهران: آشیان.
قنبری، سعید؛ جواهری، عابدین؛ سیدموسوی، پریسا و ملحی، الناز (۱۳۸۹)، «رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی دانشجویان و روابط مثبت آنها با دیگران»، روان‌شناسی کاربردی، ۱(۱۶)، ص ۷۲-۸۴.
کریمی، یوسف (۱۳۸۳)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر ویرایش.
کریمی، محمد و سلیمی، جمال (۱۳۹۱)، «تأثیر آموزش مفاهیم نظریه لازاروس بر تغییر نگرش نسبت به انتخاب همسر در بین دانشجویان دختر»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۴)، ص ۵۱۲-۵۳۳.
کلارک وارن، نیل (۱۳۹۲)، در جست‌وجوی عشق زندگی، ترجمهٔ مهدی قراچه‌داغی، تهران: اوحدی.
کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۵)، بحارالانوار، قم: داراحیا التراث العربی.
هاشمی، نظام؛ سوری، احمد و عاشوری، جمال (۱۳۹۴)، «رابطه کمال‌گرایی و باورهای غیرمنطقی با ملاک‌های همسر گزینی زنان مبتلا به دیابت نوع دو شهر مشهد»، پرستاری دیابت، ۴(۱)، ص ۲۰-۳۱.
یانگ، جفری؛ کلوسکو، ژانت و ویشار، مارجوری (۲۰۰۳)، طرح‌واره‌درمانی؛ راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی، ترجمهٔ حسن حمیدپور و همکاران، تهران: ارجمند.

Antoine, P, Antoine, C, & Nandrino, J.L, (2008), Development and validation of the Cognitive Inventory of subjective distress, International journal of geriatric psychiatry, (23), p. 1175-1182.

Baranoff, J., Tian, P.S., & Oei, (2007), Young Schema Questionnaire: Review of Psychometric and Measurement Issues, Australian Journal of Psychology, 59: 78-86.

Beck, A, (1976), cognitive therapy and the remotional disordes, New York international universities press.

Bouchard, G., Rhéaume, J., & Ladouceur, R. (1999). Responsibility and perfectionism in OCD: An experimental study. Behavior and Research Therapy, 37(3), 239-248.

Cobb, N. P., Larson, J. H., & Watson, W. L, (2003), Development of the Attitudes about Romance and Mate Selection Scale. Journal of Family Relations, 53(3), 222-
231.

Dollahite, D. C, Hawkins, A. J, & Parr, M. R, (2012), "Something more": The meanings of marriage for religious couples in America, Marriage & Family Review, 48(4), p. 339-362.

Dulong, J, (2007), How Can I Keep from Suffocating in A Relationship? Psychology Today, v. 40

Hering, M, Hewit, P, & Felet, G, (2003), Perfectionism, coping, and quality of intimat relationships, Joumal of marriags and family, 65(1), p. 143-158.

Hewitt, P.L, Caclian, C, & Flett, G.L, (1991), Perfectionism in the self and social contexts: conceptualization, assessment, and association with psychopathology, Journal of personality andsocial psychology, 60(3), p. 470–456.

Hill, R.W, Huelsman, T.J, Furr, R.M, Kibler, J, Vicente, B.B, & Kennedy, C, (2004), A new measure of perfectionism: The perfectionism inventory, Journal of Personal Assessments, 82 (1), p. 80–91.

Jacquin, K. M. (1997).The effects of maladoptive schemata on information processing. Unpubished doctoral deissertation.The University of Texas at Austin.

Mahoney, A, Pargament, K. I, Murray–Swank, A, & Murray–Swank, N, (2003), Religion and the sanctification of family relationships, Review of Religious Research, 44(3), p. 220–236.

Martin, J, & Ashby, J.S, (2004), Perfectionism and fear of intimacy: implications for relationship, The Family journal, 12(40), p. 983–1009.

Pascal A & Cristh, Jean L. (2008). Development andValhdation of the cognitive inventori of subjective distress International journal of geriatric psychiatry.23.1175–1182.

Rego, A, & Cunha, M.P, (2008), Workplace spirituality and organizational commitment: an empirical study, Journal of Organizational Change Managemen, 21(1), p. 53–75.

Rice, K. G, & Lapsley, D. K, (2001), Perfectionism, coping and emotional adjustment, Journal of psychology, n. 42, p. 157–168.

Rise, k. G, & Dellwo, J. P, (2002), Perfectionsm and self development: Implications for college adjustment, Journal of counsling & Development, 80(2), p. 188–196.

Switzer, I. (2006). Early maladaptive schemas predic riskly sexual behaviors. Unpublished thesis masters. Mississippi State University.

Waler, g, Dickson, c, & Ohanian, v, (2002), Cognitive conten in bulimic disordes core beliefs and eating attitudes, Eating behaviors, 3(2), p. 178–171.

Young, J, (1997), A Schema–focused Perspective on satisfaction in close relationships.

Young, T. R, (2007), The relationship between appearance schemas, Self–esteem and indirect aggression among College woman, Doctoral Thesis, Oklahoma State University.

# ملخّص المقالات ـ ص١٢٤-١١٩

مترجم: اسعد كعبي

## الدور التصحيحي للدين، والخصائص السوسيولوجية التجريبية في مجال الاضطراب النفسي وسلوك المواطنة المؤسّساتي برؤية ماوارء تحليلية

✍ **سارا محمدي**/ أستاذ مساعد في إدارة السلوك التنظيمي، قسم الإدارة، جامعة شهيد شمران في الأهواز، الأهواز، إيران

**الملخّص:**

في عالمنا المعاصر الزاخر بالمنافسة، لا تنفكّ المؤسّسات عن السعي لاستكشاف أساليب جديدة بهدف رفع كفاءة أداء منتسبيها وجهودهم إلى أقصى درجة ممكنة، وبما أنّ مجتمعنا إسلامي قائم على تعاليم إسلامية، فإنّ تحليل مدى تأثير الدين الإسلامي على شتّى جوانب الحياة ومقارنة هذا الأمر مع سائر الأديان، يعدّ ضرورياً للغاية.

الهدف من تدوين هذه المقالة هو إجراء دراسة ماوراء تحليلية حول الاضطراب النفسي وسلوك المواطنة المؤسّساتي على ضوء الدور التصحيحي للدين والخصائص الفردية في هذا المضمار. بناءً على الرؤية ماوراء التحليلية المعتمدة في هذه الدراسة، تمّ استكشاف وتحليل واقع الدين والخصائص الفردية بصفتهما عوامل مؤثّرة على العلاقة بين الاضطراب النفسي وسلوك المواطنة المؤسّساتي، ونطاق البحث عمّ جميع الدراسات التي نشرت في المجلات المحلية والدولية المعتبرة والتي تطرّقت إلى الحديث عن الاضطراب النفسي وسلوك المواطنة، وبشكلٍ عامٍ هناك أكثر من ٧٥٠ أثراً ضمن ١٥٣ بحثاً علمياً تمّ تدوينه في مجال استكشاف الموضوع وتحليله، حيث تطرّق باحثوها إلى بيان الأثار التصحيحية للإسلام والمسيحية واليهودية وسائر الأديان. وأمّا النتائج فقد دلّت على أنّ الاضطراب النفسي وسلوك المواطنة بينهما رابطة عكسية ومعتبرة، ونوع الاختبار الديني المختصّ بهذه الرابطة له أثر تصحيحي؛ وعلى هذا الأساس فالاضطراب النفسي بحسب التعاليم الإسلامية والمسيحية له تأثير سلبي أقلّ على سلوك المواطنة، في حين أنّ تأثيره يكون أكثر ضمن اليهودية وسائر الأديان؛ كما أنّ سائر العوامل التصحيحية المرتبطة بالخصائص الاختبارية التي أجريت بحسب الجنس والتجربة، لها تأثير على الاضطراب النفسي وسلوك المواطنة.

**كلمات مفتاحية:** الاضطراب النفسي، الدين، سلوك المواطنة المؤسّساتي، ماوراء التحليل، المتغير التصحيحي

# مفهوم الروح المرحة: الرؤى والملاحظات

✍ **محمّد سليماني نجف آبادي** / حائزعلى شهادة ماجستيرفي علم النفس الإسلامي. (المشرف على تدوين المقالة)
**محمّد صادق شجاعي** / أستاذ مساعد - جامعة المصطفى العالمية.
**مهدي عباسي** / أستاذ مساعد - جامعة علوم الحديث.

**الملخّص:**
الهدف من تدوين هذه المقالة هو تحليل النظريات المطروحة حول مفهوم (الروح المرحة)، حيث تمّ تدوينها وفق أسلوب بحث وصفي تحليلي، وقد اعتمد الباحثون على المصادر المتاحة حول الموضوع لتسليط الضوء على النظريات الخمسة الأساسية المطروحة حول طبيعة الروح المرحة، وهي السعي لنيل الأفضلية وعدم التجانس والتسكين والتعاكس وعلم النفس الإيجابي.

أمّا نظرية السعي لنيل الأفضلية فهي توعز منشأ التحلّي بالروح المرحة إلى الفخر المفاجئ الذي يطرأ على شخصية الإنسان إلى مقارنته نفسه مع الآخرين والتعرّف على بعض النقص لديهم ومن ثمّ التباهي بالنفس جرّاء عدم اتّصافها بهذا النقص.

نظرية عدم التجانس تعتبراللذّة من التجربة والتفكيرغيرالمتكافئ علامتين فارقتين لتجلّي الروح المرحة.

نظرية التسكين أضافت إلى ما قيل من قبل أصحاب نظرية عدم التجانس موضوعاً آخر، وذلك وفق أصول فيزيولوجية، لذا لم يتمكّن أصحابها من تجاوز الإشكالات التي ترد على هذه النظرية.

نظرية التعاكس عرّفت الروح المرحة على أساس نظرية أوسع نطاقاً منها، وقد تمّ تحليل الإشكالات المطروحة عليها.

وأمّا نظرية علم النفس الإيجابي فقد عرّفتها بشكلٍ لا ترد عليه الإشكالات التي تطرح على التعاريف الأخرى، لكن مع ذلك لم تأخذ بعين الاعتبار الدور الذي تفيه ثقافات شتّى المجتمعات في ترسّخ هذه الميزة بشخصية الإنسان.

فضلاً عمّا ذكرفالعلماء المسلمون سلّطوا الضوء على الروح المرحة وفق أسس وقواعد خاصّة، ولم يعرّفوها بشكل جامع وكامل كتعريف سائرالمفاهيم، وعلى الرغم من أنّ الباحثين اعتمدوا على الأنموذج الإسلامي في البهجة لتحديد أهمية الروح المرحة في منظومة المعارف الإسلامية، ولكن يبدو أنّه لم تطرح على أساسه نتيجة واضحة حول تعيين حدود هذه الروح وبيان أوجه التشابه والاختلاف بينها وبين سائرالمفاهيم.

**كلمات مفتاحية:** طبيعة الروح المرحة، السعي للأفضلية، عدم التجانس، علم النفس الإيجابي، نظرية التعاكس

# العلاقة الرابطة بين الالتزام الديني وأنماط الهوية وبين نجاح الأداء الأسري

✍ **جواد موسوي** / حائزعلى شهادة ماجستيرفي الاستشارة والتوجيه من مؤسّسة التعليم العالي للأخلاق والتربية – مدينة قم.
**نجيب الله نوري** / أستاذ مساعد في فرع علم النفس بجامعة المصطفى العالمية – مدينة قم. noori1351@gmail.com
**جعفرجديري** / حائزعلى شهادة دكتوراه في علم النفس – مؤسّسة الإمام الخميني ﷺ للتعليم والبحوث. jjafar138@gmail.com

**الملخّص:**
الهدف من تدوين المقالة هو تحليل العلاقة الرابطة بين الالتزام الديني وأنماط الهوية وبين نجاح الأداء الأسري، وقد تمّ تدوينها بأسلوب بحث وصفي ضمن خطّة بحث مترابطة، ونطاق البحث اشتمل على جميع طلاب وطالبات الحوزة العلمية وجامعة آزاد الإسلامية في مدينة قم، حيث اختيرت منهم عيّنة بحث بلغت ٣٨٨ طالباً وطالبةً وفق طريقة انتقاء الأنموذج المتوفّر.

بعد تحليل أفراد عيّنة البحث اجتماعياً، أجابوا عن استبيان JRAQ الخاصّ بالالتزام الديني، واستبيان ISI-G٦ الخاصّ بأنماط الهوية واستبيان SFEQI الخاصّ بنجاح الأداء الأسري. وأمّا نتائج البحث فقد دلّت على أنّ نجاح الأداء الأسري له ارتباط فاعل ووطيد بالالتزام الديني وأنماط الهوية المعلوماتية وأصول التكافل، بينما ارتباطه سلبي بعدم الالتزام الدينية والازدواجية الدينية. المعطيات التي تمّ قياسها وفق انحدار التحليل (ريجرسيون) أشارت إلى أنّ الالتزام الديني والازدواجية الدينية، كذلك نمط الهوية المعلوماتية، هي أمور يمكن على أساسها قياس نجاح الأداء الأسري.

**كلمات مفتاحية:** الالتزام الديني، أنماط الهوية، نجاح الأداء الأسري، ...

# دراسة تحليلية للعلاقة الرابطة بين شخصية الإنسان ومدى رضاه بحياته وأمله بالمستقبل

✍ **محمّد زارعي توبخانه** / طالب دكتوراه في فرع علم النفس – معهد دراسات الحوزة والجامعة. mohammad1358z@gmail.com
**حديث جراغيان** / طالبة دكتوراه في فرع الاستشارة – جامعة المحقّق الأردبيلي. cheraghian69@gmail.com
**خديجة مراديانى** / طالبة دكتوراه في فرع علم النفس – جامعة لرستان.
**علي زهيري هاشم آبادي** / حائزعلى شهادة ماجستيرفي علم النفس من جامعة الخوارزمي.

**الملخّص:**
الهدف من تدوين هذه المقالة هو تحليل العلاقة الرابطة بين شخصية الإنسان ومدى رضاه بحياته وأمله بالمستقبل، ونطاق البحث شمل طلاب الثانوية، وقد اعتمد الباحثون فيها على أسلوب بحث وصفي مترابط. عيّنة البحث التي تمّ انتقاؤها بلغت ٣١٦ طالباً وطالبةً من ثانويات مدينة رباط كريم، حيث اختيروا بشكلٍ عشوائي عنقودي، وأمّا الوسائل التي تقوّم عليها البحث فهي استبيان مكوّن من ٩٠ سؤالاً حول الشخصية والمدوّن من قبل آيسنك، واستبيان مكوّن من ٥ أسئلة حول مدى رضا الإنسان بحياته، واستبيان مكوّن من ١٢ سؤالاً حول الأمل بالحياة والموضوع من قبل شنايدر.

معطيات البحث تمّ تحليلها على أساس قواعد تحليل معامل الارتباط (بيرسون) وتحليل الانحدار (ريجرسيون) متعدّد المتغيرات والمتزامن، حيث دلّت على أنّ النزعات النفسية المشتّتة والحالات النفسية السيّئة تسفرعن تقليل مستوى رضا الإنسان بحياته، في حين أنّ التعايش مع الآخرين يزيد من رضاه في هذا المضمار. أضف إلى ذلك فالنزعات والحالات النفسية المشار إليها تقلّل من مدى أمله بالمستقبل، بينما التعايش مع الآخرين يزيد من أمله.

النتيجة الأخرى التي توصّل إليها الباحثون في هذه المقالة هي أنّ النزعات النفسية المشتّتة والتعايش مع الآخرين والحالات النفسية السيّئة، من شأنا تعيين ما مقداره ١٨,٥٪ من الجدول التحليلي للتباين المخصّص لتحديد مستوى الرضا بالحياة، وتعيين ١٧٪ من الجدول التحليلي للتباين المخصّص لتحديد مستوى الأمل بالمستقبل؛ لذا يمكن استنتاج أنّ تنمية الميزات الشخصية الفاعلة لها دور هامّ في رفع مستوى رضا طلاب الثانويات بحياتهم وأملهم بمستقبلهم.

**كلمات مفتاحية:** الرضا بالحياة، الأمل بالمستقبل، ...

# العلاقة الرابطة بين أنماط التعلّق النفسي وتقبّل المسؤولية والتسامح وبين الالتزام الزوجي

✍ **فاطمة رسولي**/ حائزة على شهادة ماجستير في علم النفس من جامعة آزاد الإسلامية – فرع مدينة ساري.
**ليلى حسيني طبقدهي**/ أستاذة مساعدة في فرع الإدارة بجامعة آزاد الإسلامية – فرع مدينة رامسر leila.hosseitabaghdehi@yahoo.com
**عين الله مظلومي زيدي**/ أستاذ مساعد في جامعة آزاد الإسلامية – فرع مدينة ساري.

**الملخّص:**
الهدف من تدوين هذه المقالة هو تحليل العلاقة الرابطة بين أنماط التعلّق النفسي وتقبّل المسؤولية والتسامح من جهة، وبين الالتزام الزوجي من جهة أخرى، وذلك وفق أسلوب بحث وصفي، ونطاق البحث اشتمل على منتسبي جامعة العلوم الطبية المتزوّجين في مدينة ساري وعددهم ٢٦٥ منتسباً حيث تمّ انتقاء عيّنة البحث من بينهم بشكل عشوائي بسيط.

جمع الباحثون معطيات البحث على ضوء أربعة استبيانات مخصّصة لمسألة الالتزام في الحياة الزوجية والتي تمّ إعدادها من قبل آدامز وجونز، كذلك استبيان مستوى التعلّق النفسي لكلٍّ من هايزن وشيفر، واستبيان لقياس مستوى تقبّل المسؤولية لجاف، ومعيار تقييم التسامح بين الناس لاحتشام زاده وآخرين.

وأمّا تحليل النتائج التي توصّل إليها الباحثون، فقد اعتمد فيه على أساليب إحصائية وصفية وتحليل معامل الارتباط (بيرسون) وتحليل الانحدار (ريجرسيون) متعدّد المتغيّرات المتزامن، وقد دلّت هذه النتائج على وجود ارتباط مؤثّر بين أنماط التعلّق النفسي وتقبّل المسؤولية والتسامح من جهة، وبين الالتزام في الحياة الزوجية من جهة أخرى. وأمّا نتائج تحليل الانحدار فقد أشارت إلى أنّ المعايير الجزئية لأنماط التعلّق ونمط التعلّق الآمن لها دور أكثر فاعلية من غيرها على صعيد الالتزام في الحياة الزوجية، كما أنّ عنصري تقبّل المسؤولية والتسامح يمنحان الإنسان قابليةً أكثر على التحلّي بمتغيّر الالتزام في الحياة الزوجية.

نتائج البحث بشكلٍ عامٍّ دلّت على أهمّية متغيرات التعلّق النفسي وتقبّل المسؤولية والتسامح وشدّة تأثيرها في مجال الالتزام في الحياة الزوجية.

**كلمات مفتاحية:** الالتزام في الحياة الزوجية، أنماط التعلّق النفسي، تقبّل المسؤولية، التسامح

# وجهات النظر في اختيار شريك الحياة: دور طلب الكمال والقرارات المبكّرة غير المتكافئة[۱]

✍ **فرشته صفاري زاده** / خرّيجة من المستوى الثالث في فرع التعليم والتربية الإسلاميين - جامعة الزهراء عليها السلام.
**حسين رضائيان بيلُندي** / طالب دكتوراه في علم النفس بمؤسّسة الإمام الخميني رحمه الله للتعليم والبحوث - مدينة قم. (المشرف على تدوين المقالة) h.rezaeiyan60@gmail.com

**الملخّص:**
الهدف من تدوين هذه المقالة هو تحليل دور طلب الكمال والقرارات المبكّرة غير المتكافئة في طبيعة وجهات النظر الخاصّة باختيار شريك الحياة الزوجية، ونطاق البحث شمل طلاب الجامعة والحوزة العلمية في مدينة قم.

اتّبع الباحثان أسلوب بحث وصفي وطرحت تفاصيله ضمن خطّة بحث مترابطة، وعيّنة البحث اشتملت على ١٦٣ طالباً من طلاب جامعة آزاد الإسلامية والجامعة الحكومية والحوزة العلمية في مدينة قم، حيث اختيرت العيّنة بشكل اختيار الأنموذج المتوفّر؛ وقد أجاب هؤلاء عن استبيان ARMSS مخصّصة لقياس وجهات النظر المتعلّقة باختيار شريك الحياة، واستبيان TPI خاص بقياس طلب الكمال، واستبيان YSQ-SF المخصّص لقياس القرارات المبكّرة غير المتكافئة. وأمّا معطيات البحث فقد تمّ تحليلها وفق اختبار تحليل الانحدار المتوالي (ريجرسيون)، واستنتج الباحثون منها وجود ارتباط منطقي مترابط بين التنفّر والرفض والأنانية والسلوكيات المنحرفة والتوجّهات نحو الآخرين والتقييد الموجد للخلل وعوامل السعي للرقي بالنفس والحاجة إلى الدعم والضغط المفروض من قبل الوالدين، وبين وجهات النظر الخاصّة في اختيار شريك الحياة الزوجية.

وأمّا نتائج تحليل الانحدار (ريجرسيون) متعدّد المتغيّرات والمتوالي، فقد دلّت على أنّ أهم عناصر مؤثّرة في صعيد تعيين الرؤى التي يتبنّاه الإنسان تجاه اختيار شريك الحياة الزوجية تتمثّل في عنصري التنفّر والرفض الناجمين عن القرارات المبكّرة غير المتكافئة، كذلك في الضغط من قبل الوالدين والاجترار الفكري والسعي للرقي بالنفس؛كما دلّت النتائج على وجود دور أساسي لطلب الكمال والقرارات المبكّرة غير المتكافئة في مجال وجهات النظر الخاصّة باختيار شريك الحياة الزوجية.

**كلمات مفتاحية:** طلب الكمال، القرارات المبكّرة غير المتكافئة، وجهات النظر الخاصّة باختيار شريك الحياة، الزواج

۱. تمّ تدوين هذه المقالة بدعم من قسم البحوث العلمية في جامعة الزهراء عليها السلام.

# Table of Contents

**The Moderating Role of Religion and Demographic Characteristics of Subjects on the Relationship between Strain and Organizational Citizenship Behavior: A Meta-analysis Approach** / Sara Muhammadi .....**7**

**The Concept of Wittiness: Views and Considerations** / Muhammad Suleymani Najaf-Abadi / Muhammad Sadeq Shuja'i / Mahdi Abbasi .....**29**

**The Relationship of Religious Commitment and Identity Styles with Family Efficiency** / Sayyid Jawad Musawi / Najibullah Nuri / Ja'far Jodeyri .....**47**

**Investigating the Relationship between Personality with Life Satisfaction and Hope in Future** / Muhammad Zare'i Tupkhana / Hadith Cheraghiyan / Sayyida Khadija Muradiani / Ali Zahiri Hashem Abadi .....**67**

**The Relationship between the Attachment Styles, Responsibility and Forgiveness and Marital Commitment** / Sayyida Fatima Rasuli / Sayyida Leyla Husseini Tabaqdehi / Aynullah Mazlumi Zeydi .....**83**

**Attitudes Related to Mate Selection: the Roles of Perfectionism and Early Maladaptive Schemas** / Fereshte Saffarizade / Hussein Rezaiyan Bilondi .....**103**

**In the Name of Allah**

**Islam & Psychological Research** Vol. 3, No. 7
Two Quarterly Journal of Psychology Spring and Summer 2017

**Proprietor:** Akhlaq & Tarbiat High Education Institute
**Managing Director:** Dr. Mohammad Javad Zarean
**Editor in Chief:** Dr. Mohammad Reza Ahmadi
**Deputy Editor:** Hussein Rezaiyan Bilondi
**Executive Secretary:** Hadi Ershad Husseini

**Editorial Board**:

- **Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** *Tehran University*
- **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zare'an**: *Academic Institute for Ethics And Education*
- **Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad**: *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Baqiyatallah University*
- **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- **Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei:** *IKI*
- **Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*

**ADDRESS:**

**The High Institute of Ethics and Education**

**No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran**

**Postcode: 3716715545**
**Tel: +9825332918444**
**Fax: +982532922239**
**www.ipr.ueae.ir**
ipr@ueae.ir

# فرم اشتراک دوفصلنامه

## مشخصات متقاضی حقیقی

نام‌خانوادگی: ..... نام: .....

میزان تحصیلات: ..... رشتهٔ تحصیلی:.....

مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شمارهٔ فیش بانکی: .....

آدرس و کدپستی: .....

صندوق پستی: ..... تلفن:.....

امضاء متقاضی

## مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: ..... واحد درخواست‌کننده: .....

مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شمارهٔ فیش بانکی: .....

آدرس: .....

کدپستی ..... صندوق پستی: .....

تلفن:..... دورنگار: .....

امضاء مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می‌شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینهٔ مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، بنام «مؤسسهٔ آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را بوسیلهٔ پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصل‌نامه ارسال نمایند.

**حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان: ۲۰۰،۰۰۰ ریال و تک‌شماره: ۱۰۰،۰۰۰ ریال**
**حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان: ۲۴۰،۰۰۰ ریال و تک‌شماره: ۱۲۰،۰۰۰ ریال**